

سرمقاله ...

خیزش شهریور، یک راه حل انقلابی

منصور امان

سالگرد قیام شهریور هنگامی از راه می رسد که بحران ضد مردمی خارجی که تا دیروز در زمین سوخته «عقبه استراتژیک» و دلانهای مجلل پایتختهای اروپایی حل و فصل می شد، اکنون در خاک کشور و توسط هواپیماهای جنگنده و بمب افکنهای غول پیکر پیش برده می شود. جنگ ارتجاعی در حالی به مردم ایران تحمیل می شود که رژیم فاسد ولایت فقیه در باتلاق بحران و بی ثباتی اقتصادی فرو رفته است و امور خود را با چاپ پول بی ارزش و غارت جامعه با تورم ناشی از آن می گذراند. اما آنکه در آستانه خفگی قرار گرفته انبوه مردمی هستند که رژیم حاکم برای نجات خود با دو پا روی شانه های شان ایستاده و حتی آب و برق را از آنها دریغ کرده است. دولت دست نشانده آخوند خامنه ای یک دستور کار بیشتر ندارد و آن فشار هرچه بیشتر بر جامعه و جستجوی راههای تازه تری برای غارت آن به منظور گذران معاش و سوخت رسانی به بقای خود است.

اسم رمز مبارزه و مقاومت

چنین زمینه اجتماعی - اقتصادی، بروز خیزشهای جدید در اشکال جدید، با گستره اجتماعی وسیع تر و توان دگرگون ساز بیشتر را آبیستن است. اگرچه دستگاه سرکوب با شمشیر آخته در کوچه و خیابان و زندان و محیط کار جولان می دهد، اما جامعه منفعل نشده و زیر پوست آن خواست تغییر در شکل اعتراضهای کارورزان و بازنشستگان و مبارزه بی وقفه زنان در حال جوشش است. نبود حرکتی گسترده به معنای پایان جنبش نیست، همچنانکه خیزش شهریور درست در میانه تشدید سرکوب و به ظاهر سلطه بی چون چرای آن شکل گرفت.

بقیه در صفحه ۳

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان

صفحه ۲۱

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۱۷۷ تن از زندانیان اعدام شده

از اول تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴

صفحه ۱۷

یادداشت سیاسی

کور خوانده اید، حقایق لاپوشانی کردنی نیست!

مهدی سامع

صفحه ۲



آموزش و پرورش رانتی، طبقاتی

و ترک تحصیل به علت فقر

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

کنکور، آینه شکاف طبقاتی در

ایران

اسد طاهری

صفحه ۱۸

اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

صفحه ۶

بیانیهٔ چهل و چهارمین سالگرد

تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۴

مرضیه؛ خنیانگرازادی

م. وحیدی

صفحه ۱۹

جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱

از نگاه سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۸

پیام امجد امینی پدر جاوید نام

ژینا (مهسا امینی)

صفحه ۸

در این شماره:

صفحه ۹

رویدادهای هنری ماه

صفحه ۱۱

چالشهای معلمان

صفحه ۱۳

دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۸

مرثیه - م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۲۲

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری

صفحه ۲۴

جنبش رنگین کمان بیشماران - پویا رضوانی

صفحه ۳۲

یادواره / فدایی شهید دکتر شهسوار شفیعی ... امیر ابراهیمی

صفحه ۳۲

شهادت فدایی در مهر ماه

یادداشت سیاسی ...

کور خوانده اید، حقایق لاپوشانی کردنی نیست!

مهدی سامع

مختلط که دو روز پیش پلمب شده بود، برای همیشه تعطیل شد. (فارس، یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۴)

* کافه امیرشکلات در ماهشهر به دلیل برگزاری «ماچاپارتی» پلمپ شد. (خبر فوری، سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴)

* در پی انتشار تصاویر یک نمایش مد در مغازه‌ای در بازار بزرگ تهران، قوه فاسد قضائیه اعلام کرد این واحد تجاری به دستور بیدادستانی پلمب و برای برگزارکنندگان پرونده قضائی تشکیل شده است. جلالان نظام این اقدام را «خلاف اخلاق و عفت عمومی» توصیف کردند. (فارس، چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۴)

* سرکوبگران حراست کاخ مرمر در رامسر با دختران بازدید کننده سر حجاب درگیر شده آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. نیروهای حراست ضمن ضرب و جرح، از اسپری فلفل علیه دختران استفاده کردند و باعث ایجاد فضای رعب و وحشت در این مکان شدند. در ویدیویی که از این رویداد به طور گسترده پوشش خبری پیدا کرده، یک مرد خون‌آلود روی زمین دیده می‌شود و مامور حراست، اسپری فلفل در دست دارد. به دنبال واکنش اعتراضی جامعه، فرماندار رامسر مجبور به عذرخواهی شد و گفت: «با ماموران به شدت برخورد شد و قطعاً چنین رفتاری تکرار نخواهد شد.» (انصاف نیوز، جمعه ۲۸ شهریور ۱۴۰۴)



* کافه «بارون» واقع در خیابان استخر در تهران، به دلیل آنچه که «سرو و نگهداری مشروبات الکلی و عدم رعایت حجاب» عنوان شده، پلمب و متصدی این واحد صنفی به مرجع قضایی معرفی شد. (همشهری آنلاین، شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴)

«این وقاحت تو تاریخ نمونه ندارد»

اکنون که بنا به تفسیر شعر سعدی، ایران از «پایند ویران است»، خامنه‌ای به عمّله و آکره اش امر می‌کند که «ویرانی» را لاپوشانی کرده و آن را «نقش ایوان» جار بزند. او فرمان صادر می‌کند که نمک بر زخم زاینده رود بپاشند و بر بستر ویران شده آن کنسرت برگزار کنند. مزدوران ولی فقیه در این اقدام ریاکارانه، با هر صدلی که بر کف خشک این رودخانه می‌چینند، تیغی بر شاه‌رگ حیات زاینده رود زده و بنا بر حکم ولی فقیه واقعیت را با مراسم کنسرت لاپوشانی بقیه در صفحه ۴

برخی از رویدادها در شهریور ماه، برملاکننده ضعف و ناتوانی نظام و البته ترس از شعله ور شدن آتش از یک جرقه است.

* «بررسیها نشان می‌دهد در دو ماه گذشته حدود ۲۰ کافه، باغ رستوران و تالار عروسی به دلیل "هتجارشکنی درباره نوع پوشش و حجاب زنان" پلمب شده و تشکیل پرونده‌های قضایی حجاب در اصفهان ادامه دارد.» (هم میهن، یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴)

پیامکهای هشدارآمیزی در مورد حجاب به زنان در استانهای تهران، اصفهان، فارس، گیلان و آذربایجان شرقی ارسال شده که اعتراضهای زیادی را به همراه داشته است. این پیامکها نه تنها به رانندگان یا سرنشینان خودرو، بلکه به زنان عابر پیاده در سطح شهر نیز ارسال می‌شوند. گفته می‌شود که پیامکهای هشدار حجاب توسط پلیس امنیت اخلاقی ارسال می‌شود، اما



سیاستگذاری و هماهنگی آن به طور مشخص در حوزه فعالیت ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد. (رادپو فردا به نقل از ایلنا، سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴)

* اعلام جرم بیدادستانی تهران علیه مسئولان بیمارستان صارم به خاطر انتشار فیلمی در فضای مجازی از مراسم تجلیل از پزشکان فارغ‌التحصیل بیمارستان صارم در غرب تهران. در این مراسم برخی از پزشکان زن بدون رعایت حجاب اجباری حضور داشتند و هنگام دریافت هدایا با مردان دست داده یا آنها را در آغوش گرفتند. (دیدهبان ایران، دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴)

* در قم یک کافه به دلیل افتتاح بدون مجوز و برگزاری مراسم همراه با «موسیقی زنده خلاف ارزشهای اخلاقی و فرهنگی پلمب و برای متصدی آن پرونده قضایی تشکیل و از این پس هیچ گونه پروانه کسب برای رسته کافه داری در قم صادر نخواهد شد و این موضوع به‌طور قطعی در دستور کار قرار گرفته است. (انتخاب، سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴)

* روز چهارشنبه ۱۹ شهریور، یک هفته پس از افتتاح شهرداری بوستان جنت در شیراز، بیدادستان این شهر از «حرکات نامتعارف گروهی از کودکان و نوجوانان در جشن باغ جنت» خبر داد که سبب احضار و تعقیب قضائی دست اندرکاران این مراسم شد. مسئولان شهرداری، این مراسم را «بدون مجوز» دانستند و به دنبال آن مدیر شهرداری شیراز عزل شد. (دادبان)

* یک کافه به نام «کاریز» در بوستان نهج البلاغه تهران به‌دلیل «سرو مشروبات الکلی، برهنگی و برگزاری پارتی

«خواجه در بند نقش ایوان است/ خانه از پایند ویران است» (سعدی)

روز یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ ولی فقیه نظام طی یک سخنرانی در دیدار پزشک‌ها و هیات وزیرانش، با بیان این که «دشمن در صدد تحمیل حالت نه جنگ نه صلح است»، گفت که «این حالت برای کشور [ولایت خامنه‌ای] ضرر و خطر دارد.» او مسئولان حکومت و اصحاب رسانه‌ها را به «روایت قدرت، قوت و تشریح امکانات فراوان کشور» و «پرهیز از روایت ضعف و ناتوانی» فراخواند و «مطبوعات و صدا و سیما» را هم در این زمینه دارای «وظیفه» دانست.

خامنه‌ای پیرامون حالت «نه جنگ و نه صلح» ریاکاری می‌کند، چرا که پیش از این در مرداد ۱۳۹۷ تأکید کرده بود که «نه جنگ می‌شود و نه مذاکره می‌کنیم» که همان شرایط «نه جنگ، نه صلح» است.

اگر خامنه‌ای با مردم صادق بود، به ریاکاری و خدعه متوسل نمی‌شد و به طور شفاف اعلام می‌کرد که در آن زمان آن گونه فکر می‌کردم و اکنون این گونه. واقعیت این است که ولی فقیه پیش از جنگ دوازده روزه به طور کامل مدافع شرایط «نه جنگ و نه صلح» بود و بر این پایه راهکار انتخاب می‌کرد و با وجود مماشات قدرتهای بزرگ، سود کلانی ذخیره می‌کرد.

اما اکنون شرایط به کلی تغییر کرده و بسیاری از پارامترهای سودمند برای ولی فقیه یا به طور کامل از میدان خارج شده (رژیم بشار اسد) و یا ضربه‌های جدی بر آن وارد شده است (حزب الله).

سوال اساسی از خامنه‌ای این است که انتخاب او در شرایط «نه جنگ و نه صلح» چیست؟ به دنبال فعال شدن «ماشه»، حسین شریعتمداری، گماشته ولی فقیه در نقش مدیر رسانه کیهان نوشت: «کسانی که معتقدند خروج از "ان پی تی" زمینه حمله را فراهم می‌کند، باید پاسخ دهند که با وجود عضویت ایران، چرا تأسیسات هسته‌ای کشور هدف قرار گرفت و چرا آمریکا همچنان بر محدود نبودن حمله به این تأسیسات تأکید دارد... دیگر منتظر چه هستید؟ چرا هنوز این پا و آن پا می‌کنید؟» این گفته‌ها را باید بلوف بی ارزش خامنه‌ای دانست که زمان کارساز بودن آن، حتی اگر اجرا شود، سپری شده است.

به نظر می‌رسد که ولی فقیه همچنان برای ادامه شرایط «نه جنگ، نه صلح» راهکار انتخاب می‌کند. این شرایط به عنوان واقعیت انکارناپذیر چندین دهه پیشین، هنگامی برای خامنه‌ای خطرناک است که سبب برآمدهای بزرگ جامعه و افتادن جرقه بر خرمن خشم و نفرت مردم شود. به خاطر همین است که ولی فقیه در یکی از مهمترین فراز از سخنانش امر به لاپوشانی کردن حقایق و وارونه جلوه دادن آن کرد.

«قدرت و قوت» یا «ضعف و ناتوانی»

خامنه‌ای از قدرت و قوت دم می‌زند و به ایادی خود امر می‌کند که ضعف و ناتوانی نظام را لاپوشانی کنند. وقتی ولایت او ظرفیت تحمل رویدادهای ساده که در جامعه مستقل از حکومت جریان دارد را ندارد، سخن از قدرت اگر یک شوخی مبتذل نباشد، بدون تردید یک حقه بازی لو رفته است. مرور

سرمقاله ...

خیزش شهریور، یک راه حل انقلابی

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

هیچکس در دستگاه قدرت فکر نمی کرد اعتراضهای شهریور ماه به قتل مهسا-ژینا امینی چنین ابعادی پیدا کند و از همه کمتر، این چنین به درازا بکشد و پایدار بماند. «نظام» توانسته بود خیزشهای دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ را با نیروی قهریه سرکوب کند و با این پشتوانه، این بار نیز می بایست همان ابزارها و شیوه ها، تهدید سرنگونی را از آن دور می ساخت. در عمل اما چرخه رویدادها تکرار نشد و در هفته دوم خیزش انقلابی، حاکمیت ناگهان خود را در یک وضعیت جدید و به کلی ناشناخته یافت که در آن با وجود سرکوب و کشتار خیابانی، دستگیری یا ربایش کوشندگان و شرکت کنندگان در تظاهرات، لشکرکشی به خیابانها برای نمایش قدرت و لفاظی

حجاب اجباری را به مثابه اصلی ترین سلاح خویش برای ترور جامعه و اجتماعی کردن سرکوب به کار می گرفت که پیشاپیش مشت اش باز شده بود و جامعه دریافته بود که توسل به شرع و اسلام تنها ترفندی برای به اطاعت واداشتن و ساکت نگه داشتن اش است. در تجربه توده معترض، آیه های دینی و مقدسات آیینی حاکمان فاسد و ستمگر بی اعتبار و منسوخ شده بود و به این گونه استبداد مذهبی پایه ایدیولوژیک هژمونی خویش را در برابر خطر خرد شدن و ریزش قرار داد.

شعار «زن، زندگی، آزادی» محصول بی واسطه چنین آگاهی و بیان سیاسی یک مرزبندی روشن در شرایط انقلابی بود؛ زمانی که ابزارهای اعمال هژمونی حاکمان ناکار و بی اثر می



و عربده کشی، موج اعتراضها به سراسر کشور گسترش یافت و در هیچ نقطه ای از تب و تاب نیافتاد.

از این مقطع به بعد اگرچه روند سرکوب و شدت خشونت به گونه چند برابر افزایش یافت، اما در واقعیت صحنه نتوانست تغییری بدهد. «نظام» هر آنچه که از قهر ضدانقلابی و توحش مادون انسانی در چپته داشت را بیرون ریخت، اما قیام محیط اجتماعی را در دست داشت و پارادایم سرکوب را به چارچوب مبارزه و مقاومت تغییر می داد. خیزش شهریور شور و شوق تغییر را به دورترین لایه های اجتماعی سرایت داد. موج همبستگی چهره های مشهور ورزشی، هنری و رسانه ای که فعالیت شغلی آنها در محیط عمومی تحت پایش و مجوزهای حاکمیت قرار دارد، توان و دامنه معنوی خیزش را نشانه گذاری کرد. شعارها، شجاعت و مقاومت قیام کنندگان، مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشت و از کشورهای همسایه تا آمریکا و اروپا، جوامع مدنی و رسانه ها را به شگفتی، تحسین و همبستگی واداشت. به جرات می توان گفت کمتر خیزش و مقاومت توده ای در جهان را می توان یافت که در این حجم و گستره، همدلی و حمایت بین المللی جلب کرده باشد.

ضربه به کانون ایدیولوژیک هژمونی

خردکننده ترین ضربه جنبش شهریور به ایدیولوژی رسمی و نهادهای اداره کننده آن وارد آمد. حاکمیت در حالی مساله

پارامتر جامعه به روند آن شکسته شود، تغییر توازن بین دو قطب «بالا» و «پایین» در نمایی دیگر تجسم عینی یافته است. روشن است که دستور ساخت و پرداخت ابتدا «لایحه» و سپس «طرح» مزبور، در حقیقت حکم حکومتی آخوند علی خامنه ای است و به همین اعتبار ناتوانی از به گرسی نشدن آن در دو دوره رئیسی و پزشکیان، به خوبی تضعیف موقعیت حاکمیت به گونه کلی را نمایان می سازد. رژیم تکیه گاه خود، یعنی سلطه قهر و حکمرانی زور را از دست داده، رژیمی است که مجبور شده گاه با ژست «وفاق ملی» و گاه با پیش کشیدن «ملی گرایی» بندبازی کند تا سرنگون نشود، ظاهر سازی کند تا بتواند اداره کند.

این واقعیت که دستگاه حاکم رکن مرکزی سیاست و ایدیولوژی خود را زیر سوال برده، برخلاف آنچه که گاه به ویژه از جانب محافل بی اعتماد و بی باور به نیروی اجتماعی گفته می شود، نشانگر بی رکنی و فاقد اصول بودن حاکمان ج.ا نیست. این استدلال ساده سازی یک حقیقت پیچیده است. جا زدن حاکمیت نشان می دهد که تا چه اندازه متزلزل و نسبت به سرنوشت خود بیگانه است و از سوی دیگر ثابت می کند که مبارزه و مقاومت جامعه در طول سه ساله که از خیزش شهریور می گذرد، چگونه رژیم را به موضع تدافعی رانده است. رویدادهایی از این دست بیش از پیش به نیروهای میدان یادآور می شود که جنگیدن ارزش دارد و در راه رفته باید گام کوبید و پیش رفت.

از شهریور ۴۰۱ تا امروز روند بیرون راندن اسلام سیاسی از ذهن و عمل جامعه و از زندگی آن تداوم یافته و مرزبندی با ذهنیت، باورها، نظریات و روانشناسی آن به موضعی اجتماعی تبدیل شده است. در جامعه پارادایم جدیدی بر پایه آزادی، رهایی و کرامت انسانی شکل گرفته که در جریان زندگی عادی، قوانین، دستورالعملها و هنجارهای استبداد مذهبی را برنمی تابد و به گونه فعال علیه آن دست به اقدام می زند. مبارزه روزمره و نافرمانی مدنی اینک به سطح یک حرکت اجتماعی فراگیر با ذهنیت و عمل جمعی فرا رويیده که دستگاه حاکم با تمامی نیروهایش را به چالشی سخت گرفته است.

بستری برای پیشروی

این واقعیت که خیزش شهریور ۴۰۱ از همان ابتدای شکل گیری، سرنگونی رژیم حاکم را به عنوان هدف در برابر خود گذاشت، یک بار دیگر و همچون سمتگیری براندازانه خیزشهای دی ۹۶ و آبان ۹۸، زیر این واقعیت خط تاکید کشید که رژیم فاسد و مستبد در مرکز مشکلات مردم با هر ویژگی مطالباتی قرار گرفته و به همین دلیل نیز مساله اصلی خیزشها دستیابی به خواستههای صنفی و ویژه یا رفع یک ستم انتزاعی نیست، بلکه آنها خواهان پایان ستم حاکم به طور عام و «آزادی» به طور مشخص هستند. مردم معترض، کسب دموکراسی را در دستور گذاشته اند و برای آن می جنگند؛ آنچه که در شعار «زن، زندگی، آزادی» نیز ترجمان خود را یافت.

اگرچه در شهریور ۴۰۱ برای نخستین بار مساله حقوق زنان، یک قیام سراسری را جرقه زد، اما پایداری حقوق دموکراتیک و پایه ای توده ها توسط رژیم ج.ا و همواره موضوع اصلی و بخش جدایی ناپذیری از مبارزه جاری بوده است. مطالبات دموکراتیک برای رفع ستم جنسی، ملی، دینی و برای حقوق شهروندی، حقوق صنفی و سیاسی، آزادی بیان، احزاب و اجتماعات و حق مشارکت در تعیین مقدرات کشور، نقش بستر و نیروی پیش برنده ستیز با نظم موجود را ایفا کرده است. مبارزه زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، کشاورزان،

بقیه در صفحه ۴

شود و توده نظم موجود و استدلالها و قوانینی که سلطه آن را مشروع می سازد، برنمی تابد. از این زاویه شگفت آور نیست که برجسته ترین شعار خیزش ۴۰۱، صف مقدمی را نشانه رفت که دستگاه سرکوب علیه جامعه به خط کرده بود. تنها چهار هفته پس از شروع قیام، بنیان سیاسی - ایدیولوژیک چهل ساله رژیم ولایت فقیه، یعنی حجاب اجباری چنان ضربه ای خورد است که دیگر ترمیم پذیر نیست.

آخرین بار که این واقعیت به استبداد مذهبی حاکم یادآوری شد، زمانی بود که دولت پزشکیان در هراس از طغیان جامعه و سربرآوردن دوباره جنبش، «طرح عفاف و حجاب» را با وجود تصویب مجلس مآلها و تبدیل آن به قانون، به زباله دان فرستاد. یک محاسبه ساده هزینه - فایده به حاکمیت فهماند که کوشش آن همزمان با خطراتی که در بر دارد، در انتها بی نتیجه خواهد بود. چرا که بیش از دوسال پس از طرح و لایحه نویسی و مانور بی وقفه رسانه ای و بوروکراتیک گرد آن، از تأثیرات روانی چماق «عفاف و حجاب» در سطح جامعه معترض نشانی به چشم نمی خورد. انرژی و اراده آزاد شده در نتیجه خیزش دموکراتیک شهریور در رگ خانه و کوچه و خیابان جاری ست و خودنمایی می کند. جنبش از حرکت باز نایستاده و این استبداد مذهبی است که به گرد خویش می چرخد.

آنگاه که مبارزه و مقاومت جاری جامعه بتواند روند قانونگذاری سیستم را مختل کند و انحصار تصمیم گیری به دلیل ورود

خیزش شهریور، یک راه حل انقلابی

بقیه از صفحه ۳

معلمان، ملیتها، اقلیت‌های دینی و دیگر بخش‌های معترض جامعه با هر سوژه و محور، در انتها مبارزه برای آزادی و برای راهی از قید و بندهایی است که استبداد دینی به گونه همه جانبه بر زیست و معیشت آنها تحمیل کرده است. جنبش انقلابی شهریور در یک گام مهم از روند مبارزه توانست بین ستم جنسیتی با ستم ملی پیوند برقرار کند؛ آنچه که در شکل گیری اعتراض‌های هماهنگ در کردستان و سیستان بلوچستان و شعار سراسری «کردستان زاهدان، چشم و چراغ ایران» بازتاب یافت. وحدت مبارزاتی بر این پایه حتی از این نیز فراتر رفت و در سطح کوچک تر بین شهرها، آستانها و حتی محله های شهری نیز به مثابه نمود یک جنبش فراگیر شکل گرفت.

این موفقیت نتوانست به حوزه مبارزه طبقاتی و نیروهای گوناگون آن از جمله کارورزان، کشاورزان، کارمندان و خرده بورژوازی شهری گسترش یابد. آنها اگرچه با جنبش سرنگونی همدل بودند، اما به گونه عملی جذب آن نشدند و اتحاد مبارزاتی بین آنها و خیابان به وجود نیامد. خرده دلایل گوناگونی را برای این برکناری می توان برشمرد، اما علت عمده را باید در نبود سازماندهی و مرکزی برای رهبری که از دل آن و در جریان عمل سامانگراانه اش شکل گرفته باشد، جستجو کرد. پراکندگی در خیزش، خصلت ذاتی و برآمده از خودبخودی بودن آن بود. این ویژگی اگر در گامهای اولیه و آنگاه که جنبش در حال شکل گیری و رساندن پیامهایش بود، چندان تاثیری بر آن نمی گذاشت، اما به تدریج و زمانی که قیام مرحله کودکی را پشت سر گذاشته و نیاز به پیشری در بسط دایره اجتماعی، تکامل اشکال مبارزاتی و کسب دستاوردهای سیاسی مشخص داشت، به کمبودی جدی در توازن قوا با حاکمیت تبدیل شد.

عدم تشکّل یابی طبقات و لایه های یاد شده بی تردید یک مانع مهم در بسیج آنها به گونه طبقاتی بود و هست. با این حال یک جنبش سازمان یافته که از طریق شعارها، رهنمودها و برنامه های خود توانایی برقراری ارتباط و دیالوگ با طبقات، اقشار و لایه های گوناگون جامعه را کسب کرده باشد، به خوبی می تواند بر این کاستی غلبه کند. پیوستن شمار زیادی از افراد با تعلقات طبقاتی گوناگون به گونه پراکنده به جنبش در چهار هفته اول شکل گیری آن، نتیجه شعارها و رویکرد رادیکال آن در سرنگونی رژیم حاکم بود. در میان شهدای جنبش به ویژه می توان به کارگران و زحمتکشان شهری برخورد که در صف مقدم آن به نبرد پرداختند. این گرایش ثابت می کند که هر گاه بستر ذهنی لازم وجود داشته باشد، حرکت نیروهایی که مطالبات و جهتگیری جنبش را همسو می بینند و آن را تربیونی برای صراحت دادن به مطالبات و امکانی برای به کرسی نشاندن آن ارزیابی می کنند، ممکن و آسان خواهد گردید. آنها در انتها کنار کسانی قرار می گیرند که پایان بی عدالتی علیه شان، پایان بی عدالتی علیه خودشان را نیز نوید می دهد.

برآمد

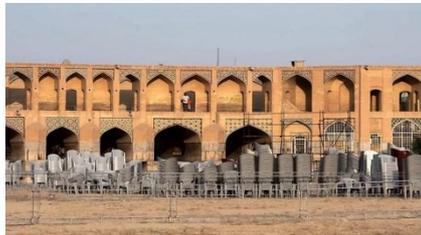
جنبش انقلابی، مساله حجاب اجباری را در مفهوم سیاسی اش از یک ستم جداگانه به ستمی فراگیر بسط داد که به

همین ترتیب، مطالبه شکل گرفته گرد آن از رفع این یا آن بیداد حکومتی، به برچیدن بیداد به طور کلی فرا رویید. جامعه معترض دستکم از دی ماه ۱۳۹۶ آشکار ساخته که جوهره سیاسی بیکاری، بی حقوقی، اختلاف طبقاتی، مُرد و حقوق ناکافی، فقر، بردگی کاری، ناامنی شغلی، بی آبی و جز آن را در سیمای نظمی که این شرایط را تولید و سامان می دهد بازشناخته و بی واسطه آن را آماج مطالبات و خشم خود ساخته است. جنبش «زن، زندگی، آزادی» به این آگاهی و عمل اجتماعی ناشی از آن صدایی قوی تر و موثر تر داد و با طرح مطالبه ای دموکراتیک که نیمی از جمعیت کشور را مخاطب داشت و با توسل به شیوه های رادیکال مبارزه، بستری اولیه برای جاری شدن اعتراضات و عمومی ترین خواسته های بخش‌های دیگر جامعه فراهم آورد.

نه فقط مضمون، شعارها و سمتگیری این مبارزات، بلکه ماهیت ماقبل سرمایه داری ستمهایی از نوع حجاب اجباری، پایمالی حقوق شهروندی، بی عدالتی قضایی، غارتگری، برده سازی نیروی کار و جز آنها، آفاق تحولات دموکراتیک را به عنوان مقصد جنبشهای کنونی و تغییرات مورد نظر آنها به نمایش گذاشته است. امروز مبرمترین وظیفه یک تحول انقلابی، دست زدن به وسیع ترین دگرگونیهای دموکراتیک در ساختارهای سیاسی و اقتصادی است؛ تحولی که حل تضاد مردم و حاکمیت پیش درآمد آن است.

کور خوانده اید، حقایق لاپوشانی کردنی نیست!

بقیه از صفحه ۲



می کنند. اما فعالان اجتماعی در اصفهان به این حقه بازی آگاهی داشته و در بیانیه شبکه تشکلهای دفاع از محیط زیست این کنسرت حکومتی را «عادی سازی فاجعه و عادی سازی اتفاقات ناگوار محیط زیستی» اعلام کردند. (نسیم اقتصاد، شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۴) قابل توجه مقام معظم این خبر که؛ در اصفهان با توجه به فرونشست زمین در خیابان هشت بهشت، اعلام شد «یک شهرک مسکونی و ۴۰ مدرسه به دلیل فرونشست به طور کامل تخلیه شدند.» (ایلنا، پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴)

تلگرام اخبار اصفهان در واکنش به این کنسرت حکومتی نوشت: «زاینده رود خشکید؛ شاهرگ نصف جهان رو فروختن، آب رو بردن و کشاورزا رو به جای حقایق، به جای و زندان سیراب کردن. حالا هم روی جنازه رود، به جای عزاداری، کنسرت راه انداختن! همون شبی که قرار بود هزار دف زن روی پل خواجو اجرا کنن، فقط چند نفر حاضر شدن؛ نه از بی میلی به موسیقی، که از اعتراض به این بی حرمتی آشکار. حتی هنرمندا هم عقب کشیدن، چون مردم گفتن: "وقتی زایندهرود رو کشتین و کشاورزا رو زندونی کردین، دیگه حق ندارین روی جنازه رودخونه ساز بزنین. این وقاحت تو تاریخ نمونه نداره."»

متن سخنان مهدی سامع در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴ - ۹ سپتامبر ۲۰۲۵

اعضای محترم شورای ملی مقاومت ایران
خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورا
ناظران گرامی

در آغاز به ایرانیان آزادیخواهی که تظاهرات روز شنبه ۱۵ شهریور را آفریدند و به ایرانیانی که با گردهماییهای مداوم خود، تهنیکاریهای ولایت خامنه ای را افشا می کنند، درود می فرستم. وظیفه خود می دانم مراتب احترام و ستایش خود را از خانواده شهیدان جنبش آزادیبخش مردم ایران اعلام کنم و به زندانیان سیاسی مقاوم و پایدار به ویژه به اعضای کمیسیون «سه شنبه های نه به اعدام» درود بفرستم. با افتخار شصتین سالگرد تاسیس سازمان مجاهدین خلق را شادباش می گویم و با تنفر و انزجار، اعدام جاوید نام مهران بهرامیان را محکوم کرده و با خانواده و بستگان او همدردی می کنم.

در مورد کلان بحرانهایی که مردم را به فلاکت، کشور را به ویرانی و جامعه را به کنشهای بیشمار کشانده، شاگردی کرده و از بررسی و تحلیل رفا، خواهران، برادران و دوستانی که در این اجلاس حضور دارند خواهام آموخت.

اجازه می خواهم تنها به یک نکته پیرامون نشست مونیخ ۲ بپردازم. برآمد آن جلسه «دفعتره مدیریت دوران اضطرار» بود که در حقیقت آن را باید خیال خام سلطنت طلبان تازه به دوران رسیده برای ساماندهی دیکتاتوری فردی رضا پهلوی دانست. پیرامون آن جلسه و سند خروجی آن برخی از رسانه ها غوغا سالاری مبتدلی به راه انداختند. برای ارزیابی این سند و آن جلسه، از فیلسوف و شاعر برجسته ایران زمین، «بابا افضل کاشانی»، کمک می گیرم که سرود: «گر دایره کوزه زگوهر سازند/ از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

سپاسگزارم که به من گوش کردید.

بیانیه چهل و چهارمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

چهل و چهارمین سال حیات شورای ملی مقاومت ایران انباشته از رویدادهای شگفت‌انگیز و درس‌آموزی بود که تأثیر خود را بر تحولات آینده جامعه و کشور خواهد گذاشت. شورا در شرایطی وارد چهل و پنجمین سال موجودیت خود می‌شود که بنا بر سنت سیاوش دلیر، نه از تلی از آتش، که از کوهی از آتش، عبور کرد و با گامهای بزرگ و در گذر از هفت‌خان رستم، وارد مرحله نهایی جنگ با دیو وحشی استبداد مذهبی و هیولای ولایت خامنه‌ای شده و همه نشانه‌ها در سپهر سیاسی ایران کنونی و پیرامون آن (منطقه و جهان) ضرورت و حقانیت سرنگونی رژیم ولایت فقیه توسط مردم و مقاومت انقلابی را اثبات می‌کند.

ولی فقیه نظام در آغاز سال جدید، سال گذشته را این‌گونه تعریف می‌کند: «سال ۱۴۰۳ سال پرمجاری بود. حوادثی که در این سال پی‌درپی اتفاق افتاد، شبیه حوادث سال ۱۳۶۰ و دارای سختیها و مشقتهایی برای مردم [بخوانید ولایت] عزیز ما بود.»

متن بیانیه در لینک زیر بخوانید

<http://www.iran-nabard.com/SHORA/shora1404.pdf>

آموزش و پرورش رانتی، طبقاتی و ترک تحصیل به علت فقر

زینت میرهاشمی

الله ۱۹۵۴ میلیارد تومان، صد و سی و نه هزار میلیارد تومان، وزارت ارشاد ۱۴ هزار میلیارد تومان، آستان حضرت امام خمینی ۳۱۰ میلیارد تومان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب ۱۰۴۳ میلیارد تومان، ستاد اقامه نماز ۱۲۸ میلیارد تومان، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ۱۶۲۷ میلیارد تومان، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ۳۷۱ میلیارد تومان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۴۳۱ میلیارد تومان، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۳۳۲ میلیارد تومان، موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی ۳۰۱ میلیارد تومان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۵ میلیارد تومان، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه ۲۷۱ میلیارد تومان و مرکز رسیدگی به امور مساجد ۱۵۱ میلیارد تومان بودجه می‌گیرند که جمع کل آن‌ها تقریباً ۸۴ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان

مصرف روزانه گوشت در ایران، تنها ۳۵ گرم است؛ یعنی کمتر از نصف استاندارد جهانی (۷۵ گرم)....» طبق داده‌های آماری وزارت آموزش و پرورش «در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، ۹۰۲ هزار و ۱۸۸ کودک در مقاطع مختلف تحصیلی از تحصیل بازمانده‌اند که این رقم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، ۹۲۸ هزار و ۷۲۹ کودک رسیده است.» (ایسنا ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴)

با توجه به کودکان محروم در مناطق مرزی و یا کودکان بدون شناسنامه، آمار حقیقی بسیار بیشتر از داده‌های این وزارتخانه است. جایگاه سهمیه آموزش و پرورش و یا بهداشت عمومی در سهمیه بندی بودجه سالانه نسبت به بودجه نهادهای وابسته به حکومت، سقوط نظام آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

تحصیل رایگان از اولیه ترین حقوق انسانی است که متأسفانه در ایران امروز و در جمهوری اسلامی معنایی ندارد. در حکومت رانت خوار و فاسد، نظام آموزش و پرورش به یک نهاد رانتی تبدیل شده است. علاوه بر طبقاتی بودن و عدم فرصت‌های برابر کودکان و جوانان از نظر مالی و امکانات تحصیلی، نظام آموزشی نه بر اساس توانایی‌های علمی فرهنگیان و دانش آموزان بلکه بر اساس دوری و نزدیکی به هرم قدرت ساماندهی می‌شود. این نظام رانتی از نظر استخدام کادرهای آموزش و پرورش و دسترسی به تحصیلات عالی بر اساس تبعیض استوار است. بسیاری از معلمان و کادرهای فرهنگی در زندان هستند، تهدید به بیکاری می‌شوند و جای آنها را به آخوندهای مفتخوار و طلبه‌های بسیجی می‌دهند که هم در سرکوب دانش آموزان نقش بازی کنند و هم فرهنگ آموزشی ارتجاعی رژیم را تبلیغ کنند. یعنی مغزها را شستشو دهند. استخدام طلاب در «طرح امین» آموزش و پرورش بدون آزمون و برخورداری از مزد و امکانات در همین ردیف است.



میزان پیشرفت و توسعه یافتگی در نظام آموزشی یک کشور، به کیفیت امکانات تحصیل عمومی و دسترسی عادلانه و فرصت‌های برابر بستگی دارد. دسترسی به امکانات تحصیلی و استخدامی در امر آموزش و پرورش در ایران، نه بر پایه عدالت و شایستگی‌های علمی و اخلاقی، بلکه بر اساس امتیازهای خاص، سهمیه حکومتی، روابط انحصاری اقتصادی و سیاسی با نهادهای مافیای حکومتی... است.

از این منظر، در آغاز هر سال تحصیلی ما با بازتولید چرخه فقر، نابرابری و توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌ها در امر آموزش و پرورش و در نتیجه گروه انبوهی از تحصیل بازمانده و یا مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. دستاورد این گونه آموزش و پرورش که حکومت نقش کنترل آن را دارد، افزایش چرخه فقر بین نسلی خواهد بود.

به گفته محسن گلستانی، رئیس اتحادیه صنف نوشت افزار تهران: «در سال تحصیلی ۱۴۰۳، دستکم ۷۵۰ هزار کودک و نوجوان، در شهرهای مختلف ایران، به علت مشکلات اقتصادی و فقر مجبور به ترک تحصیل شدند... از میان این ۷۵۰ هزار نفر، تعداد ۱۵۰ هزار نفر از اتباع بیگانه، هستند.» در رابطه با تاثیر فقر بر کودکان که یکی از علتهای ترک تحصیل آنها است، بر اساس گزارش روزنامه شرق در روز ۱۴ مرداد ۱۴۰۴، گزارش داد که: «تنها ۱۰۷ درصد از خانوارهای ایرانی مصرف روزانه پروتئین دارند، درحالی‌که ۲۶۹ درصد، اساساً هیچ پروتئینی مصرف نمی‌کنند. در میان خانواده‌هایی که سرپرست‌شان بیکار یا دارای شغل موقت است، ۹۳ تا ۹۵ درصد به طور کامل یا تقریباً کامل فاقد مصرف پروتئین هستند... تنها ۲ درصد از کودکان مصرف روزانه لبنیات دارند و نیمی از آنها اصلاً لبنیات دریافت نمی‌کنند. حتی در خانواده‌هایی که سرپرست‌شان شغل ثابت دارد، هیچ کودک لبنیات خوری به صورت روزانه دیده نشده است... به گفته مدیر کل مطالعات وزارت تعاون، تا سال ۱۴۰۲، بیش از ۵۷ درصد جمعیت ایران دچار درجانی از سوءتغذیه بوده‌اند که ۱۴۵ میلیون تن از آنها کودک اند. درحالی‌که استاندارد جهانی برای مصرف لبنیات سالانه ۲۵۰ کیلوگرم است، که سرانه مصرف در ایران به ۷۰ تا ۸۰ کیلوگرم رسیده است. همچنین، سرانه

می‌شود...» (سایت روزیاتو، ۱۸ شهریور ۱۴۰۴)

پیرامون جهش بودجه نهاد های خاص رسانه «هم میهن» در شماره روز سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴ نوشت: «بودجه تعدادی از نهادها طی ۶ سال؛ از ۳۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است.»

به گفته یکی از اعضای کمیسیون برنامه ریزی و بودجه مجلس ارتجاع: «بر اساس تازه‌ترین گزارش دیوان محاسبات، شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۲ با زیان خالص ۹۵ هزار و ۹۶۶ میلیارد تومانی مواجه شده‌اند. آمارها نشان می‌دهد تنها ۵۲ درصد از ۳۴۲ شرکت دولتی سودآور بوده‌اند و ۴۰ درصد با زیان عملیاتی روبرو شده‌اند.» (صفحه اقتصاد، ۱۷ شهریور ۱۴۰۴)

رژیم فاسد برای جبران کسری بودجه بعد از دست درازی به صندوق توسعه ملی به محروم کردن میلیون‌ها نفر از یارانه‌ها پرداخت. حذف یارانه‌های حدود ۸ میلیون نفر که شامل دهک‌های پایین‌تر کارگران هم شده است. بر اساس مصوبه مجلس ارتجاع از کسانی که درآمد سرانه‌شان از ۱۰ میلیون تومان بعد از کسری هزینه اجاره مسکن می‌گذرد، در دهک‌های حذف یارانه قرار می‌گیرند. این تصمیم در حالی است که خط فقر از ۵۰ میلیون تومان گذشته است. هم‌زمان بسیاری از کالاها شامل ارز ترجیحی نخواهند شد و با قیمت بقیه در صفحه ۷

برای نمونه: اختصاص بودجه‌های کلان به نهادهای خاص وابسته به حکومت و امپراطوری خامنه‌ای؛ سازمان تبلیغات اسلامی، نهادهای ترویج دین حکومتی، صدا و سیما رژیم و... همواره افزایش داشته و بودجه‌های مربوط به آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی با کاهش روبرو بوده است. «جمع بودجه نهادهای خاص به حدود ۸۴ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان می‌رسد؛ رقمی معادل ۶ برابر بودجه دانشگاه تهران (با بودجه ۶۵۰۰ میلیارد تومان) و بیش از ۱۰ برابر بودجه سازمان محیط زیست (با بودجه ۸۰۰۰ میلیارد تومان)» (روزیاتو ۱۸ شهریور ۱۴۰۴)

اختصاص بودجه به نهادهای خاص در قانون بودجه، که در این آمار به حدود ۸۴ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان اشاره شده، شامل بخشی از دستگاه تبلیغات دین و فرهنگ ارتجاعی حکومتی در برابر آموزش و پرورش علمی و مدرن طبق استانداردهای جهانی است. «مجمع جهانی اهل بیت، ۲۹۱ میلیارد تومان، مجمع تقریب مذاهب ۱۴۱ میلیارد تومان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۹۱۴ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۸۸۶۱ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۴۰۹۷ میلیارد تومان، موسسه امام خمینی (مربوط به آیت‌الله مصباح) نزدیک به ۵۰۰ میلیارد تومان؛ جامعه‌المصطفی ۱۷۵۵ میلیارد تومان، سازمان تبلیغات اسلامی نزدیک به ۶۲۵۸ میلیارد تومان، ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۲۵۹ میلیارد تومان، نهادی به اسم قرب بقیه

اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

اجلاس شورای ملی مقاومت در روزهای سه شنبه ۱۸ و چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۴ با حضور خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران برگزار شد. در نخستین روز اجلاس جمعی از یاران شورا به عنوان ناظر شرکت داشتند و شماری از آنها سخنانی ایراد کردند.

در افتتاحیه اجلاس دو روزه، پس از اجرای سرود «ای ایران» (سرود رسمی شورا از ابتدای دهه ۶۰) خانم رجوی با خوش آمد به اعضا و یاران شورا گفت: در آغاز درود می‌فرستیم به همه شرکت‌کنندگان و برپاکندگان تظاهرات بزرگ ایرانیان در بروکسل. این تظاهرات پیروزی مردم ایران در برابر شیخ و شاه و ارتجاع غالب و مغلوب است که با قدرت و درخشش بسیار، پرچم راه حل سوم را به اهتزاز درآورد. هم‌چنین گرامی می‌داریم یاد دو مجاهد سرفراز بهروز احسانی و مهدی حسینی و همچنین رزمنده قیام و فرزندان دلاور مردم سمیرم مهران بهرامیان را که خامنه‌ای برای بستن راه قیام مردم ایران آنها را به چوبه‌های دار سپرد. اما توفان قیامها گریبان او و رژیمش را تا روز سرنوینی رها نخواهد کرد.

او در ادامه سخنانش به تحولات ایران و منطقه و جهان در فاصله دو اجلاس پرداخت و افزود: توفان تحولات بزرگی که در منطقه و ایران به پا شده، رژیم را از قدر قدرتی پوشالی به خاک ضعف و ذلت کشانده است؛ از یک حکومت مدعی سلطه و هژمونی، به یک رژیم شکست خورده در توازن قوا در منطقه تبدیل شده است. از رژیمی که گمان می‌کرد با جنگ افروزی از قیامها گریخته، به حکومت لرزانی در محاصره جامعه آماده قیام تبدیل شده است. از طرف دیگر در یک سال گذشته، جبهه ضد خلق به طرز بازگشت ناپذیری دچار افول و بن‌بست شده است. این، حاصل پیشرفت جایگزین دموکراتیک و راه حل دموکراتیک انقلابی است به‌خصوص که نسل جوان به کانونهای شورشی رو آورده است. بازپهای ارتجاعی - استعماری برای تولید آلترناتیو پوشالی دچار تنگنا شده است؛ آن قدر که بچه شاه و معرکه گیران مربوطه از دعاوی دموکراسی خواهی عقب کشیدند و نسخه‌یی که دار و دسته مزبور برای حکومت خیالی خود پیچیده‌اند، نقشه مسیر عبور سرکوبگرانه از یک استبداد به استبداد دیگر است. اما اثر نقد و بالفعل آن پرکردن دست ارتجاع حاکم است که با آن علیه قیام زهرپاشی کند و قیام‌کنندگان را به بقایای دیکتاتوری دست‌نشانده پیشین نسبت دهد.

خانم رجوی با اشاره به برنامه و طرحها و مصوبات شورا، یادآوری کرد: شورای ملی مقاومت ایران از روز اول تأسیس در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ در تهران، در نخستین فصل برنامه خود اعلام کرد وظیفه‌اش «انتقال حاکمیت به مردم ایران و مستقر کردن حاکمیت جدید ملی و مردمی» است. فرآیند انتقال قدرت پس از سرنوینی رژیم هم، از اصل حاکمیت مردم پیروی می‌کند و شورا از ۴ دهه پیش اعلام کرده است فرآیند انتقال قدرت شامل این ویژگیهاست:

- کوتاه‌مدت بودن دوره انتقال که حداکثر شش ماه است،
- انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی آحاد مردم،
- تعیین دولت جدید توسط مؤسسان منتخب مردم
- تدوین قانون اساسی نظام جمهوری جدید

دقیقاً با همین نظرگاه، شورای ملی مقاومت در ماده واحده مصوب خود در آبان ۱۳۶۲ تصریح کرده است که: «هیچ‌یک از مصوبات شورای ملی مقاومت بخشی از قانون اساسی نظام جمهوری آینده کشور که توسط مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی تدوین خواهد شد، تلقی نمی‌شود.»

رئیس جمهور برگزیده شورا با گرامیداشت سومین سالگرد قیامهای سراسری سال ۱۴۰۱، به شهیدان و مجروحان و اعدام‌شدگان سرفراز قیام درود فرستاد و ضمن اشاره به بسیج سرکوبگرانه و آماده باش قوای امنیتی و اطلاعاتی رژیم برای مقابله با قیام تأکید کرد: در دوره پایانی رژیم پیشین «کلمه وحدت» مرگ بر شاه بود. حالا «کلمه وحدت» نه شاه و نه شیخ و مرگ برخامنه‌ای است. این همان اصلی است که قیام بزرگ مردم ایران در سال ۱۴۰۱ با شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، آن را فراگیر کرد و به اوج رساند.

در اجلاس دو روزه شورا تحولات ایران و منطقه و جهان و موقعیت مقاومت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اعضای شورا تأکید کردند جنگ اصلی، جنگ بین نظام ولایت فقیه و مردم ایران است. از یک سو فاشیسم دینی نیروی سرکوب خود را به طور وسیع و با سببیت تمام به کار گرفته و از سوی دیگر مقاومت سازمان‌یافته با کانون‌های شورشی و نسل جوان و شورشگر، پیکار آزادی را برای قیام و سرنوینی این رژیم قرون وسطایی و ضدایرانی به پیش می‌برد. پیکار سرنوشت‌سازی که با رهنمودها، پیامها و موضعگیریهای مسئول شورا در طول یک سال گذشته عجین بوده و شتاب گرفته است.

اعضای شورا با اشاره به رشد کمی و کیفی فعالیتهای سیاسی و بین‌المللی مقاومت در این مدت، از خانم مریم رجوی که در یک تلاش خستگی ناپذیر و شبانه روزی این فعالیتها را رهبری کرده است، تقدیر کردند.

در این گیر و دار سرنوشت‌ساز، شورا برپای تظاهرات بزرگ ۱۵ شهریور در بروکسل را به عنوان مدار جدیدی از موفقیت و پیروزی و سازمانیابی به هموطنان شرکت‌کننده و برگزارکنندگان، تبریک گفت. اعضای شورا تأکید کردند که تلاشهای رژیم از همه راههای ممکن برای جلوگیری از این تظاهرات ناکام ماند و در رویداد ۱۵ شهریور گامی بلند در تقویت جبهه آزادی در برابر استبداد دینی و سلطنتی به ثبت رسید؛ رخدادی که تقویت جنبشهای اعتراضی و قیام مردمی برای تحقق یک ایران آزاد بدون شیخ و شاه، با جدایی دین از دولت به شمار می‌رود.

شورا بر این اعتقاد بود که این تظاهرات شکوهمند جبهه خلق را به مدار بالاتری ارتقا داد و به اذعان دوست و دشمن در شرایط بحرانی کنونی، نقش تعیین‌کننده مقاومت سازمانیافته و جایگزین دموکراتیک را در رقم زدن سرنوشت ایران و ایرانی نشان داد.

اعضای شورا به ایرانیان آزادیخواهی که با شور و شوق میهنی و مبارزاتی تظاهرات روز شنبه را آفریدند و به ایرانیانی که با گردهماییهای مداوم خود، تبهکاریهای ولایت خامنه‌ای را افشا می‌کنند، درود فرستادند و خاطر نشان کردند موفقیت

چشمگیر در این تظاهرات به‌رغم تمامی تلاشهای دشمن، از ثمرات استحکام و پیشرفت تشکیلات و سازمان‌یافتگی مقاومت است. بازهم ثابت شد که برای آزادی باید زحمت کشید و مایه گذاری کرد تا مینهمان از یوغ آخوندهای ضد ایرانی و ضدبشر رها شود.

به همین مناسبت، پهلوان فیلابی یادآوری کرد: دکتر هزارخانی فقید گفت یکی از بزرگترین کارهای سازمان مجاهدین این بود که غبار از رخ دین زدود و بزرگترین حربه را علیه خمینی و آخوندهای دجال و جنایتکار به کار گرفت. من اضافه می‌کنم که نه فقط غبار از رخ دین زدود، بلکه بسیاری از اصول و ارزشها را غبارزدایی کرد، به استقلال و آزادی مفهوم عمیق‌تر و گسترده تری بخشید. با اصل کس نخارد به استقلال طلبی مادیت داد. خانم رجوی با ارائه راه حل سوم راه پیومدن استقلال را نشان داد و شورای ملی مقاومت با طرحها و برنامه‌هایش یک گنجینه از مفاهیم نو به فرهنگ مناسبات دموکراتیک مردم ایران افزود؛ از طرح خودمختاری که در نوع خودش بی‌نظیر است تا طرح جدایی دین از دولت، تا طرح آزادی‌ها و حقوق زنان.

در اجلاس شورا کلان بحرانها و فجایعی که حاکمیت آخوندها با سیاستهای ضد مردمی و ضد ایرانی بر میهن ما تحمیل کرده مورد بررسی قرار گرفت. اعضای شورا گفتند این رژیم سرزمین ایران را در یکی از تاریک‌ترین ادوار تاریخی حیاتش قرار داده است و برخی، شرایط این دوره را بدتر از دوران بعد از حمله مغول به ایران می‌دانند. ابربحرانهای کمبود آب، بیکاری، تورم و محیط زیست و مهاجرت یا فرار نخبگان و متخصصان چشم‌انداز زندگی در زیباترین وطن را تیره و تار ساخته و هیچ راه حلی به جز سرنوینی رژیم فاسد آخوندی به دست توانای مردم ایران وجود ندارد.

اعضای شورا در باره بحران درونی و شکافهای فزاینده در ولایت خامنه‌ای، مانند کشاکش بر سر سیاست خارجی، مداخلات منطقه‌یی، بحران اتمی، مواجهه با الزامات مکانیسم ماشه، بیانیه جبهه اصلاحگران نظام و شکاف مجلس و دولت فرمایشی، بر این واقعیت تأکید کردند که این بحرانها اکنون به حالت غیرقابل ترمیم رسیده است. این بحرانها در تحلیل نهایی از شکاف و تضاد اصلی بین تمامیت این رژیم و مردم ایران ناشی می‌شود و درحالی این شکنندگی ساختاری به طور قانونمند هموارکننده مسیر قیام‌آفرینان و کانونهای شورشی است. این واقعیت در خشم فزاینده اقشار به ستوه آمده مانند زحمتکشان و کارگران و بازاریان و بازنشستگان و گرایش معترضان به شعارهای سیاسی و شورشگران برای آزادی، مشهود است.

اجلاس در ارزیابی بحران‌های داخلی و بین‌المللی رژیم خاطر نشان کرد که هیچ برون‌رفتی از این بحرانها متصور نیست، دوران تمل و وقت خریدن نیز به سر آمده است. خامنه‌ای چه به تشدید تضاد با جامعه جهانی روی بیاورد و

اجلاس

شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه ۶

چه به قول مسئول شورا واپس بترمگد، آثار و عوارض این بحرانهای مرگبار بیشتر می شود. از سوی دیگر تحولات هر سمت و سویی پیدا کند، مقاومت ایران باید برای ایفای نقش خاص خود آمادگی داشته باشد.

شورا پایداری فزاینده زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز سرموضع را ستود و آنرا نشانه دیگری از گسترش و تعمیق مقاومت سراسری دانست.

در این بحثها، اعضای شورا، به ویژه هنرمندان، بازی نفرت‌انگیز خامنه‌ای با واژه‌های «ایران» و «ملی» و دم زدن او از «اتحاد مقدس» و «دفاع مقدس» برای بیرون کشیدن نظام از منجلاب بحرانهای درونی و بیرونی را یادآوری و تأکید کردند. خامنه‌ای که چهار دهه «ایران» را به سخره گرفته و «وطن» را کفر نامیده، حالا به مداح دربارش فرمان می دهد که برایش «ای ایران» بخواند. این زمزمه ها نه عشق به میهن که ناله های یک محتضر درمانده و اعتراضی آشکار به پایان ولایت‌فقیه و «ولی امر مسلمین جهان» است. در این میان دستهای ارتجاع و استعمار کماکان در کارند تا با طرحهای سوخته و علم کردن بچه شاه راه مقاومت شوند. اما این خیالی باطل است! اگر رژیم ستم‌شاهی قابل دوام بود در سال ۵۷ زیر گامهای انقلاب و خشم ملت خرد نمی شد.

اعضای شورا نشست مونیخ و «دفترچه مدیریت دوران اضطرار» را خیال خام برای ساماندهی دیکتاتوری فردی توصیف کردند و این سند و آن جلسه را مصداق کلام فیلسوف و شاعر برجسته ایران بابا افضل کاشانی دانستند که «گر دایره کوزه ز گوهر سازند، از کوزه همان برون تراود که در اوست». آنها تأکید کردند همچنانکه مسئول شورا در اطلاعیه ۲۷ مرداد نوشت: چکیده برنامه بچه شاه و «دفترچه» او در یک کلام دیکتاتوری و وابستگی است.

اعضای شورا طرح نظرسنجی‌های سیخ و غیرعلمی از سوی افراد و نهادهای مشکوک برای مشروعیت‌بخشی به استبداد را بیانگر سقوط و خیانت اخلاقی محافظی توصیف کردند که می‌خواهند برای جنایتکارانی چون خامنه‌ای، رئیسی و بچه شاه که هرگز جنایتهای پدرش را محکوم نکرده و یکی از مشاوران اصلی اش پرویز ثابتی سردزخیم بدنام ساواک شاه بوده است، پایگاه اجتماعی دست و پا کنند.

اجلاس شورا ورشکستگی تلاش‌های ارتجاعی - استعماری برای آلترناتیو سازی پوشالی را آن روی سکه پایان کار نظام ولایت فقیه دانست و خاطر نشان کرد، همه نشانه‌ها گواه آن است که ایران در آستانه فصلی نوین از تاریخ خود ایستاده و مقاومت سازمانیافته و جایگزین دموکراتیک تنها امید مردم و میهن ما برای رهایی از چنگال ملاحی جنایتکار و ساختن دوباره ایران است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۴

آموزش و پرورش رانتی، طبقاتی و ترک تحصیل به علت فقر

بقیه از صفحه ۵

آزاد در بازار به فروش خواهند رسید. حذف یارانه ها نه برای تقویت قدرت خرید دهکهای پایین تر بلکه برای کاهش کسری بودجه دولت و به سود افزایش هزینه های سپاه پاسداران و نهادهای نظامی است.

سیمای فقر و تنگدستی در رسانه های حکومتی

آموزش و پرورش در ایران تحت نظام ولایت فقیه، عدالت آموزشی به یک رویای دست نیافتنی تبدیل شده است.

رسانه «اقتصاد آینده» در شماره روز یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ نوشت: «بازار مهر که سالها با بوی دفتر نو؛ مداد رنگی و شوق خرید نخستین کیف مدرسه آمیخته بود این روزها رنگی تلخ به خود گرفته است. قیمتها به قدری بالا رفته که خرید یک بسته مداد یا چند دفتر ساده برای بسیاری از خانواده ها با حذف اقلام ضروری و گاهی چشم پوشی از خواسته های کوچک فرزندان منتهی می شود.»

در همین رابطه تیتزر رسانه «رویش ملت» در شماره روز شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴ چنین است: «هزینه لوازم التحریر ۸ میلیون تومان

شد، درس خواندن در تهران لاکچری شد». در همین روز رسانه «اقتصاد پویا» از «گرانی لوازم التحریر در آستانه بازگشایی مدارس» خبر داد و نوشت: «سال تحصیلی جدید آغاز شده اما خرید لوازم التحریر برای دانش آموزان تبدیل به یک کابوس اقتصادی شده است.»

علی رضا عسگریان، کارشناس اقتصادی می گوید: «بر اساس مبنای فقر شدید ریالی، بیش از ۷ میلیون نفر زیر خط فقر شدید غذایی قرار می گیرند» (اقتاب نیوز ۲۴ شهریور ۱۴۰۴)

رسانه حکومتی «خوب» در شماره روز یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ پیرامون عدالت آموزشی در سایه تجاری سازی مدارس و مافیای کنکور نوشت: «واقعیت تلخ این روزها نشان می دهد که مدارس دولتی که روزگاری محل پرورش بخش عمده ای از نخبگان کشور بود؛ امروز از چرخونه رقابت برترینهای کنکور عقب مانده است.»

حق تحصیل رایگان و عدالت آموزشی از جمله حقوق بشر و سلامت نسلهای آینده است. این امکان در ساختار فاسد رژیم حاکم بر کشور عملی نخواهد شد. این امر از وظایف ایرانیانی است که برای ایرانی دموکراتیک و جدایی دین از دولت و آموزش علیه استبداد دینی مبارزه می کنند.

با مردم در شبکه اجتماعی

بقیه از صفحه ۲۱

*حکومت داره با فلاکت زندگی کردنو برامون عادی سازی می کنه. یه جوری که انگار خیلی خوشحالیم و خوش می گذره و همه چیز عادیه! فقیر بودن برای یه کشور ثروتمندی مثل ایران یه مساله کاملا غیر عادی و غیر طبیعییه.

*دم غروب رفته بودم میدان تره بار شهرک تهرانسر، مادری نحیف رو دیدم با سه فرزند کوچک نحیف تر و لباسهایی به شدت مندرس که آرام به من نزدیک شد و با نجابت خاصی زمزمه کرد، آقا میشه برای بچه هام یه دونه مرغ بگیری؟ به جای پولش ماشیتون کنار بلوار می شورم!



*فقر مواد غذایی دارد به خانواده های ما هم می آید. فقر به در خانه هایمان رسید (برای بسیاری خیلی وقت است رسیده است). با درآمد جاری دیگر باید با احتیاط خرید کرد. مگر از سرمایه در گردش بخواهی خرج کنی. وای به روزی که مریضی جدی رخ دهد یا وسیله ای خراب شود. زندگیمان نابود شد، چشم انداز هم مثبت نیست.

*تمام دستاش خشک شده بود انگار بیماری پوستی داشت چندجای دست هم زخم بود؛ گفتم چرا اینجوری شدی؟ گفت با دست لباس می شورم! یه لباسشویی دست دوم چندسال پیش یه نفر بهم داد سوخته درست نمیشه. با بچه یتیم و ۵ تومن ماهیانه حقوق؛ چجوری میتونه بخره؟

*انگار جدی دارن برنامه ریزی میکنن برای خرید و انبار کردن کالاهای اساسی به میزان زیاد، مطمئن هستن که با کارهایی که دارن می کنن علاوه بر فعال شدن ماشه وخامتهای بیشتری در راه است

*بابا مردم گرفتارن، شرمنده زن و بچه شون هستن. حالا یه دو روز میان شهرن شما و زبرانداز میندازن تو پارک میخوابن. پول هتل و ویلا ندارن. سخت نگیرین دیگه....

*امروز صبح تو شرکتی که دوستم کار میکنه، ۲۰ نفر از کارمندا رو صدا کردند جلسه، باهاشون خداحافظی کردند و اخراج /بهبشون دومه حقوق هم دادند تا کار پیدا کنند.

حالا چند روز پیش یه ماجرای شبیه همین جای دیگه شنیدم. واقعا اوضاع خرابه

در گوشه و کنار

*کاش می شد موقع ماه گرفتگی یه اتفاق جادویی می افتاد، برمی گشتیم به ۷ سال پیش، زمان آخرین خسوف... آخرین باری که شوق زندگی در ما زنده بود...

قبل آبان، قبل هواپیما، قبل کرونا، قبل مهسا، قبل جنگ...

*یه دختر ۱۶ ساله رو تو ایادان کشتن و انداختن تو دیوی زباله. کی کشته؟ عموش. پدر مقتول هم گفته هیچ شکایتی از قاتل نداره...

*می گن اگه دولت نباشه یا کوچیک باشه، دزدها حاکم بر کشور می شن. شما تا حالا دزدی دیدید که از خونه فقرا دزدی کنه؟

ولی من دیدم، اسمش دولته و اول از همه از جیب فقرا دزدی می کنه. یه بار به اسم تورم یه بار به اسم مالیات بر ارزش افزوده!

جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱ از نگاه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پیام امجد امینی پدر جاوید نام ژینا (مهسا امینی)



به نام خالق زیبایی و زندگی

به مناسبت سالگرد شهادت مهسا، ژینای فراموش نشدنی کردستان و ایران، شاید آسمان خاموش شدن یک ستاره اش، و زاگرس خشکاندن لبخند یک چشم‌هاش و یا سوزاندن قامت دختران بلوط دلخونش را فراموش کند، شاید دریا غارت گوهردان‌ه اعماق وجودش را، و کوهستان پُرپر کردن لاله واژگون را فراموش کند، اما کردستان و ایران هیچگاه پژمردن زیبایی و لبخند خشکیده گل‌هایش را از یاد نخواهد برد.

و ما نیز هرگز یاد پروانه های تبسم بر لبان گل زندگیمان، ژینای امیدمان را فراموش نخواهیم کرد. گذر دردناک روزها، ماهها و سالها هیچگاه نمی تواند یاد، خاطره و دادخواهی ژینای عزیزمان و همه شهیدان را از لحظه‌های زندگیمان بزدايد.

فقدان عزیزمان و غم این آتش درونی بسان آتشفشانی در اعماق وجودمان شعله‌ور و جاویدان خواهد ماند. زن مایه زندگی و زندگی بدون آزادی بندگی است.

به گفته شاعر کورد «پژمرد» شهید وطن شیون نمی‌خواهد، زیرا در قلب ملت جاویدان است. پدر ژینا (مهسا امینی) کردستان، سقر

در «گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی»، یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۵ فوریه ۲۰۲۳، آمده است:

«آدینه شب، ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱ خورشیدی جرقه ای بر خشم و نفرت انباشته شده جامعه زده شد که بسیاری از کارگزاران نظام پیرامون وقوع آن هشدار می دادند. شمار زیادی از شهروندان تهران در برابر بیمارستان «کسرا» تجمع کردند و شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. از آن لحظه گسله‌های گوناگون (استبداد سیاسی / اختلاف عمیق طبقاتی و بیکاری / تبعیض مذهبی، جنسیتی، ملی و قومی / بحران آب و ویرانی طبیعت / ... و) بحرانهای بیشمار (فساد نهادینه شده و گسترده حکومتی / نبود چشم انداز برای آینده نسل جوان / انسداد فرهنگی به شمول حجاب اجباری / ...) با شدتی کم نظیر فعال شد و تمام آنچه که در خیزش دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و صدها حرکت اعتراضی و شورشی تجربه شده بود، با ابعادی کلان تر بازسازی گردید.

روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۱، مراسم خاکسپاری «ژینا» به جلوه کم نظیر جنبش توده ای با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور / مرگ بر خامنه ای و ژن، ژیان، نازادی» تبدیل شد و همزمان در شهرهای گوناگون، مردم و در کانون آن زنان و جوانان خیابانها را فتح کردند. مردم با خیزشهای اعتراضی شاکله بی ریخت حکومتی را که با تبهکاری و تنها با سرکوبهای بی محابا به حیات ننگین خود ادامه می دهد، به مبارزه سرنوشت ساز طلبیدند و در حالی که «مقام معظم» در تدارک ولعهدی «آقا مجتبی» بود، جامعه با کُنش خود میز «آقا» را به هم ریخت و نام «ژینا» را به عنوان «اسم رمز» یک خیزش و قیام تاریخی به ثبت رساند.

جامعه ای که آیینش شورش، قیام و انقلاب بود، تولد دوران نوینی را با عزم و رزم خود اعلام کرد و با تایید اینکه «جشن ستم‌دیدگان و استثمارشدگان است»، آتش برافروخت و پیرامون آن و دست در دست هم، آرزوی «رقصی چنین میانه میدان» را به واقعیت تبدیل کرد.

در برابر این پیکار سرنوشت ساز، ولی فقیه نظام همه شیگردهای خود را به کار گرفته تا با کمک سرکوبگران، غارتگران، آنگله‌ها، آدمکشان، تجاوزکاران، لومپنها، چنگیرها و همه آنهایی که فاقد حداقل شرافت هستند، انقلاب را سرکوب و خاموش کند.

«هرانا» در گزارش روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ خود اعلام کرد: «طی ۵ روز، در مجموع ۱۱۴ نقطه در ۲۹ استان کشور شاهد اعتراض بوده، ۱۸ دانشگاه کشور دستکم ۲۰ بار و ۶۹ شهر ۹۴ مرتبه تجمع کردند.»

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه روز پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ اعلام کرد: «در ششمین روز قیام، مردم دستکم در ۸۶ شهر در ۲۸ استان با شعار "مرگ بر خامنه ای"، "اسمال سال خونه، سید علی سرنگونه" دست به اعتراض زدند.»

بر اساس گزارشهای منتشر شده، طی هفت روز آخر شهریور دستکم ۹۰ تن از شهروندان به شمول زنان، جوانان و نوجوانان در این جدال سرنوشت ساز به شهادت رسیدند.»

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۲

تجمع داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش در تهران

روز شنبه ۲۹ شهریور، شماری از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش مقابل ساختمان سازمان اداری و استخدامی کشور در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

معتراضان آزمون استخدامی آموزش و پرورش گفتند؛ امتیازها و ضریبهایی که در آزمون اعمال شده، باعث شده آنها با وجود نمره های بالا از استخدام جا بمانند. آنها خواستار لغو یا بازنگری در این ضوابط و ایجاد فرصت برابر برای همه داوطلبان هستند.

این داوطلبان که بسیاری از آنان با عزمیت از شهرستان‌های مختلف به تهران در تجمعات شرکت می‌کنند، روز پنجشنبه ۲۷ شهریور نیز تجمع بزرگی را برگزار کردند. با این حال و باوجود تجمعهای متعددی که این داوطلبان برگزار کرده‌اند آموزش و پرورش همچنان به خواسته‌های برحق آنان بی‌توجهی می‌کند.

اعمال ضریب و امتیاز در آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش، ده‌ها هزار نفر از قبولی‌های با نمرات بالا را از استخدام در این وزارتخانه محروم کرده و آموزش و پرورش را بی‌مسئولیتی تمام، شایسته محوری علمی را در آینده‌سازترین وزارتخانه کشور نادیده گرفته است.

تجمع مربیان پیش دبستانی خوزستان

روز دوشنبه ۳۱ شهریور، مربیان پیش‌دبستانی خوزستان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان در کلانشهر اهواز تجمع کردند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، حال وش، کولبرنیوز، ایلنا، هرانا)

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۱۴۰۴)

شش کشور اروپایی «یوروویژن» را تحریم می کنند



اسپانیا، یکی از پنج حامی مالی بزرگ «یوروویژن»، به همراه ایرلند، ایسلند، اسلونی و اعلام کردند در صورت حضور اسرائیل در این مسابقه موسیقایی آن را بایکوت خواهند کرد. هلند نیز اعلام کرد که به دلیل «رنج انسانی فلسطینیها در جنگ غزه» شرکت نخواهد کرد.

ارنست اورتاسون، وزیر فرهنگ اسپانیا، گفت: «به هیچوجه نمی توانیم حضور اسرائیل در چنین رویدادهایی را عادی جلوه دهیم، گویی که هیچ اتفاقی در حال روی دادن نیست.»

اتریش به عنوان میزبان رقابتهای این دوره، از حضور اسرائیل حمایت کرده است. این در حالی است که جی جی، خواننده اتریشی و برنده یوروویژن سال گذشته، اعلام کرده که خواهان محرومیت اسرائیل است.

این مواضع و اعتراضهای گسترده عمومی نشان می دهد که یوروویژن با بحرانی جدی روبرو شده است. حضور اسرائیل در دو سال اخیر، این رقابتها را درگیر تنشهای سیاسی کرده است. انتظار می رود در ماه دسامبر و در مجمع عمومی اتحادیه پخش اروپا درباره حضور اسرائیل تصمیم گیری شود.

اجرای اپرای «کارمن» در ریاض توسط هنرمندان چینی



هیات سلطنتی شهر ریاض با همکاری خانه اپرای ملی چین، اجرای اپرای مشهور «کارمن» اثر آهنگساز فرانسوی، ژرژ بیزه، را در مرکز فرهنگی ملک فهد در شهر ریاض برگزار کرد. اپرای کارمن از شاهکارهای شناخته شده اپرای جهان به شمار می رود و نخستین بار در سال ۱۸۷۵ در پاریس به اجرا درآمد. این نخستین اجرای این اثر جهانی در عربستان سعودی است و همزمان با سال فرهنگی مشترک این کشور و چین اجرا شده است.

مقامات عربستان می گویند این برنامه بخشی از اهداف چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی برای تقویت بخش فرهنگی و خلاق کشور است.

اجرای اپرای کارمن تا ششم سپتامبر ۲۰۲۵ در مرکز فرهنگی ملک فهد ادامه خواهد داشت.

بقیه در صفحه ۱۰

در تازه ترین اثر نیلوفر بیضایی به نام «چهار روایت از یک عصیان»، چهار زن تجربیات واقعی سرکوب، از دست دادن چشم برای دفاع از هنر تا ممنوع الکاری و تبعید به دلیل حمایت از مهسا امینی، را بر صحنه ای خالی به اجرا درمی آورند. این تئاتر مستند و اتوبیوگرافیک، نه تنها نمایی از مبارزه خستگی ناپذیر زنان برای زندگی معمولی است، بلکه با الهام از ایده پیتر بروک، فضای خالی را به عرصه ای برای همذات پنداری و آشکارسازی حقیقت سرکوب حکومتی در هنر و جامعه تبدیل می کند.

منشاء مشترک هر چهار نقش این نمایش هنر است؛ هنر تئاتر و بازیگری و نیز سرکوب آن. آرزوهایی که قرار بوده در زندگی و هنر متبلور شود، اما با راههای مسدود حکومتی مواجه شده است.

اولی، کوثر افتخاری، هنرپیشه ای که برای دفاع از حق زندگی و هنر خود یک چشمش را از دست داد و اکنون رهایی خود را بر صحنه تئاتر می بیند، همان صحنه ای که در ایران از او به اشکال مختلف دریغ شده بود.

دومی، شبنم فرشادجو، بازیگری نام آشنا که در حمایت از مهسا امینی کشف حجاب کرد و در ایران ممنوع الکار شد. سومی، رها آجودانی، زن ترنس که هنر نمایشی را در ایران آغاز کرد چرا که آن را فرصتی برای نفس کشیدن و آزاد شدن از قفس جامعه و حکومت می دانست.

چهارمی، هانا کامکار، بازیگر، فعال محیط زیست، کارگردان، خواننده و نوازنده دف، که چه در خوانندگی و چه در بازیگری تئاتر، به عنوان زن، سرکوب را سالیان سال و به اشکال مختلف تجربه کرد و با جنبش مهسا هم به تک خوانی رو آورد و هم حجاب را کنار گذاشت و در نهایت مجبور به ترک ایران شد.

موسیقی

واتیکان کنسرت موسیقی برگزار کرد



با برگزاری کنسرت «رحمت برای جهان»، واتیکان به گردهمایی دو روزه خود زیر نام «تنشست جهانی برادری و انسان دوستی ۲۰۲۵»، پایان داد.

در این کنسرت هنرمندان مشهوری همچون فارل ویلیامز، خواننده آمریکایی، به همراه گروه کر Voices of Fire، آندریا بوچلی، تنور ایتالیایی، و دیگر هنرمندان بین المللی مانند جان لچند، جنیفر هادسن و کارول جی حضور داشتند. اجلاس یاد شده افرادی را از سراسر جهان گرد هم آورد تا به تامل درباره انسانیت در عصری بپردازند که با چالشهای اجتماعی و زیست محیطی و همچنین پیشرفت سریع فناوری شناخته می شود.

هنر مقاومت

تقدیم جایزه به هنرمند زندانی



علی شادمان، جایزه ویژه هیات داوران را در نخستین جشن «نگاه» برای ایفای نقش «رهی» به حسین محمدی، بازیگر تئاتر زندانی که این روزها در زندان مرکزی کرمان به سر می برد تقدیم کرد.

علی شادمان در ویدیویی که در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد، این جایزه را به حسین محمدی، بازیگر تئاتر زندانی، تقدیم و ابراز امیدواری کرد روزی بتواند با او روی صحنه برود.

شادمان گفت: «من به طرز غریبی سه سال است که به یاد دوستی هستم که هرگز او را ندیده ام، حتی یک بار همکلام نشده ایم، اما گاهی از خیال اینکه چه دارد بر او می گذرد، به قدر شعورم اذیت می شوم. دوست دارم اسمش را بیارم... این جایزه را تقدیم می کنم به حسین محمدی که سه سال است در زندان بسر می برد.»

حسین محمدی، به اتهام شرکت مراسم چهلم حدیث نجفی دستگیر شد. نام او در روزی که محسن شکاری را اعدام کردند، به عنوان یکی دیگر از محکومان به اعدام مطرح شد. سرانجام اما حکم اعدام حسین محمدی به ۱۰ سال حبس در تبعید تبدیل و او هشتم شهریور ماه ۱۴۰۲ به زندان مرکزی کرمان منتقل شد تا آنطور که در کارتکس زندان نوشته شده است، ۲۲ شهریور ماه ۱۴۱۱ از زندان بیرون بیاید.

چهار روایت از مبارزه

کلیه حقوق تئاتر دیجیتال

چهار روایت از یک عصیان

تهیه و اجرای: نیلوفر بیضایی

مکان: گلخانه، کوچه افتخاری، شبنم فرشادجو، هانا کامکار

بکنده: ۳ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۹:۰۰ / جمعه: ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۰۰ / شنبه: ۲۷ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۰۰

Galileo Theater
Kloster Str. 15, 60326
Frankfurt

تذکره بلیت
www.galileotheater.de
0929-75806920

Mit freundlicher Unterstützung von:
Kunststiftung
Kloster Frankfurt
Theaterhaus Frankfurt
Wissenschaft & Kunst

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۹

سینما

هجوم سربازان اسرائیلی به خانه کارگردان فلسطینی برنده اسکار



باسل عدرا، کارگردان فلسطینی، برنده جایزه اسکار ۲۰۲۴ می‌گوید سربازان اسرائیلی برای یافتن او به خانه‌اش در کرانه باختری یورش برده‌اند.

به گفته این مستندساز فلسطینی، سربازان ضمن ورود به خانه از همسرش، سه‌پا، سراغ او را گرفته و سپس تلفن همراهش را بازرسی کرده‌اند. باسل عدرا افزود که دختر ۹ ماهه‌شان هنگام این یورش در خانه حضور داشته است.

فیلم مستند «جز این سرزمین، جایی نیست» که باسل عدرا به همراه یووال آبراهام، روزنامه‌نگار اسرائیلی، و دو فعال دیگر نوشت و کارگردانی کرد، شرایط دشوار ساکنان منطقه «مسافر یطا» را در بخش اشغالی کرانه باختری که باسل عدرا در آنجا بزرگ شده، روایت می‌کند.

عدرا به عنوان یک روزنامه‌نگار و فیلمساز، فعالیت حرفه‌ای خود را صرف ثبت خشونت شهرک نشینان و نظامیان اسرائیلی در منطقه «مسافر یطا» کرده است.

او وقایع روز شنبه را «وحشتناک» توصیف کرد و گفت: «حتی در صورت فیلم گرفتن از حمله شهرک نشینان، ارتش می‌آید و شما را تعقیب می‌کند، خانه‌تان را بازرسی می‌کند. کل این سیستم برای آزار و رعب و ایجاد وحشت در ما ساخته شده است.»

تحریم صنعت فیلم اسرائیل از سوی چهار هزار هنرمند بین‌المللی



در پی تشدید بحران انسانی در غزه، بیش از چهار هزار تن از فعالان برجسته صنعت سینما، از جمله بازیگران، کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان، با امضای نامه‌ای سرگشاده، خواستار تحریم نهادهای سینمایی اسرائیل شدند. این اقدام در پاسخ به فراخوان فیلمسازان فلسطینی برای مقابله با «نسل‌کشی و آپارتاید» صورت گرفته است.

امضاکنندگان متعدد شده‌اند که از همکاری با جشنواره‌ها، سینماها، شبکه‌های پخش و شرکت‌های تولید فیلم اسرائیلی که در سرکوب مردم فلسطین نقش دارند، خودداری کنند. آنها به طور مشخص از نهادهایی مانند جشنواره فیلم اورشلیم،

جشنواره بین‌المللی حيفا، Docaviv و TLVfest را نام برده و خواستار قطع همکاری با آنها شده‌اند.

هنرمندان مزبور تاکید کرده‌اند که این تحریم متوجه هنرمندان اسرائیلی نیست، بلکه نهادهایی را هدف قرار می‌دهد که در «سفیدشویی یا توجیه» سرکوب فلسطینیها نقش داشته‌اند.

در میان چهره‌های برجسته ای که به این تحریم پیوسته‌اند می‌توان از سوزان ساراندون، واکین فینیکس، اما استون، خاویر بارد، رض احمد، اولیویا کولمن و مارک رافالو نام برد در همین رابطه شرکت تهیه و توزیع فیلم «پارامونت» به عنوان نخستین استودیوی بزرگ سینمایی به بیانیه سینماگران واکنش نشان داد و گفت که را محکوم می‌کند.

اعدام به دلیل تماشای فیلم و سریالهای خارجی



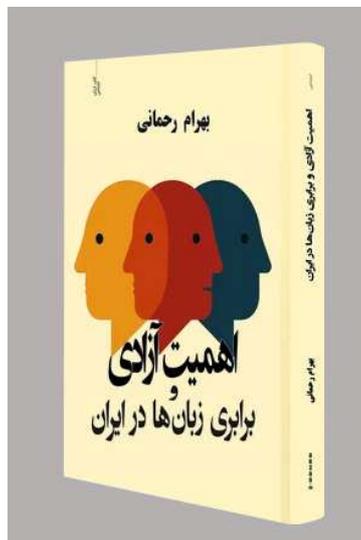
تحقیقات سازمان ملل نشان می‌دهد که وضعیت حقوق بشر در کره شمالی در ده سال گذشته به طور قابل توجهی رو به وخامت گذاشته است.

در این گزارش گفته شده که دولت کره شمالی افرادی را اعدام کرده است که فیلمها و یا سریالهای خارجی را تماشا کرده و یا آنها را به اشتراک گذاشته‌اند.

از سال ۲۰۱۵ تاکنون دستکم شش قانون جدید تصویب شده که زمینه صدور احکام اعدام بیشتری را در این کشور فراهم می‌کند. یکی از جرایمی که اکنون مجازات مرگ دارد، تماشا و توزیع محتوای رسانه‌های خارجی مانند فیلمها و سریالها است؛ اقدامی که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، برای محدود کردن دسترسی مردم به اطلاعات دنبال می‌کند.

ادبیات

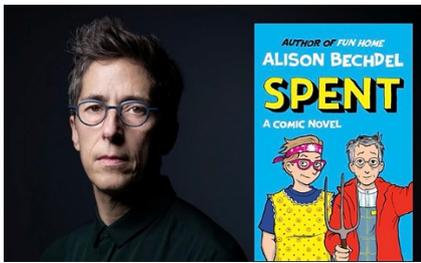
انتشار کتاب «اهمیت آزادی و برابری زبانها در ایران»



«اهمیت آزادی و برابری زبانها در ایران»، نام آخرین کتاب بهرام رحمانی است که از سوی انتشارات ارزان در استکهلم-سوئد، نشر داده شده است. در این کتاب، نویسنده به مباحثی مانند زبانهای رایج در یک کشور، زبان مادری و آزادی یا عدم استفاده از زبان مادری در سطوح گوناگون زندگی آموزشی و اجتماعی یک کشور پرداخته است. با توجه به شرایط موجود در ایران، بخش بزرگی از کتاب به زبانهای فارسی، ترکی و کردی اختصاص داده شده، اما نویسنده پدیده مورد نظر را در این کتاب از محدوده ایران بیرون برده و در سطوح تئوریک و بین‌المللی نیز به آن پرداخته است.

رحمانی ادعاهای حکومتیهای استبدادی ایران و کشورهای منطقه مبنی براین که آزادی زبان مادری باعث تجزیه می‌گردد را نقد کرده و با اشاره به کشورهای چند زبانه همچون سوئیس، نشان می‌دهد که آزادی زبان مادری نقش مهمی در همبستگی ملیتهای مختلف و همچنین رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد.

نگاه طنزآمیز الیسن بکدل به بحرانهای اجتماعی آمریکا



الیسن بکدل (Alison Bechdel) نویسنده و تصویرگر مشهور، با انتشار رمان گرافیکی جدید خود با عنوان «بی رمق» (Spent) بار دیگر توجه مخاطبان را به خود جلب کرده است. این اثر با رویکردی طنزآمیز و خودانتقادی، به بررسی چالشهای زندگی لیبرال در آمریکا، تاثیرات سرمایه‌داری و شکافهای سیاسی در دوران ترامپ و بایدن می‌پردازد.

در این کتاب، شخصیت اصلی، نسخه‌ای خیالی از خود بکدل است که با بحرانهای مالی، هنری و شخصی مواجه می‌شود. نویسنده ابتدا قصد داشت اثری تحقیقی درباره سرمایه‌داری خلق کند، اما در نهایت به روایتی سبک‌تر و طنزآمیز رسید. شخصیتهای داستان در دنیایی زندگی می‌کنند که با ماسک و تورم عجین شده و تا جاییکه بوقلمون «جشن شکرگزاری» شان با توفو جایگزین شده است.

بکدل در مصاحبه‌ای با روزنامه ال پائیز در باره شرایط کنونی حاکم در آمریکا گفت: «آمریکا بقدری قطبی شده که دیگر قادر نیستیم انسانیت را در کسی که متفاوت فکر می‌کند ببینیم.»

این کتاب با ترکیب طنز، اتوفیکشن و نقد اجتماعی، تصویری از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که در تلاش برای حفظ آرمانها در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی است.

(منابع: جنگ خبر، رادیو زمانه، یورو نیوز، آژانس خبری عربستان، بی بی سی، د تایمز آف اسرائیل، خبرآنلاین، ال پائیز)

چالشهای معلمان (شهریور ۱۴۰۴)

تجمع متقاضیان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

روز شنبه ۱۵ شهریور، شماری از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش، مقابل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این



شهروندان به روند برگزاری و نتایج آزمون استخدامی آموزش و پرورش معترض بوده و خواستار حذف ضریب شایستگی در نتایج آزمون مذکور هستند.

داوطلبان معترض اعلام کردند: «در نظر گرفتن ضرایب و امتیازاتی برای سوابق شغلی، تاهل و حق فرزند تبعیض آمیز بوده و باعث شده که بسیاری از داوطلبان با وجود کسب نمرات بالا از ورود به مرحله بعدی باز بمانند.»

بازداشت دو دانش آموز در کامیاران



بامداد روز جمعه ۲۱ شهریور ۱۴۰۴، نیروهای وزارت اطلاعات با یورش به منازل چند شهروند در روستای «گازرختی» در شهرستان کامیاران، بدون ارائه حکم قضایی دو دانش آموز به نامهای کاوان صبوری و احسان صبوری را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. خانواده این افراد تاکنون از دلایل بازداشت و محل نگهداری آنان اطلاعی در دست ندارند.

تجمع داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

روز یکشنبه ۲۳ شهریور، شماری از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش در اعتراض به رانت، تبعیض و نتایج غیرشفاف آزمون، خیابان را تسخیر کردند و مقابل سازمان بازرسی کل کشور در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. از حدود ۵۰۰ هزار شرکت کننده، ۴۹۰ هزار نفر رد شدند؛ نخبه‌ها با درصدهای بالا در هر درس (تا ۸۰٪) ناکام ماندند! و در سوی دیگر، کسانی با درصد زیر ۲۰٪ فقط به خاطر سابقه کار یا امتیاز متأهلی، راحت قبول شدند.

به دلیل فعالیت‌های صنفی با بازداشت و احکام قضایی روبه‌رو شده‌اند.

همزمان جمعی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) در حمایت از معلمان و فعالان صنفی استان کردستان تجمع کردند. حاضران با قرائت بیانیه ای، حمایت خود را از معلمان و فعالان صنفی استان کردستان که با احکام انضباطی و قضایی مواجه شده اند، اعلام کردند.

تجمع والدین دانش آموزان شهرستان انار



روز یکشنبه ۹ شهریور، جمعی از والدین دانش آموزان شهرستان انار در استان کرمان در اعتراض به عدم اجرای مصوبه ای مبنی بر تخلیه اداره آموزش و پرورش و تحویلش به هنرستان فنی در این اداره، تجمع کردند.

سومین تجمع داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

روز سه شنبه ۱۱ شهریور، گروهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش مقابل ساختمانهای این وزارتخانه در تهران و مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند. این داوطلبان که به «تغییرات ناگهانی در شرایط آزمون و اختصاص امتیازات ویژه در نمره کتبی به گروهی از متقاضیان» اعتراض دارند، با سردادن شعارهایی خواستار حذف ضریب شایستگی از نتایج آزمون استخدامی شدند.

در آزمون اخیر امتیازاتی بر حسب تاهل، تعداد فرزند، سابقه در دستگاههای دولتی مدنظر قرار گرفته است که عملاً با این کار افراد شایسته از رقابت سالم حذف شده اند. تصمیم گیریهایی غیرکارشناسی عوامل مجلس که به صورت رفتار پوپولیستی یا لابیگری دست به چنین کارهایی می زنند و برای آینده یک میلیون داوطلب نسخه ای می پیچند سراسر بی عدالتی است. ما خواستار بازنگری فوری و اساسی در آیین نامه‌ها و ملاکهای استخدام آموزش و پرورش هستیم. معلمی تخصص است نه امتیاز فرزند آوری و متأهلی و امتیاز سابقه!

تجمع بازنشستگان فرهنگی در تهران

روز سه شنبه ۱۱ شهریور، گروهی از فرهنگیان بازنشسته سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند. این شهروندان در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود و عدم پرداخت مطالبات شان تجمع کردند و شعارهای اعتراضی سردادند.

مدیرکل آموزش و پرورش استان لرستان اعلام کرد که در این استان؛ ۱۷۰ مدرسه کانکسی با بیش از ۱۰ دانش آموز، ۷۰ مدرسه سنگی، ۶۱۲ مدرسه تخریبی، ۶۴ پروژه در حال ساخت و ۱۵ مدرسه با تراکم بالای ۳۵ دانش آموز در استان شناسایی شده است که مدارس کانکسی تا پایان مهر ماه به طور کامل برپیده می شوند.

دنیای اقتصاد، سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵

حمایت از معلمان کردستان



روز پنجشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴، گروهی از معلمان بازنشسته شهرستان سقز به منظور اعلام ناراضی خود از وضعیت آموزش پرورش، فشار بر همکاران، اخراج و تعلیق تعدادی از معلمان در سطح استان، به قله کوه بیسالو صعود کرده، فشارهای نهادی امنیتی و تعلیق و انفصال از خدمت این همکاران را به تندی محکوم کردند.

لازم به ذکر است اخراج این همکاران در حالی است که بنابر اعلام رسمی اداره کل آموزش و پرورش استان، در سال تحصیلی پیش رو برای پنجاه هزار ساعت درسی، با کمبود معلم مواجه هستند.

روز جمعه ۷ شهریور، مردم و فعالان مدنی و صنفی شهر سنندج در حمایت از معلمان اخراج شده شهرهای سنندج، دیواندره، سقز و مریوان که از شریفترین و دلسوزترین معلمان استان و کشور بودند، برنامه پیاده روی را از پارک کودک تا تفرجگاه "گویزه کویر" در دامنه کوه آبیدر این شهر برگزار کردند.

تجمع در اعتراض به احکام صادره علیه فعالان صنفی معلمان

بامداد روز جمعه ۷ شهریور، جمعی از شهروندان و فعالان مدنی در سنندج تجمع کردند.

این شهروندان پس از راهپیمایی و کوهپیمایی اعتراضی، با برگزاری تجمعی نسبت به پرونده سازی و احکام صادره علیه فعالان صنفی معلمان اعتراض خود را بیان کردند. این شهروندان با سر دادن شعار و در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار آزادی معلمان زندانی و پایان برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی معلمان شدند.

همچنین در این تجمع، یکی از اعضای انجمن صنفی معلمان سنندج به نمایندگی از این تشکل سخنرانی کرد. آنان تأکید کردند که جامعه صنفی معلمان همواره تحت فشار و برخوردهای امنیتی قرار داشته و شماری از فرهنگیان صرفاً

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۱

تجمع جمعی از مدیران مهدکودک ها

روز یکشنبه ۲۳ شهریور، جمعی از مدیران مهدکودکها برای اعتراض به طرح جدید آموزش و پرورش برای جذب کودکان پنج و شش ساله مقابل مجلس تجمع کردند. پیش از این یکی از این مدیران گفته بود: تا پیش از این، تمامی آموزشهای صفر تا شش سال زیر نظر مهدکودکها بود. از زمانی که مهدکودکها به جای بهزیستی زیر نظر سازمان تعلیم و تربیت قرار گرفتند، ارتباط مستقیم ما با آموزش و پرورش بیشتر شد. حالا قرار است قانونی تصویب شود که آموزش و پرورش کودکان پنج و شش ساله را مستقیماً جذب کند و دیگر این گروه سنی به مهدکودکها سپرده نشوند.

حدود ۷۰۰ مهدکودک در تهران فعال هستند. اگر این طرح اجرایی شود، عملاً نقش آموزشی مهدکودکها از بین می رود و تلاش چند ساله مربیان برای آموزش اولیه کودکان بی ثمر می ماند. آموزش و پرورش هم در حال حاضر توانسته برای دانش آموزان بزرگتر دستاورد چشمگیری داشته باشد، چه برسد به اینکه بخواهد این بخش را هم در اختیار بگیرد. این تصمیم نوعی بایکوت مهدکودکهاست.

تجمع آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی

روز دوشنبه ۲۴ شهریور، آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی در ادامه اعتراضهای دامنه دارشان نسبت به بلا تکلیفی استخدامی برای بار دیگر مقابل وزارت آموزش و پرورش با شعارهای «خسته شدیم از بس دروغ شنیدیم»، «نهضتی داد بزن حق توفیرادبزن»، «نیروی بازنشسته به جای مانده» و... تجمع کردند.

یورش امنیتی به نشست مجمع فوق العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

روز سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، نشست مجمع فوق العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، که قرار بود به در شهرضا برگزار شود با دخالت نهادهای امنیتی ناتمام ماند.

نیروهای امنیتی تمامی حاضران را همراه با وسایل شخصی و ارتباطی شان بازداشت کرد. اگرچه ساعاتی بعد اکثر اعضا آزاد شدند، اما تمامی موبایلها و وسایل ضبط شد و در این میان در اقدامی غیرقانونی مسعود فرهیخته همچنان در بازداشت باقی مانده است.

شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت شدید این یورش آشکار، تأکید می کند که حاکمیت نه تنها هیچ تحمیلی نسبت به فعالیتهای مستقل صنفی و جمعی ندارد، بلکه حتی ابتدایی ترین حق معلمان برای برگزاری مجامع درون سازمانی را با ابزار قهر و ارباب هدف قرار می دهد. این شورا خواهان آزادی فوری مسعود فرهیخته و بازگرداندن فوری تمامی وسایل شخصی و ضبط شده اعضاست و به دفاع از حقوق معلمان ادامه خواهد داد. اسامی بازداشت شدگان:

۱. عبدالله رضایی
۲. محمد حبیبی
۳. آرام محمدی

بازداشت دو دانش آموز در اشنویه (به کردی: شن ژ)



بامداد چهارشنبه ۲۶ شهریور، دو دانش آموز ۱۶ ساله، دیار گرگول و تالان تابناک، در شهر اشنویه (به کردی: شن ژ) توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی به منزل این دو نوجوان یورش برده و آنان را بازداشت کردند. طی روزهای پس از بیستم شهریور، شش دانش آموز در شهر کامیاران از استان کردستان نیز بازداشت شدند.

در یک هفته گذشته، شش دانش آموز دیگر در شهر کامیاران از استان کردستان نیز بازداشت شده اند؛ تاکنون هیچ اطلاعی از وضعیت و اتهامات این کودکان اعلام نشده است. شمار بازداشتها و بلا تکلیفی دانش آموزان و نوجوانان در این مدت افزایش یافته است؛ روندی که نگرانی خانواده ها و افکار عمومی را بیش از پیش برانگیخته است. با احتساب بازداشت سوران مظفری، کودک اهل کامیاران، شمار کودکان بازداشت شده در این شهرستان توسط نیروهای امنیتی در روزهای گذشته، به شش نفر افزایش پیدا کرد.

انتقال مسعود فرهیخته از اصفهان به کرج

روز پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴، مسعود فرهیخته، معلم و فعال صنفی که به نمایندگی از «کانون فرهنگیان اسلامشهر» در مجمع فوق العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران حضور داشت، پس از سه روز بازداشت در شهرضا، از اصفهان به کلانتری شماره ۱۱ کرج منتقل شد. آقای فرهیخته روز سه شنبه ۲۵ شهریور، همراه با ۱۷ تن دیگر از نمایندگان تشکلهای فرهنگیان کشور، در محل برگزاری مجمع توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. وی در تماس کوتاه با خانواده گفت: «هم اکنون از اصفهان به کلانتری شماره ۱۱ کرج منتقل شده ام و قرار است به یکی از زندانها معرفی شوم.»

مسعود فرهیخته پیش تر به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» به سه سال و نیم زندان محکوم شده بود. با وجود مراجعه های مکرر به شعبه ۷ بیدادگاه انقلاب کرج برای اجرای حکم، مسئولان از اعزام او به زندان خودداری کرده بودند. رئیس این بیدادگاه پیش تر در گفت و گو با وکیل او، جناب بزرگی، صراحتاً اعلام کرده بود که «مسعود می تواند تا روز ۳۱ شهریور بیرون از زندان باشد». اما در کمال تناقض، روز سه شنبه ۲۵ شهریور در جریان یورش مأموران امنیتی به مجمع فوق العاده شورا، بازداشت و با پایند و دستبند مخصوص مجرمان خطرناک به دادگاه کرج منتقل شد.

بقیه در صفحه ۸

۴. حمید رحمتی

۵. منوچهر آقابگی

۶. رسول بدایی

۷. محمود صدیقی پور

۸. علی صفری

۹. خان عزیز اسماعیلی

۱۰. اصغر حاجب

۱۱. محمدحسن مصدقیان

۱۲. اسماعیل فرهنگ منش

۱۳. شکرالله احمدی

۱۴. ایرج رهنما

۱۵. عبدالرضا امانی فر

۱۶. فرامرز خدانشناس

۱۷. مسعود فرهیخته

۱۸. علی فلاح

احکام قطعی ۸ معلم کرمانی در بیدادگاه

تجدیدنظر

در خصوص پرونده ۸ معلم کرمانی؛ میترا نیک پور، زهرا عزیز، حسین رشیدی زرنندی، لیلا افشار، مجید نادری، شهناز رضایی شریف آبادی، فاطمه یزدانی و محمدرضا بهزادپور، بیدادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی محمدرضا اکبری زاده درجوزی، در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، شعبه هفتم پس از رسیدگی به اتهاماتی از جمله «عضویت، اداره و تشکیل گروههایی با هدف برهم زدن امنیت کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «توهین به رهبری»، احکام قطعی و لازم الاجرا زیر را صادر کرد: احکام صادره:

آقایان مجید نادری، حسین رشیدی زرنندی و محمدرضا بهزادپور: هر یک ۶ ماه حبس تعزیری قابل اجرا بابت «تشکیل، اداره و عضویت در گروههایی با هدف برهم زدن امنیت کشور».

خانمها فاطمه یزدانی، میترا نیک پور، زهرا عزیز، لیلا افشار و شهناز رضایی شریف آبادی: هر یک شش ماه حبس بابت «عضویت در گروه معاند» که به ۵۰۰ میلیون ریال جزای نقدی برای هر نفر تبدیل شد، و چهار ماه حبس بابت «فعالیت تبلیغی علیه نظام» که به ۲۰۰ میلیون ریال جزای نقدی تبدیل گردید. در مجموع هر یک موظف به پرداخت ۷۰۰ میلیون ریال جریمه شدند.

آزادی ناهید خداجو، سودابه فخارزاده و آذر کرونندی



روز سه شنبه ۲۵ شهریور، ناهید خداجو، سودابه فخارزاده و آذر کرونندی موسی زاده، سه زندانی سیاسی، از زندان قرچک ورامین آزاد شدند. هنوز جزئیات این آزادی روشن نیست، اما به نظر می رسد در چارچوب بخشنامه موسوم به «عفو» صورت گرفته باشد.

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد

بیانیه تشکلهای دانشجویی در محکومیت حکم اعدام شریفه محمدی



این بیانیه که در روز سه شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۴، توسط شش انجمن دانشگاهی کشور منتشر گردیده، در آن به حکم اعدام شریفه محمدی اعتراض شده است. بخشهایی از این بیانیه را می خوانیم:

«در روزگاری زندگی می کنیم که رنج، محدودیت و تضییع حقوق افراد به بخشی از زیست روزمره ما بدل شده است؛ گویی پاسخ هر اعتراض و انتقاد، مجازاتی ناعادلانه است که بر دوش فعالان سیاسی گذاشته می شود. تنها در همین مدت کوتاه پس از پایان جنگ دوازده روزه می توان ردپای این فجایع را به روشنی دید:

از شرایط نامناسب در زندانهای قرچک و تهران بزرگ و انتقال مجدد زندانیان به اوین، تا اعزامهای روزانه به قزلحصار برای اجرای حکم اعدام؛ و در کنار آن فشارهای گسترده بر فعالان سیاسی و اجتماعی، همه و همه، وضعیت بحرانی و حاد نظام حاکم را به تصویر می کشد.

در دل همین شرایط پرنرج، حکم اعدام شریفه محمدی، فعال کارگری و مدافع حقوق زنان که پیش تر به سبب فعالیت در تشکلهای مدنی زندانی شده بود، تأیید شد. سرنوشت او تنها یک پرونده فردی نیست؛ بلکه بازتابی از سیاست سرکوبی است که همه معترضان را هدف گرفته و به ویژه بر زنان و کارگران، یعنی دو گروهی که شریفه از دل آنها برخاسته و برای حقوق شان تلاش کرده است، فشار مضاعف وارد می کند...

ما، جمعی از تشکلهای دانشجویی، با تأکید بر این اصل که "حیات" حق مسلم هر انسان است، مخالفت قاطع خود را با حکم اعدام شریفه محمدی اعلام می کنیم. ما خواستار لغو فوری این حکم هستیم و از همه تشکلهای فعالان مدنی و سیاسی می خواهیم که در برابر آن سکوت نکنند و با صدایی رسا، "نه به اعدام" را فریاد بزنند.»

بقیه در صفحه ۱۴

اتهامهایی مانند توهین به علی خامنه ای، در مجموع به ۲۱ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

گونه ای، دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت با رای شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب، بابت اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، به تحمل ۱۵ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. او همچنین بابت اتهام توهین به علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، به تحمل شش ماه حبس تعزیری و ضبط تلفن همراه حاوی «مطالب مجرمانه» محکوم شده.

تجمع بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان در تهران
روز دوشنبه ۳ شهریور، گروهی از بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان در محوطه این دانشگاه در تهران تجمع کردند. عدم اجرای همسانسازی حقوق بازنشستگان و بی توجهی مسئولان به مطالبات پیشین آنان، از دلایل برگزاری این تجمع عنوان شده است.

این بازنشستگان می گویند: حدود ۱۱۹ روز پیش اعتراضی در دانشگاه برگزار شد و در پی آن مسئولان قول دادند که به خواسته های بازنشستگان توجه کنند اما تاکنون این اتفاق نیفتاده است

اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد به افزایش شهریه ها



جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی روز دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴، در نامه ای سرگشاده نسبت به افزایش ناگهانی و چشمگیر شهریه ها، به ویژه شهریه های متغیر، اعتراض کردند. در متن این نامه آمده است که افزایش «دو تا سه برابری» شهریه در یک ترم با واقعیتهای اقتصادی کشور همخوانی ندارد و بار سنگینی بر دوش خانواده ها گذاشته است.

دانشجویان در این نامه که خطاب به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و مسئولان دانشگاه آزاد تنظیم شده، هشدار داده اند که تصمیمات اخیر می تواند موجب بدهکاری گسترده، تشدید فشارهای روحی و حتی ترک تحصیل شود. نویسندگان نامه تأکید کرده اند این روند عدالت آموزشی را مختل خواهد کرد.

اعتراض دانشجویان دانشگاه بهشتی به وضع نابسامان خوابگاهها

روز شنبه ۱ شهریور ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان ساکن خوابگاههای قائم مقام و بلوار کشاورز در متنی اعتراضی، از وضعیت نابسامان خوابگاهها گفتند.

در این متن آمده است: با وجود اطلاع رسانی دانشگاه مبنی بر آماده سازی خوابگاهها برای اسکان دانشجویان در ایام امتحانات، از همان روزهای نخست با مشکلات متعدد و اساسی مواجه بوده ایم.

دانشجویان به مشکلاتی چون قطعی و کم فشاری آب در تمامی طبقات (به ویژه طبقات بالاتر)، گرمای طاقت فرسا و بلااستفاده بودن کولرها، وجود سوسک و سایر حشرات در اتاقها و فضاهای خوابگاه اشاره کردند.

خودکشی دو پزشک جوان



دو پزشک جوان فارغ التحصیل دانشگاه تهران در فاصله ۶ روز با خودکشی جان باختند. محمدرضا پازوکی در روز ۲ شهریور و تنها یک روز بعد الهام جلدی اقدام به خودکشی کرد. این پزشک جوان بعد از پنج روز کما در روز جمعه ۷ شهریور در گذشت.

جامعه پزشکی ایران در بهت و اندوه عمیقی فرو رفته است. دو پزشک جوان و مستعد که آینده درخشانی پیش رو داشتند، با خودکشی جان خود را از دست دادند. این تراژدی ها پشت سر هم زنگ های خطر جدی را درباره وضعیت سلامت روان در جامعه پزشکی کشور به صدا درآورده است.

مطهره گونه ای به ۲۱ ماه حبس تعزیری محکوم شد



مطهره گونه ای، دانشجوی تهران دانشگاه تهران و زندانی سیاسی پیشین، از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به

تجمع فارغ التحصیلان خارج از کشور در تهران



روز یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴، فارغ التحصیلان رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی خارج کشور برای دومین روز متوالی مقابل وزارت بهداشت و درمان تهران تجمع کردند.

خبرنامه امیرکبیر در این خصوص اعلام کرد که تجمع این دانشجویان، در اعتراض به محدودیتهای استخدامی، شرکت در آزمونها و بلا تکلیفی شغلی شان صورت گرفته است. یک کارگزار حکومت مدعی شد: این دانشجویان در دانشگاههایی تحصیل کرده اند که سطحی علمی آنها مورد تایید وزارت بهداشت نبوده و از لحاظ تراز علمی، سطح پایستری نسبت به دانشگاههای ایران دارند.

مراسم اهدای جایزه صلح آخن در آلمان



محمد سلیمان نژاد، سخنگوی خبرنگارنامه امیرکبیر به نمایندگی از رسانه جنبش دانشجویی ایران، در شامگاه دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴، جایزه صلح آخن را دریافت کرد. وی در سخنرانی خود ضمن اشاره به رسالت خبرنگارنامه امیرکبیر که «بازتاب صدای همه دانشجویان» است، سیاستهای دوگانه دولتهای اروپایی و به ویژه دولت آلمان را درباره مسائل مربوط به ایران محکوم کرد.

او در ادامه گفت: «مبارزه دانشجویان ایرانی بخشی از کوشش ملی ایرانیان برای دستیابی به آزادی و عدالت و در پیوند با حرکت همه مردم جهان برای دستیابی به صلح، امنیت و آرامش است».

سلیمان نژاد همچنین، پیام روشن خبرنگارنامه امیرکبیر را خطاب به دولت آلمان و اجتماعات این کشور بازخوانی کرد، بخشهایی از این پیام را می خوانید:

«اگر صادقانه آزمون صلح پایدار در خاورمیانه هستید، هرگز نباید جمهوری اسلامی را در خانه خود نادیده بگیرید. نمی توان همه توجه را به غرب آسیا یا شرق اروپا اختصاص داد، در حالی که هر روز و همواره با سرکوب جوانان ایرانی کنار می آید...»

بقیه در صفحه ۱۵



حکم اعدام او در بهمن همان سال صادر گردید. بنا بر گزارشها، مینای صدور حکم، «گزارشهای امنیتی» و کیفرخواست دادسرا عنوان شده است. نزدیکان این زندانی سیاسی گفته اند که دفاعیات او و وکیلش در روند رسیدگی به پرونده نادیده گرفته شده و خانواده اش نیز در این مدت زیر فشار نیروهای امنیتی برای سکوت و عدم اطلاع رسانی قرار داشته اند.

این دانشجو پیش تر در اسفند ۱۴۰۲ نیز بازداشت و پس از مدتی با تودیع وثیقه آزاد شده بود. او در آن پرونده به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد؛ اما با بازگشایی مجدد پرونده، اتهامش تشدید و به «افساد فی الارض» تغییر یافت.

تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد برای اعتراض به افزایش چند برابری شهریه مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند.

شهریه ثابت رشته های علوم انسانی که در ترم گذشته حدود ۲ میلیون تومان بود، در ترم جدید به بیش از ۱۱ میلیون تومان رسیده است. یکی از دانشجویان این دانشگاه نیز گفت: پس از گذراندن ۶ یا ۷ ترم تحصیل، شهریه من تقریباً پنج برابر شده است.

تجمع در اعتراض به افزایش شهریه ها



روز یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه هنر و معماری پارس تهران در اعتراض به افزایش ۵۳ درصدی شهریه دست به تجمع زدند. دانشجویان گفتند: «تحصیل حق ماست، نه کالایی برای فروش! این افزایش بی رویه، آینده علمی و اجتماعی ما را نابود می کند.»

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۳

خودکشی دانشجوی دکترا در خوابگاه



زینب کریمزاده، دانشجوی دوره پسادکترای رشته پلاسما دانشگاه بهشتی که بر اثر سقوط از پنجره خوابگاه جان خود را از دست داد، بررسیهای اولیه خودکشی ناشی از مشکلات شخصی را نشان می دهد.

چهارشنبه شب، پنجم شهریور ۱۴۰۴، خوابگاه دانشگاه بهشتی شاهد حادثه ای تلخ بود. مرگ مشکوک یک دختر جوان که در پی گزارش به مرکز فوریتهای پلیسی ۱۱۰، توجه مقامات را به خود جلب کرد. با حضور تیم جنایی و دستور مرجع قضایی، جسد دانشجوی دکترا که بر اثر سقوط از پنجره خوابگاه جان باخته بود، کشف شد. بررسیهای اولیه حاکی از آن است که این حادثه یک خودکشی بوده است. به نظر می رسد این دانشجو در روزهای اخیر به دلیل مشکلات شخصی، دچار ناراحتی و فشار روانی شدیدی بوده که نهایتاً منجر به تصمیم به پایان دادن به زندگی خود شده است.

تجمع دانشجویان دانشگاه شیراز

شامگاه دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به قطعیهای مداوم برق و آب تجمع کردند. این تجمع در ساعات پس از نیمه شب و در خوابگاه دخترانه ارم این دانشگاه برگزار شد. دانشجویان با سردادن شعارهای «دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «دانشجو می میرد؛ ذلت نمی پذیرد» و «آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست» ناراضی خود را از قطعی های پی در پی اعلام کرده و خواستار پایان این وضعیت شدند.

دانشجویان با سردادن شعارهای «دانشجو داد بزن حق تو فریاد بزن»، «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد» و «آب برق زندگی حق مسلم ماست»، به اعتراض خود ادامه دادند.

روز پنجشنبه ۶ شهریور گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز برای دومین بار در هفته جاری، در محوطه دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

خطر اجرای حکم اعدام احسان فریدی

«احسان فریدی»، دانشجوی ۲۲ ساله رشته مهندسی ساخت و تولید دانشگاه تبریز که پیش تر از سوی شعبه سوم بیدادگاه انقلاب این شهر به اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شده بود، در آستانه اجرای قریب الوقوع حکم قرار دارد. احسان فریدی در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۴۰۳، پس از مراجعه به شعبه ۱۵ بازپرسی بیدادسرای عمومی و انقلاب تبریز بازداشت و به زندان منتقل شد.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۴

... ملت ایران مبارزه خود را ادامه می‌دهد اما افزایش فشار دیپلماتیک از سوی شما بر جمهوری اسلامی و قطع همکاری با این رژیم، حداقل چیزی است که ما از شما در یک چارچوب انسانی و شرافتمندانه مطالبه می‌کنیم.»

اعتراض به کیفیت پایین غذا



دانشجویان دانشکده پرستاری ایذه، روز سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴، نسبت به کیفیت پایین غذای ارائه شده در این مرکز آموزشی اعتراض کردند. آنان با ارسال تصاویر و گزارشهایی به خبرگزاریها از وجود سنگ،

مو، شیرهای تاریخ گذشته و کنسروهای فاسد در غذاهای خود خبر دادند و اعلام کردند که طی یک سال گذشته بارها موضوع را به شبکه بهداشت و درمان ایذه، فرماندار و دانشگاه علوم پزشکی اهواز اطلاع داده‌اند، اما نه تنها اقدامی صورت نگرفته بلکه کیفیت غذا بدتر شده است.

این دانشجویان در واکنش به اعتراض‌ها، حتی با تهدید به اخراج و پرونده‌سازی مواجه شده‌اند.

اخراج گسترده دانشجویان از خوابگاهها



شماری از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تهران روز سه شنبه شب ۱۱ شهریور ۱۴۰۴، در اعتراض به مصوبه جدید هیات رئیسه این دانشگاه، در میدان اصلی کوی پسران و همچنین در خوابگاه فاطمیه دختران تجمع کردند.

براساس این مصوبه، تخصیص خوابگاه و حتی امکان سرترم برای دانشجویان ترم دهم کارشناسی و دکتری و همچنین ترم ششم کارشناسی ارشد، منوط به تأیید کمیسیون موارد خاص، تخلیه خوابگاه و تسویه بدهیها شده است. طبق این تصمیم، اسکان این گروهها تنها یک ماه پس از آغاز ترم و در صورت وجود ظرفیت خالی انجام می‌گیرد.

این مصوبه در عمل به معنای اخراج صدها دانشجو از خوابگاههاست و پیامدهای آن تمام مقاطع و ورودیها را دربر خواهد گرفت. دانشجویان تأکید می‌کنند تکمیل دوره تحصیلی بدون دسترسی به خوابگاه برای آنها غیرممکن است.

اعتراض دانشجویان به افت کیفیت غذا



بر اساس گزارشهای دریافتی، روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۴، دانشجویان خوابگاه دانش دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، در اعتراض به افت کیفیت و بهداشت غذا، غذای خود را در محوطه سلف پردیس چیدند. دانشجویان خوابگاه دانش دانشگاه صنعتی با تحریم غذای وبه صف کردن سینیها درسالن سلف سرویس و محوطه این خوابگاه اعتراض شان را نسبت به کیفیت غذا و نقض اصول اولیه بهداشتی به نمایش گذاشتند.

تجمع دانشجویان خوابگاه چمران

شنبه شب ۱۵ شهریور ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان ساکن خوابگاه چمران دانشگاه تهران در اعتراض به افزایش ۴۷ درصدی قیمت غذا برای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ و کیفیت نامطلوب وعدههای سلف، تجمع کردند. دانشجویان با چیدن غذای خود بر روی زمین، به افزایش سنگین قیمت در برابر کاهش کیفیت غذا اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی فوری مسئولان شدند.

دانشجویان با حضور نمایندگان شورای صنفی خوابگاه، از جمله کارگروه تغذیه و دبیر شورا، مطالبات خود را صریح و بدون واسطه مقابل نمایندگان اداره کل امور خوابگاهها قرار دادند.

شورای صنفی دانشگاه تهران اعلام کرد که مسئولان وزارتخانه یا نهادهای ذیربط حاضر به تضمین ارائه وعده ناهار در طول سال تحصیلی نشده‌اند؛ موضوعی که خشم دانشجویان را تشدید کرده است. پیش از آغاز تجمع، مأموران حراست با تهدید به عواقب برگزاری اعتراض، به نمایندگان شورا هشدار دادند؛ با این حال نمایندگان صنفی بر به‌حق بودن مطالبات تأکید کردند و اعلام کردند پیگیری‌ها تا حصول نتیجه ادامه خواهد یافت.

تجمع دانشجویان تربیت مدرس



ظهر روز یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به کیفیت غذا، سینیهای خود را در محدوده ساختمان مرکزی دانشگاه چیدند و مقابل دفتر ریاست تجمع کردند.

دانشجویان حاضر در محل تجمع ضمن اعتراض شدید به کاهش کیفیت و تأخیر در ارائه وعدهها، خواستار پاسخگویی فوری مسئولان دانشگاه و پایان «رهاشدگی رفاهی» شدند. به گفته معترضان، تکرار این وضعیت به کاهش قابل توجه

سلامت و رفاه دانشجویان منجر شده است. با اینحال یوسف حجت، رئیس دانشگاه تربیت مدرس، به‌جای پاسخ‌گویی به دانشجویان معترض، پشت میز سلف نشسته و مشغول صرف غذا شد؛ اقدامی که خشم و اعتراض بیشتر دانشجویان را برانگیخت.

نارضایتی دانشجویان دانشگاه هاتف زاهدان



روز یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه هاتف زاهدان در نامه‌ای اعلام کردند که افزایش ناگهانی و چشمگیر شهریه‌ها، فشار مالی سنگینی بر آنان وارد کرده و بسیاری را در ادامه تحصیل با مشکل جدی مواجه ساخته است.

دانشجویان گفته‌اند: «این افزایش هزینه‌ها نه تنها ادامه تحصیل بسیاری از دانشجویان را با چالش روبه‌رو کرده، بلکه عدالت آموزشی و فرصت برابر برای تحصیل را نیز تحت تأثیر قرار داده است.» آنان با ابراز نگرانی از وضعیت پیش‌آمده تأکید کرده‌اند: «مشکلات مالی و روحی ناشی از این افزایش شهریه‌ها، فضای آموزشی را متشنج کرده و امکان تمرکز بر تحصیل را از ما گرفته است.»

تجمع داوطلبان آزمون گواهینامه تخصصی پزشکی



روز یکشنبه ۱۶ شهریور، تعدادی از داوطلبان آزمون گواهینامه و بورد تخصصی پزشکی برای دومین روز پیاپی مقابل ساختمان وزارت بهداشت در تهران دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. معترضان به نتایج اعلامی، سطح دشوار سؤالات، شیوه تصحیح و سختی آزمون اعتراض داشتند.

بقیه در صفحه ۱۶



امیرحسین مرادی / علی یونسی

کُشی دانشجویان در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی



*روز دوشنبه ۲۴ شهریور، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به مناسبت سالگرد شهادت مهسا ژینا امینی در برد انجمن اسلامی این دانشگاه با به نمایش گذاشتن عکسهایی از شهیدان انقلاب «زن - زندگی - آزادی» یاد و نام آنها را گرامی داشتند.

*بیانیه مشترک ۱۴۰ فعال و تشکل به مناسبت سومین سالروز قتل حکومتی مهساژینا امینی و شروع انقلاب «زن زندگی آزادی»

روز سه شنبه ۲۵ شهریور، ۱۴۰ فعال و تشکل بیانیه ای مشترک منتشر کردند.

در بخشهایی از این بیانیه آمده است: «سه سال از قتل حکومتی ژینامهسا امینی گذشته است؛ جنایتی که هم لکه ای پاک نشدنی بر پیشانی جمهوری اسلامی برجا گذاشت و هم سرآغاز انقلابی تاریخی با پرچم «زن زندگی آزادی» شد...»

... آنچه مردم می خواهند، درهم کوبیدن کلیت ساختار قدرت حاکم با تمامی مناسبات آن است؛ نه صرفاً استغای خامنه ای، نه تغییر بخشی از نظام، نه اصلاحات، نه رژیم پنج، نه دست به شدن قدرت از بالا، و نه پدرانگی برای انقلابی که اولین انقلاب زنانه تاریخ بشریت است؛ انقلابی برای نابود کردن تمامی قوانین و مناسبت مردسالارانه و ضد زن.

... پایان جمهوری اسلامی نزدیک است و انجام این امر کار ماست...»

*روز جمعه ۲۸ شهریور ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه بهشتی با شعارنویسی، اعتراض خود به احکام اعدام و بیزاری‌شان از جمهوری اسلامی را اعلام کردند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام دانشجویان متحد، آسیانیوز ایران، ایران اینترنشنال، تلگرام خبرنگارمه امیرکبیر، تلگرام آموزشدهه توانا، ایران‌وایر، کانال ایکس کانون حقوق بشر ایران، هرا، تلگرام دانشجویان پیشرو، هم میهن، رویداد۲۴، تلگرام کنشگران حقوق بشر ایران)

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۵

سومین خودکشی در دانشگاه محقق اردبیلی



در شامگاه یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴، بار دیگر خوابگاه دانشگاه محقق اردبیلی شاهد اتفاقی هولناک بود. سومین خودکشی طی یک سال گذشته، این بار یک دانشجوی دختر.

این فاجعه تازه، زخمهای قدیمی را دوباره سرباز کرده است. گزارشهای متعدد دانشجویان نشان می دهد جو امنیتی، تهدیدها، پرونده سازیهای

کمیته انضباطی و فشارهای سیستماتیک حراست، نقش مستقیمی در دامن زدن به موج خودکشیها داشته است.

دانشجویان می گویند حراست دانشگاه، به جای صیانت از امنیت دانشجویان، خود به منبع تهدید و آزار بدل شده است. نامههایی چون سیفی، معاونت حراست دانشگاه، بارها در روایتیهای دانشجویان تکرار می شود؛ کسی که به گفته بسیاری از آنان، با ایجاد فضای رعب، تعرض به دختران و اعمال فشار مداوم، آزادیهای دانشجویان را به گروگان گرفته است.

خودکشی فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی اهواز



دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴، اکرم شیری، پزشک متخصص بیماریهای داخلی بیمارستان ایرانمهر سراوان و فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی اهواز، در پانسیون محل استراحت خود با مصرف دارو به زندگی خود پایان داد.

این نخستین بار نیست که در بیمارستانهای سراوان چنین حوادث تلخی رخ می دهد. خرداد و مرداد سال گذشته، در فاصله کمتر از یک ماه، دو

پزشک اورژانس در بیمارستانهای ایرانمهر و رازی سراوان به نامهای دکتر فاطمه رضایی پور و دکتر مهران خسروانیان اقدام به خودکشی کرده و به زندگی خود پایان دادند و همچنین، یک پرستار بلوچ بیمارستان ایرانمهر نیز در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، دست به خودکشی زده بود.

پیام دو دانشجوی زندانی از دل زندان

با آغاز سال تحصیلی، دو دانشجوی نخبه زندانی نوشتند: «امروز دانشگاهها به زندان می مانند و زندانها به دانشگاه. کتابها زیر خققان ورق نمی خورند و مهر امسال هنوز بوی خون در خود دارد...» آن‌ها تاکید کرده‌اند: «از پشت میله‌ها تا کلاسهای درس، دست در دست هم برای آزادی می جنگیم. سلول می تواند میدان مقاومت باشد و دانشگاه کانون مبارزه.»

در پایان آمده است: «سرنوشت ایران را اراده ما رقم می زند؛ ایرانی آزاد، جمهوریخواه، دموکراتیک و بی‌اعدام و شکنجه... نبرد برای آزادی دستهای ما را از زندان تا دانشگاه پیوند می‌زند در روزگار اعدام و سرکوب، در لبه پرتگاه جنگ و ویرانی، در مواجهه با بحران‌های عظیم و در زمانی که بسیاری از مردم ایران زیر خط فقر برای زنده ماندن در تلاشند و کودکان‌شان از تحصیل محروم، از درهای دانشگاه و مدرسه به سوی کدام آینده روشن می توان گام برداشت؟»

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۱۷۷ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴

قوام نجفی، امیرحسین پورامینی، رضا شه سواری و حیدرعلی بابایی در شیراز / رسول پایداری در قم / سیدکاظم موسوی در رشت/ سیدجواد مرتضوی در اهواز / عامر پرکی (بلوچ زهی) و الیاس شیرو زهی در زاهدان/ رضا سارانی در کاشمر/ سجاد م در مشهد/ احمد حقی و مجید سلیمانی در ایلام / روح الله رستمی در ملایر

۲۴ شهریور: امیر حسین همتی در جیرفت/ میرزا ولی ستوده در خرم‌آباد/ مجتبی بوژآبادی و فرشاد خسروی در سبزوار/ خلیل راشدی در رامهرمز/ احمد عمودی در برازجان/ صابر کوشافر در سنندج

۲۵ شهریور: مسعود اختی زاده و اکبر امامی در زندان قزلحصار/ عبدالصمد سالارزهی، عبدالمجید براهویی در بیرجند/ پرویز یوسف زهی ۲۷ ساله در گناباد/ غلام رضا حریری و نعمت خدابخش در ساری/ شریف بهزادی، نوراحمد چنگیزی و نورمحمد چگالی در اصفهان/ حجت گودرزی در ایلیگودرز/ احمد حشمتی در میانواب

۲۶ شهریور: بابک شهبازی/ علی اسماعیلی، رحمان سرلک، مجید حسینی و امید حسن‌زاده و منصور آوختی زاده در قزلحصار/ میثاق رضایی و محسن یگانه در سمنان/ مهرداد تاجیک در شیراز/ زهرا فتوحی و مرتضی شیرخانی در تبریز/ عباس یزدانی، ندیم اشرف زاده و عبدالقادر سرگلزایی در اصفهان/ غفور بهبودی و عبدالسلام میرپنجشیر در تایباد/ امیر میرآبادی در زنجان/ محمد فرشاد بورکزی (بارکزیایی) در گناباد/ فاضل سهرابی در نیشابور/ مصطفی پیرعباسی در سبزوار/ پیمان خانی در سبزوار

۱۶ شهریور: احمد رفیعی و عبدالرضا کریمی در اراک/ شهریار دهوری خاص در بابلسر/ محمد میربلوچ زهی در منوجان/ مسعود قنبر زهی در زاهدان/ آزاد مرادی در سنندج/ داریوش بهرامی در کرج/ توفیق نعمتی، هوشنگ هناره، بابک عمرزاده، کیوان مامدی، نجیب آذرم، صادق بهمنی و مجتبی سالمی در تبریز/ طالب توکلی در دزفول



با استناد به آمار سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، از ابتدای سال ۲۰۲۵ تا روز شنبه ۶ سپتامبر ۲۰۲۵، دستکم حکم اعدام ۹۰۶ زندانی در زندانهای مختلف جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است. بر طبق این آمار ۲۶ زن و یک کودک (تحت عنوان کودک مجرم) و ۳۲ زندانی سیاسی و عقیدتی در میان اعدام شدگان هستند.

۱ شهریور: طاهر فیروزی در گرگان

۳ شهریور: شعبانی در نیشابور

۴ شهریور: احسان خانی در نهاوند/ ملیحه حقی در تبریز/ بهزاد نوایی در بیرجند/ محمدرضا مریدان در ایلیگودرز/ علی مراد ناصری در سمنان

۵ شهریور: احمد یوسفی، میلاد محمدصالحی، ماشا الله نیکوفال، فرامرز شهبازی، حسام محمدی و حسین بیابانی در قزلحصار کرج/ محمدعلی لاشاری، حسام دادخواه و احمد دهانی در اصفهان/ نواب پوپلزایی در بندرعباس/ حسن صفاریان و میترا یاسینی در شیراز/ سجاد قلی زاده در سنندج/ صمد سیدحسینی در یاسوج/ مجید عابدی ۳۵ ساله در سمنان

۶ شهریور: بانو مقدم در ابهر/ آرمان اچچلی در گرگان

۸ شهریور: مهدی رتوفی، احمدعلی مهری پور و حمید کااوند در کرج

۹ شهریور: سلیمان کوشکی و صمد بگ میرزایی در قزلحصار کرج/ جاسم نوروزی در اراک/ اسماعیل دلاوری شولی و آرمان ریحانی در شیراز / حامد براهویی در زاهدان / علی یآوری در همدان / علی میرزا قلی خانی در رشت / جواد عالی، رحمان جوان چونقرالویکان و مرتضی زیچی در ارومیه / عمار حسینی در اهواز/ عماد قاندری در برازجان/ اکبر عباسپور در سنندج/ رستم شکراللهی در تایباد

۱۱ شهریور: هومن گراوند و حمیدرضا سادات در قزلحصار کرج/ بیژن حسین پناه، گوهر طاهری اقدم و احمد غلی پور در زنجان/ مهدی جوزیانی، عیسی مرتضوی و یاسر سگوند در خرم‌آباد/ محمد بابایی در سنندج / ماهان رشیدی و یعقوب دربکوند در ایلیگودرز / جلال مرادی در کرمانشاه

۱۲ شهریور: سجاد صادقی، حبیب عطایی و ناصر (نام خانوادگی نامشخص) در قزلحصار کرج/ ولی الله عوض پور در گچساران/ مهرداد ایروانی، روح الله حاکمی، پسرش نظام حاکمی و برادرهمسرش الله بخش میرجهانی در قم/ ابوالفضل عسگری و درویش پور در تبریز/ سید احمد نوایی در کرمان/ درحمان غلی اکبری در دیزل آباد کرمانشاه

۱۳ شهریور: رضا آقاجانی در کرج/ ابراهیم صفاری و محمد صالحی در یزد



۱۵ شهریور: مهراون

بهرامیان، زندانی سیاسی از باداشت شدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در سمیرم/ فرزاد محبی در قزوین/ محمد بیکار، طاهر رسول پور و مسلم صالح خانی در اصفهان/ حمید فرجام و یاسین افشاری در قم

۱۷ شهریور: احمد شاملو در همدان/ اسماعیل باقری در لردگان/ محمدعلی قلی زاده در ملایر

۱۸ شهریور: جواد محمدپناه در قم/ امید رحمانی و کامیار نجف زاده در کرمانشاه/ سامان عبدولی در دزفول/ علی رضوی در کرمان

۱۹ شهریور: یوسف اسدی کهباد و احمد بنی اسد در اهواز/ بهزاد پارسا، رسول خان محمدی و عبدالله محسنی در گرگان

۲۰ شهریور: یونس مزار شمس و حدیقه آبادی در قزوین/ رحمان علی اکبری در کرمانشاه

۲۲ شهریور: حافظ قوی دست در رشت

۲۳ شهریور: پرویز دولتی و فرهاد سپهوند در خرم‌آباد/ علی مظفری در یاسوج/ مازیار کریمی و پیمان عجمی در همدان/

۲۷ شهریور: جواد آفاق در مشهد

۲۹ شهریور: علی منصور وفایی در تبریز

۳۰ شهریور: حسین موسوی در گچساران/ عبدالعزیز قلجایی در زاهدان/ موسی علیزاده و وحید ابراهیمی در اصفهان/ کاظم جمشیدی در خرم‌آباد/ رسول یاری در اراک/ سعید قبادی، کاظم جامه شورانی و هادی نوروزی در کرمانشاه/ محمد بقلانی در برازجان/ مجتبی مهدوی و احمدی (نام کوچک نامشخص) در تایباد از توابع استان خراسان رضوی

کنکور، آینه شکاف طبقاتی در ایران

اسد طاهری

مرثیه

م. وحیدی (م. صبح)

برای مرضیه، بانوی آواز ایران



سنگ می‌نالد؛
باد مویه می‌کند؛
و
دشتهای خالی
یادهای مرا،
صبوری می‌دهد.

دل‌م گرفته ست؛
ابر نمی‌بارد؛
و آواز قمری
بر پشت شیشه‌های پاییزی
رنگ خاکستری می‌زند.

آه!
کدامین اسطوره،
کدامین طلوع،
نشان از تو دارد،
تا به تکرار
سخن بگویم؟

کدام تاریخ
کدام افسانه زیبا
که دستهایت
ساعر شبنم بود،
در همصدایی برگ و باد؛
پر از فصلهای شکفتن

ای مهربان!
که در تو
صلابت و آهن
با تمامت عشق و آزادی
گره خورده بود
میراث تو،
عصیان و رزم
عاشقانه‌ترین پیام رستن.

آفتاب گفتارت
ای خنیاگر کوچه‌های تنهایی
عریانی شور بهاریست،
که باز نمی‌ایستد.

– از بین ۱۰ برگزیده بخش ریاضی، ۷ نفر از سمپاد، ۳ نفر در مدارس خصوصی تحصیل کرده‌اند. در این جمع از دانش‌آموزان مدارس نمونه دولتی و معمولی دولتی هیچکس وجود ندارد.
– در رشته تجربی از ۱۰ نفر برتر تنها یک نفر از مدرسه نمونه دولتی و بقیه همه از سمپاد بوده‌اند. – در رشته علوم انسانی از ۱۰ نفر برتر ۷ نفر از سمپاد یک نفر از مدارس خصوصی و ۲ نفر از مدارس نمونه دولتی می‌آیند تنها یک نفر که رتبه سوم هنر را کسب کرده، در مدرسه دولتی تحصیل کرده است.

همانگونه که دیده می‌شود، امروزه مدارس سمپاد که بیشترین سهم را در رشته‌های پرتقاضا و ممتاز دانشگاهی به خود اختصاص داده‌اند، در عمل به ایستگاه دوم یک مسیر طبقاتی بدل شده‌اند. طبق آمار، بیش از ۹۰ درصد پذیرفته‌شدگان سمپاد، دوره‌ی ابتدایی را در مدارس خصوصی/غیردولتی گذرانده‌اند. یکی از شرایط غیر رسمی اما تعیین‌کننده برای ورود به این مدارس، پرداخت شهریه‌های کلان و امکان بهره‌گیری از کلاسهای آمادگی و معلم خصوصی است. این مدارس نه بر پایه‌ی «استعداد ذاتی»، بلکه بطور عمدۀ بر قدرت مالی والدین استوارند.

یک رقابت نابرابر

آمارهای بالا به‌خوبی نشان می‌دهد که مسیر «موفقیت در کنکور» برای اکثریت فرزندان طبقه‌ی کارگر و فرودست بسته است. کنکور دیگر میدان «رقابت بر سر دانش» نیست، بلکه صحنه‌ای است که در آن سرمایه‌ی مالی تعیین می‌کند چه کسی آینده‌ای روشن‌تر داشته باشد. دسترسی به مدارس باکیفیت، کلاس خصوصی چند ده میلیونی، کتابها و مشاوره‌های تخصصی، همه کالاهایی هستند که فقط طبقات مرفه‌تر توان خریدشان را دارند. به این ترتیب کنکور دیگر انتخابی علمی نیست، بلکه میدان رقابت بین فرزندان ثروتمندان برای تقسیم صندلیهای محدود دانشگاه‌های برتر. در این میان، اکثریت فرزندان زحمتکش حتی فرصت حضور در این رقابت نابرابر را هم ندارند.

کنکور سراسری، به عنوان مهم‌ترین مسیر ورود به دانشگاه، در حقیقت بازتاب عینی شکافهای طبقاتی و ابزاری برای بازتولید قدرت طبقه حاکم است. داده‌های کنکور ۱۴۰۴ به روشنی نشان می‌دهد که چگونه نظام آموزشی طبقاتی، سلطه طبقه حاکم را حفظ و باز تولید می‌کند.

تا زمانی که نظام آموزشی بر محور «پولی‌سازی» و «تجاری‌سازی» بنا شده باشد، سخن گفتن از عدالت آموزشی بی‌معناست. دانش‌آموزی که در یک روستای محروم بدون معلم تخصصی و با کمترین امکانات درس می‌خواند، از همان ابتدا محکوم به شکست در رقابتی نابرابر است.
تنها با برچیدن مناسبات سرمایه‌دارانه در آموزش و تضمین آموزش رایگان و باکیفیت برای همه می‌توان امید داشت که «دانش» معیار واقعی سنجش آینده‌ی جوانان باشد نه «سرمایه‌ی طبقاتی». پیش شرط چنین تحولی سربنگونی نظام جمهوری اسلامی به عنوان نیروی محرک این مناسبات و عامل محروم کردن میلیونها فرزند کارورزان و تهیدستان از حق بنیادین آموزش است.

پانویس:

* سمپاد- یا تیزهوشان که در اصل جزو مدارس دولتی است اما در واقع ویژه پولدارهاست

** آمارها از: اقتصاددانان، فرارو، ساعد نیوز، فردای کرمان، هم‌میهن، رادیو زمانه



اگرچه نظام جمهوری اسلامی در گفتمان رسمی خود شعارهای «عدالت اجتماعی» و «مستضعفین» سر می‌دهد، اما از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ به‌ویژه با «سیاست تعدیل اقتصادی» و به زبان ساده‌تر «اقتصاد بازار»، به‌طور واقعی به منطق نولیبرالی جهانی پیوست. از آثار بی‌واسطه این جهت‌گیری در حوزه آموزش، خصوصی‌سازی گسترده، کاهش بودجه‌های عمومی، گسترش مدارس غیرانتفاعی، سمپاد* و شکل گرفتن موسسات کنکوری است که آموزش را به کالایی گرانبها بدل کرده است.

کنکور سراسری در ایران به‌ظاهر ابزاری برای «رقابت عادلانه» و «گزینش بر مبنای شایستگی علمی» است. اما در واقعیت، این سازوکار بیش از آنکه معیار سنجش دانش باشد، بازتولیدکننده‌ی نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی است. داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی به رتبه‌های برتر، نه به تلاش فردی، بلکه به سرمایه‌ی مالی و تعلق طبقاتی بستگی دارد.

از دهه‌ی ۱۳۷۰ به بعد، با رشد مدارس غیردولتی، موسسات کنکوری و کلاسهای خصوصی، آموزش عالی به بازاری سودآور بدل شد. قبولی در رشته‌ها و دانشگاه‌های معتبر در عمل وابسته به قدرت خرید خانواده گردید. به این ترتیب مسیر ورود فرزندان لایه‌های اجتماعی کم‌درآمد یا فقیر به آموزش عالی مسدود گردید، چرا که شهریه‌ی مدارس غیرانتفاعی و کلاسهای کنکور چند برابر درآمد ماهانه‌ی آنها است و شهریه‌های گران مدارس خصوصی برایشان پرداخت نشدنی.

آمارهای نجومی و تکان‌دهنده**

شکل و نتیجه طبقاتی شدن آموزش در ایران را در آمارهایی که منابع دولتی یا رسانه‌های حکومتی منتشر می‌کنند، به خوبی پیداست. در حالیکه تنها ۱۴ درصد دانش‌آموزان در مدارس خصوصی درس می‌خوانند، اما همین درصد کوچک، اکثریت راه یافتگان به رشته‌های محبوب دانشگاهی را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب که:

– حدود ۸۵ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی درس می‌خوانند، اما تنها ۲ درصد رتبه‌های ۳ هزار کنکور از این مدارس می‌آیند. در مقابل، مدارس پولی (سمپاد، نمونه دولتی، غیرانتفاعی) که تنها ۱۵ درصد دانش‌آموزان را شامل می‌شوند، بیش از ۷۸ درصد رتبه‌های برتر را به خود اختصاص داده‌اند. – دهک دهم جامعه (ثروتمندترین اقشار) تقریباً نصف رتبه‌های برتر را در اختیار دارد، درحالی‌که سهم سه دهک پایین جامعه، تنها ۲ درصد است.

– آمار قبول‌شدگان کنکور امسال حاکی از آن است که حدود ۸۰ درصد رشته‌های برتر در مدارس سمپاد، ۱۱ درصد در مدارس غیرانتفاعی و تنها حدود ۸ درصد در مدارس نمونه دولتی مشغول تحصیل بوده‌اند.

مرضیه؛ خنیانگر آزادی

م. وحیدی



بعد از وفات، تربت ما بر زمین مجوی

در سینه های مردم عارف مزار ماست! (مولوی)^[۱]

یادش به خیر! سه دهه پیش بود که به مقاومت پیوست. بانو مرضیه را می گویم. هنرمند متعددی که الگویی برای دیگر هنرمندان شد و اکنون، نه فقط به عنوان بانوی جاودان موسیقی ایران، بلکه به عنوان بانوی مقاومت می درخشد. خیر، مثل بمب همه جا پیچیده بود. باور کردنی نبود! هنرمندی با این سن و سال و محبوبیت و شهرت و سابقه و تمول و موقعیت، به ارتش آزادیبخش پیوسته باشد. چه شده بود؟ چه تحولی در او صورت گرفته بود؟! نمی دانستیم. همه خبرگزاریها، از جمله رسانه های رژیم، آن را منعکس کرده بودند. بی شک آخوندها هم مثل ما شگفت زده شده بودند! بعدها، خبر آمد که «رفسنجانی» در جایی گفته بود: «مرغ از قفس پرید!»

در «شرف یک» بودیم که خبر پیوستنش را شنیدیم. پیوستنش، اعتبار و هویتی والا به کارنامه هنری او می بخشید، و پرده از چهره کریه تبلیغات رژیم علیه مقاومت برمی داشت. انتخاب شجاعانه او، الگوی نوینی از مسوولیت اجتماعی و تاریخی برای اهل هنر پدید می آورد. مرغ هزار دستان آواز ایران، باچهره ای جهانی و شناخته شده، به آرمان آزادیبخش مردم، مشروعیت مضاعف بین المللی می داد و جنبش را گامی به جلو می برد.

حرکت دلیرانه و تاریخی او نشان داد، هنرمند، فقط نقش زیبایی آفرین ندارد، بلکه می تواند نقش آفرین تاریخ نیز باشد. چه افتخاری بالاتر از این، برای ملتی که در سخت ترین روزهایش، مرضیه صدای آنان باشد. طنین خاموشان و کسانی که مجال سخن گفتن ندارند. بانوی غزل ایران، با جدا کردن مسیر خود، از صحنه های رسمی هنر حکومتی، و پشت پا زدن به شهرت، ثروت و آسایش و رفاه شخصی، مفهوم فداکاری هنرمندانه را به نمایش گذاشت. دیوار ترس را فرو ریخت و راهی گشود، که دیگران نیز، بتوانند با وجدانی بیدار، در این مسیر، همراه شوند. او آمد تا واژه ها زنده بمانند؛ تا حقیقت و هنر زنده شود، و خشم نسلهای سرکوب شده، در فریادش طنین انداز گردد. چنین هنرمندی، حافظ حفظه و جمعی وجدان بیدار یک ملت است.

تکه ابرهای فشرده و بی شکل توی آسمان آبی به چشم می خوردند. دسته های پرنده سپید و وحشی در افق پرواز می کردند. خانم مرضیه، حالا مهمان قرارگاه ما بودند. از صبح، در حال آماده سازی و استقبال از او بودیم. جارو زدن خیابانها، تمیز کردن خار و خاشاک از کنار نهرها، کندن علفهای هرز، جمع آوری وسایل اضافی و... هرس کردن شاخه های درختان، از جمله کارها بودند. کنار دریاچه و در پارک نقلی قرارگاه، میز و صندلی چیده و همه جا را چراغانی کرده بودیم. گنجشکان در لابلای درختان جنگل می کردند. بوی خاک آب پاشی شده و مرطوب، و چمنهای آب خورده، عطر خوشی در فضا پراکنده بودند. آب دریاچه در نور چراغهای رنگی می درخشید و منظره زیبایی پدید آورده بود.

کنار دریاچه نشسته و گفت و گو می کردیم. ماشینی از دور پیدا شد. دقت کردیم. خانم مرضیه بود. کنار راننده نشسته بود. با شالی قهوه ای رنگ بر شانه هایش. پا شدیم به سمتش رفتیم. ماشین توقف کرد. دورش حلقه زدیم. در ماشین را برای خانم مرضیه باز کردم. بانو مرضیه، با متانت و وقار و چهره ای باشاش، قدم بر زمین گذاشتند. شروع به کف زدن کردیم:

«مرضیه خوش آمدی! مرضیه خوش آمدی!»

او به سمت محل استقرارش حرکت کرد. لباس بلند و شادی پوشیده و کیفی زیبا به دست داشت. گیسوان نقره ای اش تا پشت کمر می رسید. زیبا و چشمگیر. بچه ها، شاخه های گل به او هدیه می کردند. خانم مرضیه گلها را گرفته و به سینه می فشردند و تشکر می کردند. برخی خواهران او را در آغوش گرفته، می بوسیدند. بلندگوها، ترانه ای قدیمی از او را، در محوطه پخش می کردند:

«سروی و بیدی، برلب جویی، گرم سخن بودند؛

بی خبر از خود، هرچه تو گویی، چون دل من بودند...»

زمین و محوطه، از سر و صدا و سوت و کف و هیجانان بچه ها به لرزه درآمده بود. گنجشکان و پرندگان از لابلای درختان فرار می کردند. بانو مرضیه قبل از نشستن، نگاهی به اطراف انداختند و گفتند: «اینجا چقدر قشنگه! چه دریاچه زیبایی! چه پارک فوق العاده ای! همه جا و همه چیزش بوی ایران را می ده!»

چینش صندلیها به هم خورده بود. هر کس صندلی اش را برمی داشت و می رفت دور و بر خانم مرضیه می نشست. من هم برای آن که عقب نیفتم، صندلی ام را برداشتم رفتم روبروش نشستم. می خواستم چند کلمه با او صحبت کنم. یکی از بچه های قدیمی، با احترام برخاست و با حسی تاریخی در کلام، به وی خوشامد گفت:

«سرکار محترم، بانو مرضیه! خوش آمدید! حضور شما در میان ما، نه تنها افتخاری بزرگ، که یادآور روزگاری است که صدایتان زینت بخش هر خانه و سرایی بوده و هست. روزگاری که طنین حقیقت و عشق در صداتون انعکاس می یافت و قلبها را صیقل می داد و امروز هم شاهد تکرار آن هستیم. شما با هنرتون، چند نسل را با خودتون همراه کرده اید، و خاطراتی به جا گذاشته اید که هنوز هم زنده و تازه اند و تا ابد هم زنده و تازه خواهد ماند. (بچه ها کف زدند!) پیوستن شما به مقاومت ایران و عزم و رزم شما، امروز بیش از هر زمان دیگری، رژیم آخوندها را به وحشت انداخته و به مرگ و نیستی نزدیک تر کرده است. خوشحالیم شما را در کنار خود داریم. گامهاتان استوار، عزمتان مستحکم و رزمتان پایدار باد.»

یکی دیگر از بچه ها بلند شد گفت: «من هم می خواستم به شما خوش آمد بگویم و این که شما دلهایی را به امید و شادی بقیه در صفحه ۲۰

با دیدن چهره ی بشاش و خندان او از «سیمای آزادی»، غرق شور و شغف شدیدم؛ اما مشاهده گیسوان سپیدش، سایه ای از اندوه بر چهره ام انداخت و هزاران لعنت و نفرین بر خمینی و آل او فرستادم. لختی تأمل کردم و آنگاه به سرزنش خود برخاستم، که مگر مبارزه به سن و سال و موی سپید و سیاه و قیافه ظاهر کسی است؟! پس عزم، اراده، آرمان، انتخاب، غیرت، شرف، فداکاری و ایثار مال و جان چه می شود؟! و گفتم، وقتی دل آرمانی بهار را باور داشته باشد، شور و شوری برانگیخته و زمان را به سخره می گیرد. و این است که راه می گشاید، نه صورت ظاهر و آراسته و جوان؛ چهره شاید پیرشود، اما دلی که جوان مانده باشد، تصویر جاودانگی را در هر کجا بازمی تاباند. چین و شکن، تنها بازی سایه ها بر پوست است، نه پزردگی جان؛ چشمی که به افق خیره مانده باشد؛ دلی که هنوز از تماشای باران بلرزد، و قلبی که دوست

دارد، از سلطه زمان آزاد است. زیبایی واقعی، در ضربان قلبی است که به بودن معنا می بخشد؛ نه در آینه ای که تنها سطح را می بیند؛ و چه باک، اگر موها سپید شوند؟! وقتی درون، چون باغی شکوفا، هر روز، چشمه وار بجوشد و چون رود بخروشد.

هنگام ملاقات او با خانم رجوی، سوالاتی در ذهن خطور می کرد که: «او از کی و کجا با مقاومت ایران آشنا شده؛ تاکنون کجا بوده، چه می کرده؛ چگونه توانسته سالم خارج شود و حالا رژیم، با خانواده و کسان او چه می کند؟ تاچند روز درگیر این پرسشها بودم و در گذر زمان، اندک اندک از زبان خودش، پاسخ سوالاتم رادریافتم. حالا هر کدام از بچه ها، در مورد او چیزی می گفتند:

«آیا هنوز می تونه بخونه؟»

«نه دیگه... الان سن و سالی ازش گذشته!»

«منم فکر می کنم دیگه بعیده بتونه بخونه و همون صدا را داشته باشه!»

«آره! اگه هم بخونه، دیگه صداش مثل سابق نیست!»

«اینجام می اد؟»

«شاید بیاد؛ معلوم نیست!»

«می شه او را از نزدیک ببینیم و باهاش صحبت کنیم؟»

«باید صبر کنیم ببینیم چی می شه!»

بانو مرضیه، تنها یک ترانه خوان نبود؛ بلکه نماد هنرمندی متعهد و مسوولیت پذیر، آگاه و مقاوم بود. شخصیتی که حضورش را با شرافت هنری و مبارزاتی مردم ایران پیوند زده بود. آمده بود تا بر هنرش لباس رزم بپوشاند، و فریاد در گلو مانده مردم اسیر ایران را به گوش جهانیان برساند. کسی که می خواست معنای ژرف تر و تازه تری به هنرش دهد و اعلام کند که هنر در دل تبعید و محاصره هم می تواند بایستد، بجنگد، بیدار کند و الهام ببخشد. انتخاب او، بیانگر این حقیقت بود که موسیقی و هنر، زبانی رها و اصیل است که با آرمانهای انسانی گره خورده و مفهومی معتقدانه و تاریخی دارد.

غروب بود. خورشید می رفت تا در پشت کوههای نه چندان بلند پنهان شود. آنجا که در غبارهای تیره و کم رنگ، مرزهای ایران کشیده شده بود. با رفتن خورشید، گرما اما همچنان در هوا موج می زد. داغی جذب شده آفتاب، از قسمتهای آسفالتی و سیمانی قرارگاه می جوشید و بالا می آمد.

مرضیه؛ خیانگرازادی

بقیه از صفحه ۱۹

روشن کرده‌اید و تابش آن چشمان دشمن را کور خواهد کرد! من ایران که بدم همیشه آرزوم این بود که روزی شما را از نزدیک ببینم و حالا به آرزوم رسیده‌ام. امروز یک روز فوق‌العاده‌ست... محفل ما با حضور شما جان گرفته و تاریخی شده؛ به امید روزی که طنین آواز شما، دوباره در اقصی نقاط ایران زمین، بی هیچ محدودیت و سانسوری، پیچیده و شنیده بشه و جانها و روانها را تازه کنه».

بانو مرضیه میکروفن را در دست گرفتند و فروتنانه گفتند: «آن ذره که در حساب ناید ماییم! از لطف و دعوت شما ممنونم؛ منو با این حرفها شرمند کنیدا! منم خیلی خوشحالم که امشب کنارتون هستم. خصوصاً تو این قرارگاه زیبا که می دونم همه چیزشو خودتون درست کرده‌اید! از اون دریایچه زیبا و پارکش گرفته، تا نمادها و مجسمه‌ها و خیابانها و کاشتن درختان و باغچه‌ها و گلها و غیره و غیره. یک ایران کوچولو و زیبا. آرزو می‌کنم همه تون سلامت باشید و هرچه زودتر مردم ایران را آزاد کنید! من حقیر هم، همیشه کنارتون هستم، تا ایران، این زیباترین وطن را، دوباره با هم بسازیم. (پرشور کف زدیم) شک نکنید که آخوندها رفتنی‌اند، فقط دیر و زود داره و آینده مال شماست؛ مال نسل جوان و آگاهه، نه یه مشت آخوند عقب‌مونده و متحجر... قریبون همه تون برم!»

بچه‌های «گروه هنری» روی سن رفتند و با ترانه خوانی و اجرای تئاتر و نوازندگی و رقص و مسابقه و سرگرمی، مجلس را گرم‌تر و شادتر کردند. توی فرصتی که همه چیز آرام شده بود، خود را جلو کشاندم و از وضعیت «هنر و موسیقی» ایران پرسیدم و بانو مرضیه، با تأسف، سری تکان دادند و گفتند:

«خودتون می‌دونید چه خبره قریبون! اینا که چیزی از موسیقی و هنر باقی نگذاشتن... هرچه هم داشتیم از بین بردن؛ من خودم پانزده، شانزده سال تو کوهها و تپه‌ها برای پرندوها و درختان می‌خواندم؛ خمینی با موسیقی و هنر، مته جن و بسم‌الله بود... بقیه شونم همین طورن... من یه تار داشتم جرأت نداشتم بیرون بیارم... باید مجوز می‌گرفتم... نشون دادن آلات موسیقی تو تلویزیون ممنوعه؛ خب! شما ببینید یک حکومتی که این همه ادعا و حرف داره، چطور با موسیقی و هنر برخورد می‌کنه... بعد اینا می‌تونن باعث رشد هنر و هنرمند بشن؛ اینا همه چیز و بی‌معنی و تهی کردن. ابتدال الان حرف اول و می‌زنه، تو همه چیز؛ از هر چیزی، فقط اسمش مونده... موسیقی شده روضه خونی؛ هنرمندان را با محدود کردن، یا خونه نشین، یا آواره کشورها... بعضیها شونم که انداختن گوشه زندان؛ زنها که اصلاً حق خوندن ندارن؛ بگذریم که حق نفس کشیدن ندارن!!!... خلاصه وضع اسفناکيه قریبون!»

مشتاق بودم از «فرهاد مهرداد»^[۱] بشنوم. خانم مرضیه گفت: «والله تا اون‌جا که من می‌دونم، مته بقیه هنرمندان ممنوع‌الخوندنش کردن؛ ارتباطی با ایشان نداشتم... فقط یک بار، ایشانو تو تلویزیون دیدم؛ اونم قبل از انقلاب بود. رفته بودم برنامه اجرا کنم، آنجا بودند... همین؛ گفت وگویی نداشتم...».

از «بنان»^[۲] پرسیدم. اسطوره بی‌بدلیل موسیقی ایران؛ با آن صدای مخملی، نجیب و آراسته اش، که بازتاب دهنده روح اصیل موسیقی سنتی بود. با آن تکنیک بی‌نظیر در تحریر و تسلطی که بر دستگاههای موسیقی داشت و جایگاه یگانه

اش در تاریخ آواز ایران. نماد عظمت و زیبایی فرهنگ و هنر؛ کسی که تنها «الله نازش»، بخشی از میراث فرهنگی - هنری او به شمار می‌رود.

خانم مرضیه، لحظاتی تو فکر فرو رفتند. حس کردم ناراحت شدند. شاید خاطراتی از او برایش تداعی شدند. با اندکی تأمل گفتند:

«فکر نمی‌کنم دیگه کسی مته بنان پیدا بشه بخونه... حداقل تو زومه ما... می‌دونید! شنیدن صدایش، مته خوندن غزلی از حافظ می‌مونه؛ آدم را به اوج می‌بره... عمیق، نافذ و پر رمز و راز».

نفس بلندی کشید؛ دستی تو موهایش فرو برد و گفت:

«چی بگم والله! بیچاره پیرمرد را برده بودن اوین و سیلی زده بودن تو گوشش که دیگه حق خوندن نداری و ازش تعهد گرفته بودن که بره تو خونه بشینه و صدایش هم در نیاد؛ مثل خیلی از هنرمندان دیگه. هر وقت راجع به او فکر می‌کنم ناراحت می‌شم».

روزی پاییزی بود. گرمای چنانکه تموز رفته بود. هوا، نه چندان سرد و نه چندان گرم بود. بهار اول عراق محسوب می‌شد. پرندگان مهاجر، سرازیر دشتها شده بودند. سبزه قیابا همه‌جا دیده می‌شدند. خاک جوانه می‌زد؛ زمین سبز می‌شد، و درختان، نفسی تازه می‌کشیدند. چند روز بود به خاطر بیماری در پایگاهی بستری بودم. روزی که حالم بهتر شده بود، هم‌زمی پیشنهاد داد در سالگرد پیوستن خانم مرضیه به مقاومت، کارت تبریکی تهیه و چند کلمه برای او بنویسم. همین کار را کردیم و چند کلمه، همراه با شعری از حافظ نوشتم و برایش ارسال کردیم:

«دلت به وصل گل، ای بلبل سحرخوش باد!

که در چمن، همه گلبنانگ عاشقانه توست؛

سرود مجلس، اکنون فلک به رقص آرد،

که شعر حافظ شیرین سخن، ترانه توست!»

فردای آن روز، خانم مرضیه گفته بودند: «می‌خواهم به ملاقات بیمارارن بروم»، و آمدند؛ با یکی دو همراه همیشه‌گی. اتاق به اتاق رفتند ملاقات، تا به اتاق ما رسیدند. هم‌رمز بیمار دیگری کنارم بود. خانم مرضیه، از همان دم در که وارد شدند، گفتند:

«الهی درد بالای شما بخوره تو سر فرستجانی و خامنه‌ای... شما چرا مریض شدید؟!»

و علت بیماری را پرسیدند که گفتیم. سپس، از «کارت پستال»^[۳] ارسال، و «خط و ربطش» تشکر کردند و موقع خداحافظی، عکسی از خودشان از کیف در آورده، کلماتی مهرآمیز، با بیٹی از حافظ، پشتش نوشتند و به من دادند:

«سلامت همه آفاق، در سلامت توست؛

به هیچ عارضه، شخص تو دردمند باد!

جمال صورت و معنی، ز یمن صحت توست،

که ظاهرت دژم و باطنت، نژد مباد!»

عکس شان را چون پاره‌ای از تنم، مدتها نگهداری می‌کردم، تا این که سرانجام در جریان جنگ آمریکا با عراق و بمباران پایگاههای ما از بین رفت.

بستری شدن و بیماری خانم مرضیه را از «سیمای آزادی» شنیدم و دنبال می‌کردم. آن روزها، از آندوه بارتترین لحظات زندگی من بود. تا این‌که پس از چندی اعلام شد: «بانو مرضیه گردگشتند». ضربه‌ای جانکاه بر من فرود آمد. دل مشغولهای روزمره، برام رنگ باختند. زمان برام ایستاد. تا مدتی، دست و دلم به کاری نمی‌رفت «این فصل دیگری

بود/ که سرمایش از درون/ درک صریح زیبایی را پیچیده می‌کرد»^[۴].

مرضیه فراتر از هنرش، بخشی از هویت و روح زمانه بود. هر نغمه و ترانه‌اش، یک بیانیه بود. شعله‌ای در جان مردمی سرمازده از سرکوب و ستم و سانسور؛ جرقه‌ای از نور و امید و شور و زندگی، زبان خاموش رنجها، صدای بی‌صدایان و ترجمان آرزوها و انگیزه‌ها و عزمها و رزمها. هنرمندی که رسالت تاریخی اش را با عشق به مردم و آزادی درآمیخت و تا انتها، به راه و آرمان مردم باقی ماند. او، نه تنها برای خودش، که برای همه ما زندگی و تلاش کرد. آزمونی شد برای ما که زنده‌ایم و آیا شایسته نغمه‌های او هستیم؟ آیا صدا و پیامش را حفظ خواهیم کرد؟ اثر انگشت او، بر قلبهایی که لمس شان کرده بود، هیچگاه پاک نمی‌شود.

بی‌شک، نام و یاد این هنرمند بزرگ، در قلب مردمی که هنوز نغمه‌هایش را زمزمه می‌کنند؛ در ایستادگی و مقاومت زنان میهن مان و در عزم و رزم کانونهای شورشی و هم‌زمانش در ارتش آزادیبخش، زنده و پایدار است.

با تعظیم به روان پاک بانو مرضیه

پانویس:

[۱] این شعر، به دو شاعر دیگر، «بیدل دهلوی» و «حافظ» نیز، نسبت داده شده‌است؛ خصوصاً به بیدل، که روح و مضمون آن نزدیکی زیادی با اندیشه‌های عارفانه و جهان‌بینی او دارد.

[۲] فرهاد مهرداد: (۱۳۲۲ - ۱۳۸۱) از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین چهره‌های موسیقی ایران، که سبکی نو آفرید و چشم‌اندازهای نوینی در موسیقی گشود. فرهاد از آن دست هنرمندانی بود که هنر را به معامله بازار و ذائقه سطحی زمانه نسپرد. او صدای اعتراض، آندوه و امید یک نسل بود. وی با داشتن تمایلات چپ و طنین منحصر به فرد و پراحساس خود، و با انتخاب شعرهایی اصیل و اندیشیده، موسیقی پاپ را از ابتدال رایج جدا کرد و فراتر برد و به آن، شأن اجتماعی، فلسفی و انسانی بخشید. شخصیت او نیز، بازتاب همان صداقت هنری‌اش بود. دوری از شهرت طلبی، پرهیز از سازش و وفاداری به مردم و حقیقت.

او با ترانه ماندگار «مرد تنها»، در اواخر دهه چهل، به شهرت رسید و صدای نسلی شد که به دنبال آزادی و عدالت اجتماعی بود. برخی آثار او، با محدودیت و سانسور ساواک روبرو می‌شد. ترانه «یه شب مهتاب» او، در آستانه پیروزی انقلاب، به عنوان نماد موسیقی اعتراضی، نامش را به عنوان هنرمندی متعهد تثبیت کرد. فرهاد، ترانه را به فریاد وجدان جمعی بدل کرد؛ از مردم و دردهای شان جدا نماند و نامش، به مثابه «صدای بیداری»، در حافظه تاریخ و فرهنگ، ماندگار خواهد شد. فرهاد در مصاحبه‌ای گفته بود: «من تنها ترانه‌هایی را اجرا می‌کنم که بتوانم آنها را حس کنم؛ که زبان حال من باشد و یا حامل پیامی برای جامعه».

[۳] استاد غلامحسین بنان: (۱۲۹۰ - ۱۳۶۴) تولد در خانه‌ای اهل ادب و فرهنگ؛ نواختن پیانو؛ آوازخوانی از شش سالگی، به کمک مادرش؛ ۱۳۲۱ خوانندگی در رادیو (دو سال پس از تاسیس آن)؛ ۱۳۴۴ انتخاب او به عنوان «رییس شورای موسیقی»؛ شرکت ثابت در برنامه گلها (گلهای رنگارنگ، گلهای جاویدان، گلهای تازه و... یک شاخه گل) اجرای ۴۵۰ آهنگ در طول فعالیت هنری خود؛ سرود جاودان «ای ایران»، «الله ناز» و... «بوی جوی مولیان...»، همراه با بانو مرضیه، از معروفترینهای ترانه‌های او هستند.

بقیه در صفحه ۳۱

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان

این مجموعه حرفهای مردم در شبکه های اجتماعی با اندکی ویرایش است.

این رسم کشورداری نیست آقایان

باورتان نمی شود اگر بگویم شهردار ماهشهر با همکاری رئیس اداره کار، چند قاضی و مأموران اداره اطلاعات نیروی انتظامی و پلیس آگاهی، برای نپرداختن حقوق کارگران معترض شهرداری، طی ماههای گذشته آنها و وکیل شان را تحت چه جور آزار، اذیت و شکنجه هایی قرار داده اند. باورتان نمی شود اگر بگویم کارگران ساده را با شوکر و کابل شکنجه کرده اند، با پابند و دستبند در هر چرخانده اند و یک ماه در زندان نگه داشته اند، در دهان خانم وکیل پارچه فرو کرده اند و تلاش داشته اند او را وادار به اعتراف اجباری درباره رابطه با بازپرسی کنند که به نفع کارگران رأی داده و سپس به شهری دیگر تبعید شده است.

باورتان نمی شود اگر بگویم رئیس اداره کار چند بار پرونده های شکایت کارگران را از سامانه پاک کرده و از وکیل کارگران، که به دلیل تبانی به او اعتراض کرده بود، شکایت کرده است. باورتان نمی شود اگر بگویم قضات از کارگران شاکتی، شکایت کرده اند.

و همه اینها در شهری رخ داده که با وجود ۱۷ شرکت پتروشیمی و دریایی از ثروت، هنوز حقوق ۱۵ میلیون تومانی کارگران شهرداری پرداخت نمی شود. حالم خیلی بد شد، حکایت شکنجه یکی از کارگران و وکیل شریف آنها، قلمم را جوری فشرده که حال تهوع پیدا کردم.

*نظام الملک در سیاست نامه میگه: «پادشاهان باید دانست که رعیت بی گناه، بی داد نتوان دید و خون ایشان ریختن، بی جهت روا نیست. که خون بی گناه دولت را بسوزد و بنیاد ملک را ویران کند.»

*ج.ا. به یک دو راهی و انتخاب بسیار مهم و مهمترین در تمام طول دورانش رسیده، با شرایط موجود:

- یا باید ایدئولوژی سیاسی خود مبنی بر مبارزه با آمریکا را کنار بگذارد (که پیش نیاز آن هم حل معضل مبارزه همیشگی با اسرائیل است) و به روشی جدید رابطه دیپلماتیک و اقتصادی با آمریکا برقرار کند و تغییر ساختاری و ایدئولوژیک در تمام سیستم حکومت بوجود آید
- یا به روشهای گذشته اصرار ورزد (که به نظر میرسد فعلا به این مسیر می رود) و بعد از متلاشی شدن کامل اقتصاد شاهد فروپاشی حکومت باشیم.

آموزش طبقاتی



جایزه به بابک زنجانی
*برخی گزارشها حاکی از آن است که گروه سورینت بابک زنجانی ۷۰ شرکت با سرمایه تخمینی ۲۲ میلیارد یورو دارد. ثروت دونالد ترامپ ۶.۵ میلیارد دلار است و از جمله ۵۰۰ ثروتمند اول جهان به شمار می رود.
مدافعان بابک زنجانی می گویند که او این ثروت را از کجا آورده است؟

*با توجه به خوردن کفگیر ته دیگ/ و ری برند و بازسازی ظاهری: بابک زنجانی می شود ناجی اقتصادی، لاریجانی می شود ناجی سیاسی و سعید طوسی هم ناجی فرهنگی!
از کران تا به کران لشکر ظلم است...

قیمتها؛ به کجا چنین شتابان

*حتی پولدارترین و بی حساب و کتاب خرج کن ترین رفقا هم افتادن به صرفه جویی و حساب و کتاب تو خرج کردن، اوضاع همه داره خراب میشه.

*انگور کیلویی دویست هزار تومان، یادش بخیر روزگاری نون و پنیر و انگور غذای فقرا بود و الان با این قیمتها شده لاکچری.

*خیلی مردم عجیبی هستیم، خیلی. چطور تاب این همه آزار و فشار و سرکوب را می آوریم، سرعت روزانه تغییر قیمتها را، قطعی برق را چطور پذیرفته ایم؟ از مسیبان قطعی آب و گرانی گاز چه جوری پاسخ نمی خواهیم؟ تشنه در تاریکی می نشینیم به انتظار که، این نیز بگذرد. چرا همواره یا در سکوتیم یا انفجار؟



*صندوقدار بهشون گفت حسابتون شده سه میلیون و دویست هزار تومان!

زن و شوهر هول کردن و مرد گفت: گوشت و مرغ و ماهی و قند و شکر و چایی و برنج تو خریدمون نیست! یه کم خنزر پنزره فقط!
صندوقدار معذب شد و شروع به خواندن قیمتا کرد و منم نمودم ببینم تهش چی می شه...

*نفت را بدهید برادران قاچاقی زیر قیمت بفروشند، هرچقدر خواستند برادرند، باقیمانده اش را امشب سر سفره بگذاریم، تا فردا خدا بزرگ است.

*فقر و عقب ماندگی کشور؟ ما سیریم. بحران آب و برق؟ منبع آب، موتور برق. محیط زیست؟ مهم نیست. مهاجرت جوانان؟ نان خور کمتر، بهتر...

*از هر فضایی (مجازی، خیابون) که امکانش رو دارید برای مطالبه حقتون از ج.ا استفاده کنین.

بقیه در صفحه ۷

*آیا می دانستید بسیاری از دانش آموزان به دلیل ناتوانی در تامین لوازم التحریر یا کیف و کفش و لباس مناسب، ترک تحصیل می کنند. بیایید به میزان توانایی مان و از طریق کانالهای قابل اعتماد و یا مراکز معتبر اجازه ندهیم دانش آموزی به خاطر فقر از تحصیل بازماند.

*دفتر و مداد هم لوکس شد؛ هزینه مدرسه، بلای جان خانوادهها! خانوادهها در برابر خرید لوازم التحریر له می شوند. یک دانش آموز ابتدایی برای دفتر و مداد و کیف ساده، باید حدود ۳ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان خرج کند؛ یعنی چیزی نزدیک به ۷۰ درصد حقوق یک کارگر!

زیر و بم کُنسرتها

*کنسرت شجریان رایگان نیست، چهار ساعت قطعی برق در روز، دلار ۱۰۵ هزار تومنی، فعال شدن مکانیزم ماشه و نابودن شدن زندگی مردم ایران، هزینه های این کنسرت هست.

*کنار ساحل جشنواره بود، خیلی دلم واسه مردم سوخت؛ با همون دو تا آهنگ آنقدر شاد شدن! آنقدر قر دادن! این همه غم و ماتم حق ما مردم نبود...

*لغو کنسرت شجریان دلیل دیگری است بر وجود مراکز مختلف تصمیم سازی و تصمیم گیری و عدم پاسخگویی ناشی از عدم شفافیت و مشخص نبودن مسئولیتهاست.
یکی از اصلی ترین چالشهای حکمرانی در ایران، همین نکته است.

*من تا زمانی که تورم صفر نشده و مالیات بر ارزش افزوده صفر نشده و باقی مالیاتها به یک دهم امروز نرسیده، ارز تک نرخ نشده، تعرفه صادرات و واردات صفر نشده، وزارت صمت و ارشاد و چندتا دیگه تعطیل نشدن، حتی اگه لیدی گاگا رو بیارید مشهد برای علم الهدی کنسرت بذاره هم گول نمی خورم.

*از راه آهن تا تجریش پیاده بروید، یک نفر را نمی ببیند که ترند توئیتر کنسرت همایون شجریان مساله اش باشه. مردم وحشت زده قیمت دلار را نگاه می کنند که قرار است دست شان را از گوشت و برنج کوتاه تر کند. وقتی به پدری که این روزها شرمنده بچههاش میشه فکر می کنم قلمم مثل گنجشک می زنه.



زنان در مسیر رهایی (شهریور ۱۴۰۴)

اسد طاهری

او ادامه داد: «آقای وزیر ورزش شخصاً به من گفتند با این موضوع موافقت و حتی در دوران نمایندگی مجلس پیگیر آن بوده اند. همچنین شنیده ام دولت نیز در حال بررسی اصلاح این ماده است که این جای خوشحالی دارد.»

رئیس سابق فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی با اشاره به مشکلات اجتماعی ناشی از این محدودیت گفت: «امروز دختران بسیاری در تهران و شهرهای مختلف کشور بدون داشتن گواهینامه، بیمه و پوشش قانونی موتورسواری می‌کنند و در معرض خطر جدی هستند. اصلاح قانون می‌تواند سرآغازی برای تحول مثبت در جابگاه زنان باشد.»

طالبان بار دیگر مراکز آموزشی زبان خارجی زنان در هرات را بست

نیروهای امر به معروف و نهی از منکر طالبان، بار دیگر به برخی از مراکزهای آموزشی زبانهای خارجی هجوم برده و آنها را به دلیل آموزش زنان و دختران بسته کرده است.

دستکم سه منبع محلی روز، چهارشنبه ۵ شهریور، تأیید کردند که طالبان شماری از مراکزهای آموزشی را بسته و آموزگاران مرد را به دلیل آموزش دختران تهدید به بازداشت کردند.

طالبان در چهار سال گذشته بیش از ۱۰۰ فرمان محدودکننده در برابر زنان و دختران صادر کردند. زنان و دختران در افغانستان اکنون از ابتدایی ترین حقوق شان از جمله حق آموزش، کار، تفریح، سفر و مشارکت‌های سیاسی محروم‌اند.

فعالان حقوق بشر همواره می‌گویند که طالبان به‌طور نظام‌مند حقوق انسانی، مدنی و آموزشی زنان را هدف قرار داده‌اند. بسته‌شدن مرکز های آموزشی و پزشکی آخرین ضربه به امیدها و آرزوهای زنان افغانستانی است. آنان تأکید دارند که جامعه جهانی باید برای جلوگیری از ادامه این روند، اقدامی قاطع انجام دهد.

این فعالان بارها هشدار دادند که ممنوعیت آموزش دختران، خشونت‌های خانگی، ازدواجهای اجباری و زیرسن، فرار از منزل و خودکشی را به طور قابل توجهی افزایش داده است.

این در حالی‌ست که سال گذشته میلادی نیز ریاست معارف طالبان در مکتوبی دختران را از رفتن به مراکزهای آموزشی زبان‌های خارجی منع کرد

قطع صدا و تصویر یک خبرنگار زن در نشست خبری طالبان



در ادامه محدودیتهای رسانه ای در افغانستان، طالبان بار دیگر هنگام پخش زنده یک نشست خبری که ذبیح الله مجاهد، سخن گوی این گروه، در حال رونمایی از برنامه پنج‌ساله طالبان بود، صدا و تصویر یک خبرنگار زن را قطع کردند.

این رویداد روز سه‌شنبه ۴ شهریور (سنبله)، در نشست خبری مرکز رسانه های افغانستان در کابل رخ داد. تلویزیون ملی تحت کنترل طالبان که نشست را به طور زنده پوشش می‌داد، صدای پرسش و تصویر این خبرنگار زن را سانسور کرد.

بقیه در صفحه ۲۳

متمم نوزدهم قانون اساسی آمریکا در سال ۱۹۲۰ انتخاب شده است که به زنان حق رأی داد. این متمم پس از دهه‌ها تلاش و مبارزه سخت جنبش حق رأی زنان، که به «سافراجیست‌ها» (Suffragists) معروف بودند، به دست آمد.

روز برابری زنان فقط یک جشن برای حق رأی نیست، بلکه یادبودی است برای کل مبارزاتی که زنان برای به دست آوردن حقوق برابر در تمام زمینه‌های زندگی انجام داده‌اند. این تاریخ نمادی از پیشرفت‌های گذشته و یادآوری برای مبارزات ادامه دار برای دستیابی به برابری کامل جنسیتی در جامعه آمریکاست.

در سال ۱۹۷۱، بلا ابزوغ، نماینده کنگره از نیویورک، لایحه‌ای را ارائه کرد تا ۲۶ اوت به عنوان روز برابری زنان شناخته شود. این لایحه در سال ۱۹۷۳ به تصویب کنگره رسید. این نامگذاری، در واقع پاسخی به تظاهرات بزرگ و سراسری زنان در سال ۱۹۷۰ بود که خواستار حقوق برابر بودند. این تظاهرات، که بزرگترین حرکت اعتراضی برای برابری جنسیتی در آن زمان بود، توجه ملی را به مسائل زنان جلب کرد و به تصویب این لایحه کمک کرد

تلاش برای پایان محرومیت زنان از دریافت گواهینامه موتور



مازیار ناظمی، رئیس پیشین فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی ایران، در گفت و گو با آوش از اقداماتی که برای پایان محرومیت زنان از دریافت گواهینامه موتور انجام شده گفت و تأکید کرد: «زنان ایرانی باید از فرصت برابر برای آموزش و دریافت گواهینامه موتور بهره‌مند شوند و محدودیتهای قانونی فعلی مانعی جدی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی است.»

او با اشاره به عملکرد فدراسیون در دوران مسئولیت خود گفت: «چهار سال پیایی دختران ایرانی به مسابقات جهانی موتور کراس اعزام شدند و برای نخستین بار یک دختر ایرانی در رشته موتورسواری به مسابقات کاپاسی راه یافت و افتخار آفرید. این نشان می‌دهد ظرفیت زنان ایرانی در این عرصه بالاست و محروم کردن آنها از دریافت گواهینامه هیچ توجیهی ندارد.»

ناظمی با بیان اینکه به همین منظور شکایتی را به دیوان عدالت اداری ارائه کرده است، افزود: «هدف از این شکایت لغو تبصره ماده ۲۰ قانون رانندگی است؛ تبصره ای که پلیس بر اساس آن از صدور گواهینامه موتور برای زنان خودداری می‌کند. امیدوارم دیوان عدالت اداری با نگاهی ملی و آینده‌نگر این مطالبه قانونی را بپذیرد.»

منع ورود زنان به «دانشکده عالی قضایی» توسط حوثیها

حوثیها با صدور تصمیمی تازه که برای دومین بار متوالی اجرا می‌شود، زنان را از پیوستن به دانشکده عالی قضایی در صنعا محروم کردند؛ اقدامی که فعالان حقوق زنان آن را عقبگردی خطرناک در زمینه حقوق زنان و اصل برابری دانستند.

منابع حقوقی اعلام کردند این تصمیم موجی از نارضایتی را در محافل حقوقی و دانشگاهی برانگیخته است. وکلا آن را نقض آشکار قانون اساسی یمن و قوانین جاری دانستند که اصل برابری فرصتها میان زنان و مردان را تضمین می‌کند. آنان تأکید کردند که محدود کردن حضور در دستگاه قضایی



به مردان، آینده عدالت را تضعیف کرده و نیمی از جامعه را از مشارکت در حیات قضایی کنار می‌زند.

نهادهای مدافع حقوق بشر افزودند که پیامدهای این تصمیم فراتر از یک محرومیت اداری است، چرا که به طور مستقیم بر نمایندگی مسائل زنان در دادگاهها اثر می‌گذارد و هزاران زن یمنی را از داشتن قضاتی زن که بتوانند با درک شرایط خاص آنان به پرونده های شان رسیدگی کنند محروم می‌سازد؛ موضوعی که فرصت دسترسی زنان به عدالت را در شرایط درگیری و چند دستگی کشور، بیش از پیش محدود می‌کند.

خبرنگان و کارشناسان حقوقی با تأکید بر اینکه این اقدام در چارچوب سیاستی برنامه ریزی شده صورت می‌گیرد که هدف آن محدود کردن حضور زنان در عرصه عمومی است، اعلام کردند که تصمیم اخیر تنها ادامه ای از اقدامات پیشین حوثیها از جمله اعمال محدودیت بر سفر زنان بدون همراه محرم، ممنوعیت برخی از آنان از کار در سازمانهای جامعه مدنی و بخش خصوصی، و همچنین محدود کردن فعالیتهای زنان است.

۲۶ اوت در آمریکا روز برابری زنان است

26 August

Women's Equality Day



روز ۲۶ اوت (۴ شهریور) در ایالات متحده آمریکا به عنوان روز برابری زنان نامگذاری شده است. این روز به پاس تصویب

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۲

این سومین بار در سال جاری خورشیدی است که طالبان هنگام پخش زنده نشستهای خبری، صدای خبرنگاران زن را قطع می کنند.

بر اساس قانون «امر به معروف و نهی از منکر» این گروه که سال گذشته توشیح شد، صدای زن «عورت» دانسته شده است.

در اوایل ماه اسد سال جاری نیز، در نشست خبری وزارتهای خارجه، دفاع و اداره ی استندرد طالبان، صدا و تصویر خبرنگاران زن توسط مسئولان رسانه ای این گروه قطع شده بود.

«اختیاری شدن» استفاده از عکس زنان در شناسنامه



طالبان همچنین در تصمیمی جداگانه، گنجاندن عکس زنان در شناسنامه ها را هم «اختیاری» اعلام کرده است. اداره ملی احصائیه و معلومات حکومت طالبان اعلام کرده از این به بعد گنجاندن عکس زنان در تذکره یا شناسنامه در صورت ضرورت اختیاری خواهد بود. این تصمیم بعد از آن گرفته شد که هبت الله آخوندزاده رهبر طالبان، دستور داد عکس زنان از تذکره ها حذف شود. حالا اداره ملی احصائیه و معلومات می گوید، در صورت ضرورت شدید، زنان می توانند عکس خود را در شناسنامه بگنجانند.

تصمیم حکومت طالبان برای مشروط کردن گنجاندن عکس زنان در تذکره ها، واکنش بسیاری از شهروندان افغانستان، به ویژه زنان، را برانگیخته است.

شماری از فعالان زن افغان هشدار داده اند که این تصمیم مقدمه ای برای حذف زنان از جامعه است. آنها با شعار «عکس من، هویت من است» اعتراض خود را به این تصمیم نشان دادند.

حکومت طالبان پیش از این تحصیل زنان از کلاس ششم به بالا را هم ممنوع اعلام کرده بود.

محرومیت زنان افغانستانی باید پایان یابد



آنلنا بربوک، وزیر خارجه پیشین آلمان و رئیس جدید مجمع عمومی سازمان ملل، در مراسم افتتاحیه این نشست تأکید کرده که جامعه جهانی باید به تعهدات خود در برابر منشور سازمان ملل عمل کند. او گفته که زمان آن رسیده که جهان به وعده هایش در برابر زنان و دختران افغانستانی پاسخگو باشد.

بانو بربوک افزوده که زنان و دختران تحت حاکمیت طالبان از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محروم شده اند و ادامه این وضعیت برای جامعه جهانی قابل قبول نیست. او اضافه کرد که رهبران کشورها باید با اقدامهای عملی به محرومیت زنان زیر حاکمیت طالبان پایان دهند.

بانو بربوک تأکید کرده که تضمین آینده دختران افغانستانی تنها با اعلامیه و وعده تحقق نمی یابد و نیازمند تصمیمهای جدی و اقدامهای مشترک جهانی است. بربوک گفت: «جامعه جهانی باید در برابر سرنوشت نسل آینده افغانستان احساس مسئولیت کند».

نخستین زن مسلمان وزیر کشور بریتانیا شد



شابانا محمود، نماینده پارلمان از حوزه بیرمنگام و عضو حزب کارگر، در پی تغییرات اخیر کابینه استارمر در ۵ سپتامبر ۲۰۲۵ به عنوان وزیر کشور بریتانیا منصوب شد.

این انتصاب تاریخی، او را به نخستین زن مسلمان در تاریخ این کشور تبدیل می کند که سکان یکی از مهم ترین وزارتخانه های بریتانیا را در دست می گیرد. محمود که پیش تر تجربه وزارت دادگستری را داشت، اکنون در جایگاهی قرار گرفته که مستقیماً با مسائل مهاجرت، امنیت داخلی و سیاست های انتظامی سر و کار دارد.

پیش از او، ساجد جاوید، سیاستمدار حزب محافظه کار، در سال ۲۰۱۸ به عنوان نخستین مسلمان در این سمت خدمت کرده بود. با این حال، انتصاب محمود به عنوان یک زن مسلمان، نقطه عطفی تازه در مسیر تنوع و نمایندگی در سیاست بریتانیا به شمار می رود و از دید بسیاری ناظران، نشانه ای از گام های تازه دولت کارگر در جهت بازتاب بهتر ترکیب چند فرهنگی جامعه بریتانیاست.

شابانا محمود، متولد ۱۹۸۰ در بیرمنگام و فارغ التحصیل حقوق از دانشگاه آکسفورد است. او پیش از ورود به سیاست به عنوان وکیل فعالیت می کرد و از سال ۲۰۱۰ به عنوان نماینده حوزه انتخابیه «بیرمنگام لیدی وود» در مجلس عوام حضور دارد. محمود در حزب کارگر مسیر پررنگی طی کرده و پیش تر سمتهایی چون وزیر مالیه در سایه و وزیر دادگستری را بر عهده داشته است.

نخستین نخست وزیر زن نپال سوگند یاد کرد

کشور نپال شاهد مراسم سوگند نخستین نخست وزیر زن تاریخ خود بود که به صورت موقت این سمت را بر عهده گرفت. این رخداد پس از اعتراضات گسترده نسل زد (متولدان



بین سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲) و سقوط دولت پیشین، بازگشت آرامش نسبی به کشور را به همراه داشت.

مقام های نپال روز ۱۳ سپتامبر مقررات منع رفت و آمد را که از ابتدای هفته پیش در پایتخت و مناطق اطراف اعمال کرده بودند، برداشتند.

رام چندرا پودل، رئیس جمهوری نپال با انتصاب رئیس پیشین دیوان عالی این کشور به عنوان نخست وزیر، سوشیلا کارکی را به نخستین زن تاریخ این کشور تبدیل کرد که ریاست دولت را هر چند به صورت موقت بر عهده می گیرد.

خانم کارکی که شخصیتی محبوب است، تنها زن قاضی القضاات در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی بود و به خاطر موضعش علیه فساد دولتی در آن دوره شناخته می شد. برخی قانون گذاران در سال ۲۰۱۷ میلادی کوشیدند با طرح اتهام جانبداری او را استیضاح کنند؛ اقدامی که ناکام ماند و به عنوان حمله ای علیه استقلال قوه قضائیه مورد انتقاد قرار گرفت.

خانم کارکی در نخستین روز کاری خود به عبادت معترضان زخمی در بیمارستان غیرنظامی پایتخت رفت و متعهد شد آنچه را به نفع کشور است انجام دهد. او گفت: «با تمام توانم کار خواهم کرد».

ولیعهد عربستان: زنان اکنون می توانند بدون اجازه مرد تصمیم بگیرند



محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، اعلام کرد که زنان در این کشور از این پس می توانند بدون نیاز به تایید یا اجازه مردان، خود تصمیم بگیرند که چه بپوشند. این اصلاحات بخشی از برنامه های گسترده اجتماعی و فرهنگی ولیعهد برای تغییرات ساختاری در عربستان است. محمد بن سلمان، در یک سخنرانی جدید اعلام کرد که زنان در کشورش دیگر نیازی به اجازه یا تایید مردان برای انتخاب لباس خود ندارند. این تصمیم به ویژه در راستای برنامه های «ویژه ۲۰۳۰» که هدف آن اصلاحات اجتماعی و اقتصادی است، اتخاذ شده است.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: خبرگزاری زن، ایلنا، خبرگزاری بانوان افغانستان، دویچه وله، یورونیوز، روایت)

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

روز پنجشنبه ۲۰ شهریور، جمع کثیری از مردم بر سر مزار شهید مهران بهرامیان فرزند دلیر مردم سمیرم در آرامستان اصفهان گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند. یاد و نام او ماندگار خواهد ماند.

خروش شبانه جوانان سبزوار

منبع: تلگرام فریادی در گلو
آدینه شب ۲۸ شهریور ۱۴۰۴، سبزوار به میدان خشم تبدیل شد. جوانان در نقاط مختلف شهر سبزوار دست به اعتراض زدند و با شعارهای ضد حکومتی، خشم و نارضایتی خود را نشان دادند و در اقدامی تند، سطهای زباله را آتش زدند. از کوچه ها و پشت‌بام‌ها، مردم با فریاد «مرگ بر دیکتاتور» جوانان را همراهی کردند؛ صدایی که در تاریکی شب، مثل کبریتی روشن شد و همه‌جا را نور داد. خیابانهای سبزوار صحنه جنگ و گریز جوانان خشمگین با نیروهای بسیج و انتظامی شد.

این حرکت نمادی از بی اعتمادی و خشم عمومی علیه سیاستها و عملکرد حکومت است و نشان می‌دهد نسل جوان حاضر به سکوت نیست.

گنجهای اعتراضی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

(منبع: افکار نفت، ایلنا، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت)



به گزارش افکار نفت، از جمله مهمترین خواسته‌های مشترک کارگران و کارکنان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی چنین است:
۱- اصلاح حقوق حداقلی کارکنان
۲- حذف کامل سقف حقوق پرسنل عملیاتی
۳- حذف سقف سنوات بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲۵

در محله صادقیه (آریاشهر) تهران و تهرانپارس مردم شعار «مرگ بر دیکتاتور» سردادند.

در گوهردشت کرج زنی معترض بر فراز مخزن زباله شهری ایستاد و با فریاد بلند اعلام کرد:

«ایران را تبدیل به زندان کردید.» مردم منطقه جردن تهران با حضور بر پشت بام خانه‌های شان شعارهای اعتراضی سر دادند. ساکنان شهرک چیتگر با سر دادن شعارهای کوبنده‌ای همچون «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر حکومت آدم‌کش» سکوت شب را شکستند.

خانواده های عرفان خزایی (۲۵ ساله، شهریار)، ابوالفضل مهدی‌پور (۱۸ ساله، بابل)، روزبه خادمیان (۳۲ ساله، فردیس)، محسن قیصری (۳۲ ساله، ایلام)، بهنام لایق‌پور (رشت)، رحیم کلیج (۲۷ ساله، قائمشهر) و محسن محمدی کوچکسرای (۳۷ ساله، قائمشهر) در روزهای گذشته بر سر مزار عزیزانشان یاد آنها را گرامی داشتند.

منبع: شبکه های اجتماعی

تجمع گسترده مردم بر مزار جاوید نام مهران بهرامیان



روز شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۴ مزدوران جنایتکار خامنه‌ای، زنده یاد مهران بهرامیان، فرزند دلیر مردم سمیرم را در زندان دستگرد اصفهان اعدام کردند. حکومت جنازه مهران را تحویل خانواده‌اش نداد و در قطعه ۹۰، بوستان ۵، شماره ۱ در باغ رضوان اصفهان به خاک سپرد.

روز یکشنبه ۱۶ شهریور خانواده و دوستان و جوانان شهر بر سر مزار او جمع شدند. در همین روز، مردم سمیرم شهر را تعطیل کرده و نفرت و انزجار خود را علیه این جنایت حکومت اعلام کردند.

حکومت در ابتدا به خانواده او اجازه برگزاری مراسم سوگواری در مکانهای عمومی را نمی‌داد. اما سرانجام با ایستادگی مردم، مراسم یادبودی در روز دوشنبه ۱۷ شهریور، در خانه و زادگاهش برگزار شد که با وجود حضور نیروهای سرکوبگر و کنترل شدید، مردم با حضور پررنگ خود یاد این شهید خیزش انقلابی مردم را گرامی داشتند.

در ماه شهریور شاهد رویدادهای مهمی در سپهر سیاسی اجتماعی ایران بودیم که به طور مستقیم با نیروهای کار پیوند داشت. تعرض حکومت به سطح زندگی و معیشت کارگران و تهیدستان در ابعاد کلان ادامه داشت که رسانه‌های حکومتی به گوشه ای از این فاجعه ورود کردند. رسانه آسیا در شماره روز چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴ از «آب رفتن دستمزدها در گرداب تورم» گزارش منتشر کرده و تاکید کرده که «تورم افسار گسیخته و تحلیل رفتن دستمزدها؛ تامین حداقل معیشت را دچار مشکل کرده است. عصر رسانه در همین روز خبر داد که: «۴۰ درصد شهرستانها حتی یک دندانی‌شک ندارند. شکاف عمیق در توزیع منابع و امکانات سلامت.» رسانه چارسوق در شماره روز چهارشنبه ۲۶ شهریور نوشت «طی یک سال اخیر در دولت پزشکیان قیمت برنج سه برابر شده است.»

در ماه شهریور پیرامون بحران آب هم گزارشهای زیادی منتشر شده که مهمترین آن فرونشست زمین در اصفهان و خشک شدن دریاچه ارومیه است. در مورد دوم رسانه حکومتی نقش اقتصاد در شماره روز دوشنبه ۱۷ شهریور «وداع با نگین آبی شمال غرب ایران» را «رونمایی از کویر ارومیه» نامیده



است. کارگران و تهیدستان در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۳۳۳ روز حرکت اعتراضی در ماه شهریور انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکتها را این مجموعه خواهید خواند. حرکتهای اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در همین ماه شاهد سه شبانه‌های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده‌های محکوم به اعدام بودیم.

خروش مردم در سومین سالگرد شهادت مهسا ژینا امینی

در سومین سالگرد شهادت ژینا، نیروهای امنیتی اجازه برگزاری مراسم به خانواده او را ندادند و مسیر منتهی به آرامستان آبیچی در سقز، جایی که ژینا امینی در آن به خاک سپرده شده، کاملاً میلیتاریزه شد. در ورودی آرامستان با نیروهای پرشمار سپاه بسته شد.

اما به مناسبت سومین سالگرد شهادت مهسا (ژینا) امینی مردم با شعارهای اعتراضی یاد او و دیگر جانب‌باختگان جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱ را گرامی داشتند. در خیابان‌های مختلف تهران و مناطق گوهردشت و کرج شعارهای ضد حکومتی سر داده شد. بازاریان در سقز و دیواندره اقدام به اعتصاب کردند. زنان زندانی سیاسی در زندان قرچک ورامین با به آتش کشیدن طناب دار و سرودخوانی یاد شهیدان را گرامی داشتند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

۴- عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین موجود
۵- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن
۶- استقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت

دوشنبه ۳ شهریور: تجمع جمعی از کارکنان و کارگران ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران در محل کار خود. شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱)، نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه)، شرکت نفت و گاز پارس دستکم در ۱۰ سکو از سکوهایی ۴۰ گانه POGC، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاههای هفتم، نهم، یازدهم و دوازدهم، پالایشگاه گاز فجر جم، شرکت نفت فلات قاره مناطق خارک، لاوان و بهرگان، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری/تجمع کارکنان شاغل در بخش حراست میدان نفتی یادآوران مقابل استانداری خوزستان در اهواز.

سه شنبه ۴ شهریور:

تجمع گروهی از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، در محوطه بیرونی یکی از ساختمان‌های مربوط به این شرکت برای دومین روز متوالی. تجمع و راهپیمایی خانوادگی کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت در شهرک نفت جم و مقابل فرهنگسرای توحید استان بوشهر. تجمع کارگران اخراجی پتروپالایش دهلران و دشت عباس مقابل ورودی شرکت در گرمای طاقت فرسای ۶۰ درجه. اعتصاب کارکنان ارکان ثالث در پتروشیمی رازی پس از نوزدهمین روز با ارباب کارگران پایان یافت. در حالیکه احمد عساکرده و جواد راشدی که قبلاً هم ۵ روزی در بازداشت بودند و اکنون ممنوع الورد شده‌اند، در این روز از ورود سه نفر دیگر از همکاران به اسامی سعید بازدار، میثم باقری و فاضل سعدونی توسط مسئولان حراست ممانعت شد.

آدینه ۷ شهریور: تجمع کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی سیری در محل کار خود.

روز شنبه ۸ شهریور: نیروهای تبدیل‌شده پتروشیمی ارغوان گستر مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

یکشنبه ۹ شهریور: تجمع شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه خارک در محل کار خود. تجمع گروهی از کارگران و کارکنان شرکتی و ارکان ثالث شاغل در شرکت نفت و گاز گچساران مقابل ساختمان مرکزی این شرکت.

دوشنبه ۱۰ شهریور: گروهی از کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان، کارگران سکوی نفتی سلمان، سکوی گازی سلمان و سکوی نفتی R1 دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۱۱ شهریور: شماری از کارگران شاغل در شرکت نفت و گاز پارس در سکوهایی چهل گانه POGC این شرکت، سایت دو کنگان، سایت یک و منطقه ویژه عسلویه، همچنین در پالایشگاههای دوم و هفتم مجتمع گاز پارس جنوبی و ساختمان مرکزی مهدوی از این مجموعه، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. تجمع کارگران در شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و جزیره لاوان. تجمع شماری از نیروهای

پیمانکاری شرکت ملی حفاری ایران در اهواز و در شهرستان گچساران.

چهارشنبه ۱۲ شهریور: دومین روز تجمع کارگران منطقه خارک.

آدینه ۱۴ شهریور: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در سکوی عملیاتی نصر واقع در منطقه سیری تجمع کردند.

شنبه ۱۵ شهریور: تجمع شماری از کارکنان شرکت نفت در شهرهای اهواز و گچساران.

یکشنبه ۱۶ شهریور: جمعی از کارگران و کارکنان شرکتی و ارکان ثالث شاغل در شرکت نفت و گاز گچساران مقابل ساختمان مرکزی این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه خارک. تجمع جمعی از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری.

دوشنبه ۱۷ شهریور: تجمع کارگران رسمی در مناطق عملیاتی مختلف در جنوب در مناطق نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱)، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC، پالایشگاه پنجم، دوم، عسلویه (منطقه ویژه) و...

سه شنبه ۱۸ شهریور: شماری از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در جزیره سیری، به‌طور مجزا دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۱۹ شهریور: شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه خارک، در محل کار خود تجمع کردند.

آدینه ۲۱ شهریور: کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در مناطق لاوان، سیری و سکوهایی نصر و ایلام دست به تجمع اعتراضی زدند.

شنبه ۲۲ شهریور: تجمع شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه بهرگان.

یکشنبه ۲۳ شهریور: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه خارک، سکوی فروزان و کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۲۴ شهریور: تجمع کارکنان نفت و گاز پارس جنوبی در سکوهایی ۴۰ گانه POGCT، پالایشگاه گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، شرکت نفت و گاز پارس جنوبی در منطقه ویژه عسلویه، کنگان، پالایشگاه یکم، پالایشگاه دوم، پالایشگاه یازدهم و پالایشگاه دوازدهم، شرکت نفت فلات قاره لاوان، شرکت نفت و گاز مسجدسلیمان واحد بهره‌برداری قلعه نار.

سه شنبه ۲۵ شهریور: شماری از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت نفت فلات قاره ایران در جزیره سیری و شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، به صورت جداگانه در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۲۶ شهریور: کارگران ارکان ثالث سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه با برگزاری تجمع اعتراضی، درخواست حذف شرکت‌های پیمانکاری و تحقق دیگر مطالبات خود تاکید کردند

آدینه ۲۸ شهریور: تجمع کارگران شرکت نفت فلات قاره.

یکشنبه ۳۰ شهریور: تجمع شماری از کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه خارک و شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، به صورت جداگانه در محل کار خود.

دوشنبه ۳۱ شهریور: تجمع کارکنان شرکت نفت و گاز پارس جنوبی در منطقه عسلویه، کنگان و پالایشگاه دوازدهم، شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه لاوان و سکوهایی رشادت، رسالت و سلمان، شرکت پالایش فجر جم، شرکت پارس جنوبی دستکم در ۱۰ سکو در سکوهایی ۴۰ گانه.

جنبش سراسری بازنشستگان

(منبع: تلگرام شورای بازنشستگان ایران، ایلام، مخابرات فردا)



شهروندان بازنشسته در کنشهای اعتراضی خود همچون ماههای پیش خواهان «همسانسازی حقوقها، افزایش دریافتیهایی متناسب با هزینه‌های زندگی، خروج سازمان تامین اجتماعی از انحصار دولت و اصلاح ماده ۸۹ قانون تامین اجتماعی در رابطه با دریافت خدمات درمانی و ... شدند.

دوشنبه ۳ شهریور: تجمع گروهی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرستان شوش مقابل دفتر مجلس نشین از شوش.

یکشنبه ۹ شهریور: تجمع شماری از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در شهرهای اصفهان، کرمان و قائمشهر. بازنشستگان فولاد اعلام کردند: «تا رسیدن به مطالباتمان آرام نمی‌گیریم؛ صدای ما خاموش شدنی نیست!» تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، رشت، شوش و تهران.

سه شنبه ۱۱ شهریور: تجمع بازنشستگان فرهنگی در تهران و بازنشستگان تامین اجتماعی در کرمانشاه.

آدینه ۱۴ شهریور: تجمع کارگران بازنشسته بالای ۷۵ سال تامین اجتماعی گرگان. معترضان گفتند: حالا که ما پیر شده‌ایم و سن ما بالا رفته، چرا به ما بی‌احترامی می‌کنید؟ ما که ۳۰ سال حق بیمه پرداخت کرده‌ایم چرا در روزگار پیری از خدمات محروم ایم؟

یکشنبه ۱۶ شهریور: تجمع جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در خیابان وزرای تهران. همزمان شماری از این بازنشستگان در شهر اصفهان تجمع کردند. تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز، شوش، کرمانشاه و تهران. شهرهای رشت، تبریز، بیجار، سنندج، شهرکرد، کرمانشاه و اصفهان. تجمع بازنشستگان صداوسیما در تهران.

یکشنبه ۲۳ شهریور: تجمع جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنایع فولاد این شهر. تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، رشت، شوش و تهران.

بقیه در صفحه ۲۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵

دوشنبه ۲۴ شهریور: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای تبریز، سنندج، مریوان، بیجار، تهران، کرمانشاه، زنجان، رشت و اصفهان.

سه شنبه ۲۵ شهریور: تجمع جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه.

یکشنبه ۳۰ شهریور: تجمع و راهپیمایی بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و اهواز. / تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه، رشت و تهران

دوشنبه ۳۱ شهریور: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای شیراز، سنندج، بروجرد، بیجار، تهران، مریوان، اهواز، اصفهان، زنجان، همدان، کرمانشاه، تبریز و رشت.

شماری دیگر از کُتله‌های اعتراضی در سراسر کشور

شنبه ۱ شهریور

۴ دهه‌تن از کارکنان سد و نیروگاه کارون ۴ به بهانه مسائل اقتصادی اخراج شدند. سایر کارکنان نیز در واکنش به این اقدام دست به تجمع زده و اعتراض خود را نسبت به شرایط کاری و حقوقی نشان دادند.

دوشنبه ۳ شهریور

جمعی از کشاورزان شهرستانهای گرمسار و آرادان مقابل ساختمان استانداری سمنان تجمع کردند. آنان در اعتراض به عدم تأمین حقایق از «حبله رود و سد نمرود» که موجب خشک شدن زمینهای کشاورزی و خسارت به محصولاتشان شده است، تجمع کردند.

شماری از کشاورزان بخش فتح المبین شهرستان شوش، در اعتراض به عدم تخصیص آب برای کشت تابستانه، مقابل شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری ناحیه شمال خوزستان واقع در شهرستان دزفول تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کشاورزان معترض گفتند: در حالی که حدود سه هزار هکتار زمین این منطقه آماده کشت تابستانه است، تاکنون هیچگونه سهمیه آبی به آنان تخصیص داده نشده و به همین دلیل کشت سالانه خود را از دست داده‌اند.

یکی از کشاورزان حاضر در این تجمع گفت: در ماههای اخیر بارها با مراجعه به سازمان آب و برق خوزستان، فرمانداری شوش و بخشداری فتح المبین خواستار حل مشکل شده ایم. اما هنوز پاسخی روشن از سوی مسئولان دریافت نکرده ایم.

جمعی از کارگران شهرداری منطقه یک آبادان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست به تجمع زدند.

تجمع مالباختگان گروه ساختمانی جاودانی در منطقه الهیه مشهد.

تجمع اعتراضی جمعی از ثبت نام‌کنندگان خودرو تیپولی شرکت رامک خودرو در اعتراض به بلاتکلیفی ۸ ساله و عدم تحویل خودروهای شان. بر اساس اطلاعات منتشرشده، این افراد در اعتراض به عدم تحویل خودروهای شان تجمع کردند. آنها می‌گویند با وجود آنکه بیش از هشت سال از زمان ثبت‌نام گذشته و حتی حکم قطعی قضایی برای تحویل خودرو صادر شده، همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

جمعی از شهروندان ساکن شاهین شهر اصفهان، به اداره برق این شهرستان مراجعه کرده و اعتراض خود را نسبت به ارقام بالای قبض‌های برق خود ابراز کردند. به گزارش هرانا، یکی از معترضان گفت: «ماه گذشته قبض برق من فقط ۸۰ هزار تومان بود، اما این ماه بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آمده است. طبقه پایین که عملاً خالی است و مصرفی ندارد، قبض چند میلیونی دریافت کرده است. همسایه‌ها هم که بیشتر وقت‌ها سرکار است، ۸۵۰ هزار تومان. این عددها هیچ منطقی ندارد.»

مراسم هفتمین سالگرد جانباختن چهار فعال محیط زیست در مریوان

روز دوشنبه ۳ شهریور، جمعی از فعالان مدنی و محیط زیست به همراه شهروندان مریوان، مراسمی را به مناسبت هفتمین سالگرد جانباختن شریف باجور، امید کهنه پوشی، محمد پژوهی و رحمت حکیمی نیا از فعالان محیط زیست برگزار کردند.

شریف باجور، فعال مدنی و محیط زیست، عضو هیات مدیره انجمن سبز چیا و مسئول اطفای حریق این انجمن بود. او روز ۳ شهریورماه ۱۳۹۷، به همراه امید کهنه‌پوشی، محمد پژوهی و رحمت حکیمی نیا برای مهار آتش‌سوزی جنگلهای روستای «پیله و سلسی» از توابع مریوان به منطقه اعزام شدند و در جریان عملیات، به دلیل گسترش آتش‌سوزی جان خود را از دست دادند.

شرکت‌کنندگان در این مراسم یاد و خاطره این چهار فعال محیط زیست را گرمی داشتند و بر لزوم توجه جدی به حفاظت از محیط زیست و حمایت از فعالان این حوزه تأکید کردند. همچنین در بخشی از مراسم، به یاد این چهار فعال محیط زیست سرود خوانده شد.

برگرفته از کانال کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران

سه شنبه ۴ شهریور

شماری از کارگران متقاضی مسکن ملی شهرکرد که از سالها پیش با پرداخت پول منتظر مشخص شدن وضعیت خانه های خود هستند، در اعتراض به کندی ساخت واحدهای خود، مقابل ساختمان اداره کل راه و شهرسازی استان چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران گفت: دولت وعده کرده بود حداکثر تا ۶ سال آینده این واحدها را به متقاضیان که غالباً کارگران و بازنشستگان هستند، تحویل می‌دهد، اما اکنون که از موعد اعلامی گذشته، قیمت تمام شده تقریباً دوبرابر شده و هیچ واحدی تکمیل و تحویل نشده است.



برای دومین روز جمعی از مالباختگان شرکت گلباران از شهرستانهای دزفول، اندیمشک و شوش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران،

در این تجمع شماری از مالباختگان در اقدامی نمادین با پوشیدن کفن، اعتراض خود را به بی توجهی مسئولان به مطالبات خود به نمایش گذاشتند. به گفته معترضان، پس از سه سال هنوز اقدامی جهت بازگرداندن اموال آنان انجام نشده است.

شماری از مالباختگان پروژه مسکونی حکیم، برای دومین روز متوالی با در دست داشتن پلاکاردهایی در مقابل بیدادگستری تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، شهروندان معترض با سردادن شعارها، خواستار رسیدگی به این پرونده شدند. معترضان بیان کردند که سرمایه‌های شان در این پروژه از دست رفته اما هیچ مقام مسئولی پاسخگوی آنها نیست.

شماری از شهروندان، مقابل اداره برق شهرستان نجف آباد دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان به قطع مداوم برق اعتراض دارند. آنها با سردادن شعارهای اعتراضی خواستار رسیدگی به مشکلات ناشی از قطعی برق شدند. شهروندان معترض گفتند زندگی، کسب و کار و معیشت شان نابود شده و مسئولان پاسخگوی هیچ چیزی نیستند.

جمعی از اپراتورهای پستهای فشار قوی برق سراسر کشور، مقابل سازمان اداری استخدامی در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نمایندگان این کارگران در خصوص دلایل اعتراض خود اعلام کردند: پرداخت آیتم فوق‌العاده خاص برای کارکنان دستگاهها و شرکتهای دولتی به میزان حداکثر ۲۵ هزار امتیاز تصویب و ابلاغ شده است. در ابتدا شورای حقوق و دستمزد اعلام کرد پرداخت آن به کارکنان، به شرط داشتن قرارداد مستقیم با دستگاهها و شرکتهای دولتی و طرح طبقه‌بندی مصوب سازمان بلامانع است. اما واژه «کارکنان» که شامل کلیه کارکنان دولت اعم از کارمند و کارگر می‌شود، صرفاً به کارمندان رسمی، پیمانی و قرارداد کار معین محدود شد.

جمعی از اهالی بلوار امیرکبیر شوشتر برای اعتراض به عدم اجرای پروژه فاضلاب شهری مقابل اداره آب و فاضلاب این شهرستان در استان خوزستان تجمع کردند.

تجمع خریداران شرکت معین خودرو در اعتراض به بلاتکلیفی و عدم تحویل خودروهای شان مقابل وزارت صمت. این افراد به عدم تحویل خودروهای ثبت‌نامی و خلف وعده مسئولان این شرکت اعتراض دارند. آنها می‌گویند که این شرکت در رابطه با تعهدات خود نسبت به مشتریان تخلفاتی داشته است. این افراد خواستار رسیدگی قانونی و قضایی به تخلفات مورد ادعا هستند.

تجمع اعتراضی خریداران شرکت کوشا خودرو نسبت به بلاتکلیفی و عدم تحویل خودروهایشان.

چهارشنبه ۵ شهریور

شماری از شهروندان ساکن یکی از روستاهای شهرستان کامیاران، دست به تجمع زدند.

براساس ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، این شهروندان در اعتراض به مشکل کم آبی، با دبه‌های خالی مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گفته معترضان، بحران کم آبی ناشی از بی توجهی و کم کاری مسئولان است. همچنین نیازهای اولیه روزانه مردم، مانند دسترسی به آب آشامیدنی، به یک مشکل بزرگ تبدیل شده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۶

* شماری از شهروندان مقابل ساختمان استانداری سیستان و بلوچستان واقع در زاهدان تجمع کردند. به گزارش کمپین فعالین بلوچ، تجمع این شهروندان در اعتراض به مسدود شدن مرز و وضعیت بد معیشتی و اقتصادی صورت گرفته است. بر اساس این گزارش، بیش از چهار ماه است که گذرهای مرزی که تنها راه ارتباطی شهروندان به ویژه مرزنشینان است، بسته شده است.

* جمعی از متقاضیان مسکن ملی آریاشهر پردیس، در محوطه شرکت عمران شهر جدید پردیس دست به تجمع زدند. به گزارش عصر ایران، این متقاضیان خواهان شفاف سازی فوری، تعیین تکلیف واحدها و پاسخ‌گویی رسمی مسئولان ذی ربط هستند. این افراد می‌گویند که باوجود پرداخت ۷۵۰ میلیون تومان برای مسکن همچنان بی‌پاسخ و بلا تکلیف مانده‌اند.

پنجشنبه ۶ شهریور

* کشاورزان منطقه قهدریجان واقع در اصفهان، دست به تجمع زدند. به خبرگزاری قهدریجان، این افراد خواستار دریافت حقایق خود هستند. آنها می‌گویند بی توجهی مسئولان باعث نابودی درختان کهنسال و زمینهای کشاورزی شده است. یکی از کشاورزان معترض گفت: «برق نیست، آب نیست، اقتصاد نابود شده و مسئولان فقط وعده می‌دهند. ما خسته‌ایم».

* شماری از پاکبانان کاشان مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش پایگاه خبری کاشان، تجمع این پاکبانان در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه از حقوق آنها صورت گرفته است. همچنین، این امر مشکلات معیشتی زیادی را برای این کارکنان و خانواده‌های آنها به همراه داشته است.

* طی روزهای اخیر شماری از شهروندان ساکن شهرستان شفت، در مناطق سیاه مزی و گشت رودخان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش گیلان صدر، در روزهای تعطیل ابتدای شهریورماه، عده ای با ماشین آلات سنگین، بدون مجوز، اقدام به جاده کشی در شفت کردند. این اقدام در منطقه سیاه مزی و گشت رودخان شفت جایی که به عنوان منطقه نمونه جهانی ثبت شده، صورت گرفت. مأموران محیط زیست برای جلوگیری از این اقدام وارد منطقه شدند، اما با مخالفت روبه‌رو شدند.

* تجمع جمعی از اهالی محله باغ فیض اسلامشهر در استان تهران در اعتراض به بی برقی، بی آبی و بی اینترنتی.

* تجمع جمعی از اهالی فلکه اول شهر گلستان مقابل اداره این شهردار استان تهران در اعتراض به بی برقی، بی آبی و بی اینترنتی.

* جمعی از اهالی مشهد با تجمع در تفرجگاه کوه پارک واقع در ارتفاعات جنوبی این شهر به اعتراضشان نسبت به طرح مخرب محیط زیستی ساختن بزرگراه در این تفرجگاه ادامه دادند.

شنبه ۸ شهریور

* شهروندان جمال‌آباد شهر لوشان، ورودی استان گیلان، در اعتراض به نبود آب آشامیدنی دست به اقدام شدید زدند و

جاده قدیم را با آتش زدن لاستیک بستند! به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، مشکل آب لوشان چند سالی است پابرجاست؛ باوجود بازدیدها و وعده‌های مکرر مسئولان، هنوز هیچ طرح جامع و عملیاتی برای حل آن دیده نمی‌شود.

* جمعی از کارکنان فروشگاه رفاه در همدان از انجام فعالیتهای خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند. به گزارش هرانا، این کارکنان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه‌ماهه خود اعتصاب کردند. یکی از کارکنان معترض نیز گفت: بیش از سه ماه است که حقوق کارکنان پرداخت نمی‌شود و مدیریت به جای تسویه کامل، وعده‌های متعدد می‌دهد و مساله بحران مالی را مطرح می‌کند.

* اینترنهای علوم پزشکی شهرکرد در محوطه بیمارستان کاشانی تجمع کردند تا خشم و اعتراض خود را نسبت به سومین حادثه ضرب و شتم همکاران‌شان در این بیمارستان نشان دهند. پرستاران و پزشکان جوان می‌گویند امنیت شغلی و جسمی آنها در خطر است و دیگر نمی‌توانند سکوت کنند.



* کارکنان یک فروشگاه زنجیره‌ای در شهریار، در میدان جهاد این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش عصر ایران، این تجمع در اعتراض به تصمیم شهرداری برای تخریب محل کارشان و نگرانی کارکنان از آینده شغلی‌شان صورت گرفته است.

* گروهی از کارگران شاغل در کارخانه سایپا پرس از انجام فعالیتهای روزانه خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای شغلی آنها صورت گرفته است.

* اهالی روستای «پابند» در زنجان با برگزاری تجمع اعتراضی در مسیر کاروان وزیر نیرو، مخالفت خود را با تملک اراضی زراعی برای اجرای طرح نیروگاه خورشیدی اعلام کردند. معترضان تأکید کردند زمینهای کشاورزی تنها دارایی و منبع معیشت آنهاست و حاضر به واگذاری اجباری نیستند.

* جمعی از رانندگان خودروهای سنگین برای اعتراض به توقف دو ماهه کامیونها در خاک افغانستان و بلا تکلیفی در بازگشت و بی خیالی مسئولان دست به تجمع در مرز میلک زدند.

* متقاضیان طرح مسکن ملی در نیشابور، به دلیل یک سال تأخیر در تحویل واحدهای پروژه، مقابل محل پروژه چادر زدند و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند.

یکشنبه ۹ شهریور

* گروهی از کشاورزان و باغداران شهرستان فلاورجان واقع در اصفهان برای سومین روز متوالی با برگزاری تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مربوط به حقایق و بی

توجهی مسئولان که منجر به نابودی درختان کهنسال و زمینهای کشاورزی شده است، برگزار شد.

* تجمع رانندگان آژانس‌های استیجاری شهرداری کرمانشاه در اعتراض به سطح نازل دریافتی، نداشتن امنیت شغلی، شرایط سخت کاری و تهدید به اخراج از کار مقابل استانداری کرمانشاه.

* جمعی از خریداران خودروی چانگان CS55 پلاس برای اعتراض به افزایش قیمت و عدم تحویل خودروهای شان که در اسفند ماه سال گذشته اقدام به ثبت نام کرده بودند مقابل ساختمان معاونت بازاریابی و فروش شرکت سایپا، تجمع کردند.

دوشنبه ۱۰ شهریور

* جمعی از شهروندان و کسبه ساکن بروجرد، مقابل اداره برق این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش روزهای بروجرد، این شهروندان در اعتراض به قطع مکرر و بدون برنامه برق تجمع کردند. به گفته معترضان، خاموشیهای ناگهانی زندگی روزمره را مختل کرده و برای کسب و کارها و خانواده‌ها مشکلات متعدد به وجود آورده است.

سه شنبه ۱۱ شهریور

* گروهی از رانندگان تانکرهای حمل سوخت مقابل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای واقع در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، آنها نسبت به متوقف ماندن خودروهای شان در مرزهای شرقی کشور اعتراض دارند. این رانندگان خواهان برطرف شدن موانع از سوی نهادهای مسئول، برای بازگشت خودروهای شان به کشور هستند.

* جمعی از شهروندان ساکن روستاهای غرب شهرستان کرخه، مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان خواستار تسریع در تکمیل پروژه جاده «پل خسرج» به جاده اصلی در منطقه محل سکونت خود شدند. تجمع‌کنندگان با اشاره به اینکه جمعیت روستاهای این مسیر حدود ۱۵ هزار نفر است، بر لزوم رسیدگی فوری به مشکلات ناشی از ناتمام ماندن این پروژه تأکید کردند.

* شماری از متقاضیان مسکن ملی در شهر فسا در استان فارس، مقابل اداره راه و شهرسازی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، این شهروندان که سالها در انتظار خانه‌های وعده داده شده مانده‌اند، با برپایی چادر مقابل اداره، اعتراض خود را نسبت به عدم ارائه تسهیلات دولتی و توقف پیشرفت پروژه اعلام کردند. همچنین، دو هفته پیش نیز تعدادی از متقاضیان در برابر استانداری فارس تجمع کرده بودند و استاندار وعده داده بود ظرف یک ماه پیگیری کند؛ وعده‌ای که تاکنون عملی نشده است.

* تجمع جمعی از اهالی فارس در اعتراض به بی حرمتی به هویت، زبان و فرهنگ لرها مقابل اداره کل فرهنگ و ارشاد این استان.

* تجمع مال باختگان شهرک مسکونی مهستان شهریار در اعتراض به بلا تکلیفی ۱۴ ساله؛ تهدید حق طلبان به بازداشت از طرف دادستان شهریار. مقامات قضایی این مالکان را تهدید کرده‌اند که چنانچه به شکایت و تجمع هفتگی خود ادامه دهند، بازداشت خواهند شد. بر اساس این گزارش، تجمع این شهروندان با دخالت نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد. * فیلم کوتاهی از تجمع تاکسیداران زاهدان نسبت به قطع کارت سوخت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. به گزارش

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۷

حال وش، این اقدام اعتراضی در پی قطع ناگهانی کارتهای سوخت بدون اطلاع رسانی قبلی صورت گرفته و باعث سردرگمی رانندگان شده است. تعدادی از رانندگان تأکید کردند که هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا هشدار قبلی در مورد مسدود شدن کارتها انجام نشده و تاکنون نیز پاسخی روشن به اعتراضات آنها داده نشده است.

*اهالی روستای اندریان در ورزقان آذربایجان شرقی در اعتراض به فعالیتهای تخریبی معدن طلای اندریان دست به تجمع زدند. مردم فریاد می‌زنند: «معدن گره باغلانا» [معدن باید بسته شه] به گزارش گزارش آرازیوز، معدن اندریان در محدوده‌ی ۱۲۰ هکتار منطقه ای کوهستانی و مشرف به روستاهای اندریان، آستاراگان، میوه رود، جوانان گرو، جاجیلار، طرزم و گل آخور است که در نزدیکی جنگل‌های ارسباران دیزمار واقع شده. استفاده بهره برداران این معدن از سیانور (به دلیل کم‌هزینه بودن آن) در فرایند استخراج و عدم رعایت الزامات زیست محیطی باعث آلودگی گسترده‌ی آب‌های سطحی و زیرزمینی منطقه شده و دام‌های بسیاری پس از چرا در نزدیکی معدن تلف شدند.

چهارشنبه ۱۲ شهریور

*جمعی از فعالان محیط زیست در ایلام با برگزاری مراسم آیینی «چمر» و نوا سرنوا و دهل، در حرکتی نمادین به عنوان سوگواری برای درختان بلوط با شعار «فریاد بلوط» دست به اعتراض زدند. به گزارش کردپا، این اقدام شهروندان، در اعتراض به عدم حفاظت از منابع طبیعی و پوشش گیاهی از جمله درختان بلوط صورت گرفته است. فعالان محیط زیست ایلام در این حرکت نمادین، نابودی بلوطها را نه صرفاً یک فاجعه زیست‌محیطی، بلکه ضایعه ای فرهنگی و اجتماعی دانستند و تأکید کردند: «نجات زاگرس و بلوطهایش، نجات زندگی ماست.» انتخاب این آیین برای جنگلهای بلوط، نشان‌دهنده جایگاه این درختان در زندگی مردم زاگرس است؛ درختانی که همچون عزیزان از دست رفته، باعث سوگ انسانها است.

پنجشنبه ۱۳ شهریور

*تعدادی از شهروندان ساکن روستای باقرآباد از توابع اردستان از استان اصفهان، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اردستان زیبا، تجمع این شهروندان در محل معادن خاک، شن و ماسه احداث شده در این منطقه صورت گرفته است. معترضان از فعالیت این معادن گلایه دارند و بر این باورند که گردوغبار و آلودگی ناشی از آن، زندگی روزمره و سلامت محیط اطراف را تحت تأثیر قرار داده است. این شهروندان پیشتر نیز اعتراض خود را در شهرستان‌های اردستان، برخوار و اصفهان مطرح کرده‌اند. آنها می‌گویند تاکنون از سوی مسئولان توجهی به مطالبه آنها نشده است.

*برای سومین روز متوالی، کارگران کارخانجات سایپا آذربایجان و سمکو (semet-co) واقع در تبریز جاده صنعتی غرب (قراملک) به اعتصاب شان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق وحق بیمه ادامه دادند.

*کارگران فضای سبز شهرداری ایذه در استان خوزستان از کنشهای دامنه دارشان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع

حقوق و حق بیمه منجمه چندبار تجمع خبردادند. به گزارش کارنامه جنوب، کارگران فضای سبز شهرداری ایذه از روزی که شهردار فعلی سکان شهرداری را به دست گرفته یک روز خوش نیده ایم و شرایط ما روز به روز بدتر می‌شود. الان بیش از دوماه هست که حقوقی دریافت نکرده‌ایم. چندین بار هم تحصن کرده‌ایم و در مقابل هر اعتراض تهدید به اخراج شده ایم.

شنبه ۱۵ شهریور

*جمعی از مالباختگان شرکت فرهان دیزل آریا مقابل بیدادگاه جرایم اقتصادی در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، متقاضیان خرید خودروهای این شرکت گفتند که باوجود پرداخت مبالغ هنگفت، تاکنون خودرویی دریافت نکرده و ماههاست که از مراجع قضایی خواستار رسیدگی به مشکلات خود هستند. این شرکت به مدیریت مهسا حسن زاده، که پیش‌تر در همایشی با حضور عباس عراقچی و جمعی از مقام‌های دولتی به عنوان «جوان ترین کارآفرین کشور» تجلیل شده بود، اکنون با اتهام کلاهبرداری گسترده مواجه است.

یکشنبه ۱۶ شهریور

*دهها تن از اعضای تعاونی های موسوم به «۳۳ گانه» در اعتراض به چند دهه بلاتکلیفی خود، مقابل ساختمان مجلس رژیم در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، به گفته معترضان، دولت از حدود ۴۰ سال پیش باوجود دریافت مبالغی از کارمندان به‌منظور واگذاری زمین، نه مجوز ساخت و ساز در زمینهای واگذار شده را صادر کرده و نه اراضی دیگری را به عنوان جایگزین این زمینها به کارمندان تخصیص داده است.

*برای دومین روز متوالی، تعدادی از داوطلبان آزمون گواهینامه و بورد تخصصی پزشکی مقابل ساختمان وزارت بهداشت در تهران دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، جزییات بیشتری در خصوص مطالبات این افراد اشاره ای نشده است.

*گروهی از شهروندان مقابل فرماندهی تیپ سلمان وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران در زاهدان دست به تجمع زدند. به گزارش حال وش، تجمع این شهروندان در اعتراض به بسته شدن گذرگاه مرزی روتک و تأثیرات منفی آن بر معیشت اهالی این منطقه صورت گرفته است.

*در ادامه اعتراضها پیرامون بی‌حرمتی به هویت، زبان و فرهنگ لرها در سریال نمایش خانگی سووشون، جمعی از اهالی یاسوج دست به تجمع مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند و از عوامل و سازندگان این مجموعه خواستند که به صورت رسمی عذرخواهی کنند.

*تجمع جمعی از داوطلبان ورود به حرفه مهندسی در اعتراض به عدم اعمال ارفاق کرونایی مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی. آنان خواستار بازگرداندن ارفاق کرونایی (ارفاقی که در دوران کرونا و سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هم اعمال شد) برای کسب نمره قبولی شدند.

دوشنبه ۱۷ شهریور

*گروهی از مالباختگان رامک خودرو مقابل دفاتر این شرکت، دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این افراد که بیش از ۹ سال پیش برای خرید خودرو از این شرکت اقدام کرده‌اند، همچنان خودروهای خود را دریافت نکرده‌اند، به گفته معترضان،

رامک خودرو که اجازه فعالیت ندارد، با نامی جدید فعالیت های خود را ادامه می‌دهد. آن‌ها در این تجمع احقاق حق خود را مطالبه کردند.

*متقاضیان مسکن ملی در اصفهان، مقابل درب استانداری تجمع کردند تا اعتراض خود را به عدم تحویل مسکن دولتی طی ۶ سال و نبود شفافیت در قیمت‌ها نشان دهند. شهروندان می‌گویند به عملکرد مدیران اعتراض دارند که سالهاست مبالغی را از آنان گرفته و خانه ای تحویل نداده اند و مبالغ بیشتری درخواست می‌کنند. آنها ناکارآمدی وزارت مسکن و دیگر نهادهای مسؤول در برنامه ی مسکن ملی و انجام نشدن تعهدات در برابر متقاضیان را مشکل اصلی خود می‌دانند.

*ادامه اعتراض به بی‌آبی، بی‌برق و بی‌انترنتی در کشور با تجمع اهالی بخش لاله آباد شهرستان بابل مقابل اداره آب این بخش در استان مازندران.

*تجمع جمعی مالکان زمینهای هوانیروز بیستون کرمانشاه نسبت به بلاتکلیفی ۱۵ ساله مقابل اداره راه و شهرسازی استان.

*تجمع شماری از زیان دیدگان پرونده انبوه سازان شفق، مروراید و نگین غرب در بلوار کشاورز مقابل ستاد مرکزی قوه قضائیه.

سه شنبه ۱۸ شهریور

*اعتصاب کارگران شرکت پیمانکاری بین المللی آباد راهان پارس بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و تهدید کارگران حق طلب به اخراج از کار.

*به گزارش هرانا، جمعی از شهروندان با خواست اصلاح قانون مهریه، به ویژه حذف مجازات حبس برای بدهکاران، مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران تجمع کردند.

*جمعی از تورکهای قاشقایی در چهارراه حافظیه شیراز تجمع کردند تا اعتراض خود را به تحریف هویت و اهانت به جامعه قاشقایی فریاد بزنند. به گزارش تلگرام اعتراض مدنی بازار، این تجمع، نماد خشم فروخورده و اعتراض علیه تبعیض و بی‌احترامی مسئولان و نهادهای ذی‌ربط است.

چهارشنبه ۱۹ شهریور

*گروهی از کارگران شرکت آلومینیوم سازی اراک برای دومین روز متوالی در محوطه این کارخانه دست به تجمع و تحصن زدند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده به عدم اجرای صحیح و عادلانه‌ی طرح طبقه بندی مشاغل، کار زیاد، کمبود نیرو و قطع مکرر برق که مشکلات زیادی را برای آنها به وجود آورده معترض هستند.

آدینه ۲۱ شهریور

*گروهی از اهالی ریگ ملک شهرستان میرجاوه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش کمپین فعالان بلوچ، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم بازگشایی مرز روتک جاده اصلی این منطقه را با آتش زدن لاستیکها مسدود کردند. معترضان با مسدود کردن مسیر اصلی، نسبت به سیاست‌های مرزی سپاه پاسداران و استانداری سیستان و بلوچستان اعتراض کرده‌اند. یک شهروند: «اگر مرز را باز نکنید ما هم سکوت نمی‌کنیم. اگر می‌خواهید امنیت این منطقه حفظ شود، باید فکری به حال اشتغال مردم بکنید. آب این منطقه را به جاهای دیگر انتقال دادید، کشاورزی از بین رفته و هیچ شغلی برای مردم باقی نمانده است. ما نمی‌گذاریم امنیت

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۸

داشته باشید اگر مسیره‌های را باز نکنید ما نان شب نداریم». *شماری از دوست داران محیط زیست و اهالی منطقه طرورود نطنز مقابل یکی از معادن این منطقه دست به تجمع زده و زنجیره انسانی تشکیل دادند. به گزارش هرا، این اقدام در اعتراض به فعالیت مخرب معادن برای محیط زیست این منطقه صورت گرفته است. اهالی طرورود در سال‌های پیش نیز در ارتباط با پیامدهای زیست محیطی ناشی از فعالیت معادن در این منطقه دست به تجمع زده بودند.

*تعدادی از کارگران شهرداری کنارک مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این مجموعه، نسبت به شرایط شغلی و معیشتی خود اعتراض شان را ابراز کرده و گفتند: اختلافات برخی مدیران در ماههای اخیر، موجب شده فشارهای معیشتی وارده برای ما قابل تحمل نباشد. ما کارگران از تبعیض و بی‌عدالتی خسته ایم. *شماری از متقاضیان ورود به حرفه مهندسی کشور، طی هفته گذشته مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این افراد نسبت به روند برگزاری و سوالات آزمون ورود به حرفه مهندسی و همچنین حذف قانون قبولی مشروط در این آزمون معترض بوده و خواهان رسیدگی مسئولان به این موضوع هستند.

چهل و شش روز اعتصاب غذا و تجمع کارگران شرکت آلومینیوم اراک



چهار هزار کارگر شرکت آلومینیوم‌سازی اراک (ایرالکو) در اعتراض به پایمال شدن حقوق و مطالبات برحق و قانونی خود، با اعتصاب غذا دست به اعتراض زدند. کارگران شرکت بزرگ و کلیدی ایرالکو (آلومینیوم اراک) با توجه به تعطیلی و سرنوشت غمبار بسیاری از کارخانجات در اراک از جمله کارخانه تولید دکلهای برق فشارقوی، شرکت کابل سازی تک، شرکت المرو و... و به ویژه سیاستهای مخربی که مجیدی مدیر عامل کنونی شرکت در اداره آن به کار گرفته است، نگران به ورشکستگی کشاندن و اضمحلال و نابودی این شرکت بزرگ و معظم هستند. کارگران آلومینیوم سازی اراک اعلام کرده اند، پیام ما کوتاه و روشن است:

هرگونه فشار و مانع تراشی، عزم راسخ ما را در پیگیری حقوق تضییع شده تضعیف نخواهد کرد. ما مصمم هستیم تا این مطالبات به سرانجام برسد:

۱- قطع همکاری با مدیریت عامل فعلی به دلیل بحران سازی، مدیریت ناکارآمد و ایجاد چالشهای غیرضروری.

۲- بازنگری فوری و اصولی طرح طبقه‌بندی مشاغل به دلیل اختلاف شدید و غیرمنطقی دستمزدها بین سطوح مختلف.

۳- زمان بندی عملیاتی مؤثر برای تعمیرات اساسی دیگهای تولید و اورهال جرثقیلهای سقفی، همراه با شفافیت کامل درباره استهلاک تجهیزات. بقای شرکت به این زیرساخت وابسته است و ما با جان و دل از آن محافظت خواهیم کرد. خاموشی ایرالکو را هرگز تحمل نخواهیم داد.

۴- احیای کارگاههای ریخته‌گری و بازگرداندن بازار آلیاژی به مدار تولید.

۵- اصلاح ساختار سازمانی جدید با حفظ تمامی نیروها (هیچ تعدیلی پذیرفته نیست).

۶- ابطال آییننامه های یک جانبه تصویب شده توسط مدیریت.

۷- محاسبه شفاف و دقیق افزایش تولید و ارائه گزارش به کارکنان.

۸- بررسی دقیق کسر مالیات از حقوق کارگران و شفاف‌سازی کامل.

۹- احیای کلیه حقوق از دست رفته کارگران، چرا که تمام بندهای فوق حق مسلم ماست.

روز سه شنبه ۱۸ شهریور، به دنبال بی‌توجهی های مدیریت شرکت به خواستههای خود و دروغ پردازیهای رئیس اداره کار استان مرکزی در مورد رسیدگی به خواستههای شان، تجمعی متحده و پرشور در محوطه شرکت برگزار کردند.

روز چهارشنبه ۱۹ شهریور، به دنبال حضور فرماندار اراک در میان کارگران معترض شرکت آلومینیوم اراک و وعده های مختلف برای رسیدگی به خواستههای آنان، نیروهای پلیس امنیت تهران با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران و در هم شکستن اعتصاب غذای آنان وارد کارخانه شدند.

روز شنبه ۲۲ شهریور، اعتصاب غذای کارگران این شرکت بزرگ صنعتی وارد چهل و ششمین روز خود شد.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، صبح روز آدینه، اعضای شورای شرکت آلومینیوم اراک پس از احضار به اداره اطلاعات سپاه، وادار به حضور در کارخانه شدند تا هم اعضای شورا و هم کارگران را مجبور به پایان اعتصاب غذا کنند.

شنبه ۲۲ شهریور

*جمعی از کشاورزان در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، تجمع این کشاورزان مقابل ساختمان وزارت کشور و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان صورت گرفته است.

*براساس فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، اعتراض کشاورزان غرب اصفهان در اعتراض به عدم اختصاص حقایبه و وعده های توخالی مسئولان با سفر جمعی به تهران مقابل وزارت کشور تجمع کردند.

*تعدادی از رانندگان کامیون مقابل ساختمان اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای خراسان رضوی در مشهد دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند.

به گزارش هرا، تجمع این رانندگان در اعتراض به توقف چندین ماهه خودروهای شان در خاک کشور افغانستان صورت گرفته است. به گفته رانندگان معترض، توقف کامیون‌ها، خسارات مالی و مشکلات معیشتی زیادی را برای آنها به بار آورده است.

یکشنبه ۲۳ شهریور

*شماری از کارکنان دفتر سهام عدالت، دستکم از ۲۰ استان و شهرستان مختلف به تهران رفتند و مقابل ساختمان وزارت

تعاون، کار و رفاه اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، اکثر این کارکنان از افراد دارای معلولیت، زنان سرپرست خانوار تحصیل کرده و مددجویان کمیته امداد و بهزیستی هستند. تعیین وضعیت شغلی پس از ۱۹ سال بلاکلیفی، پرداخت فوری و بی‌قیدوشرط معوقات حقوقی و بیمه‌ای ۲۷ ماهه خود و همچنین رسیدگی به مصوبات اخیر شورای عالی بورس در رابطه با سهام عدالت، از جمله مطالبات این کارکنان است.



*شهروندان روستای فیروزآباد برای اعتراض به بیکاری، تأثیرات مخرب محیط زیستی صنایع و مشکل شبکه سازی ۲ هزار و ۷۰۰ متر آب کشاورزی و بی‌توجهی مسئولان دست به تجمع زدند. به گزارش کبنا نیوز، یکی از تجمع کنندگان گفت: موضوع آلاینده‌های این کارخانه بارها به مسئولان گزارش شده، اما به خاطر بده بستان هایی که بین مسئولان کارخانه و مسئولان ادارات است، هیچ اقدامی صورت نگرفته است. منابع طبیعی و درختان بلوط ما به خاطر آلودگی و آلاینده‌های نیز به شدت آسیب دیده و کسی توجهی ندارد.

دوشنبه ۲۴ شهریور

*گروهی از رزیدنت‌ها و پزشکان مقابل وزارت بهداشت صف کشیدند: گواهینامه ما را سلاخی نکنید! به گزارش تلگرام کنشگران حقوق بشر ایران، این پزشکان جوان می‌گویند تصمیم‌های غیرمنصفانه وزارتخانه ماههاست امید و آینده آنها را تحت فشار قرار داده است. یکی از معترضان با صدای بلند گفت: «اینجا ما فقط از گواهینامه حرف نمی‌زنیم؛ این، سلاخی امید است.»

*گروهی از مالباختگان کوشا خودرو در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان با گذشت بیش از یک سال از موعد قرارداد، کماکان خودروهای خود را تحویل نگرفته‌اند.

*شماری از کارکنان زامیاد خودرو دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت معوقات رفاهی چند ماهه از قبیل پاداش، جیره نقدی و ارزاق عمومی و همچنین قطع اضافه کاری‌ها صورت گرفت.

*گروهی از بیماران و همراهان آنان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، این معترضان در اعتراض به کمبود دارو، مقابل سازمان غذا و دارو، دست به این تجمع زدند.

*نیروهای مسلح جمهوری اسلامی معترضان به تداوم پروژه معدن طلای "قلقله" سقر را هدف رگبار گلوله قرار دادند که در نتیجه آن محمد رشیدی کشته و سه شهروند دیگر با اسامی رامیار رشیدی، محمد رشیدی و هیمین رشیدی به شدت زخمی شدند. به گزارش هه‌نگاو، پیکر محمد رشیدی به بیمارستان بانه منتقل شده و زخمی‌شدگان نیز جهت مداوا در همین بیمارستان تحت مراقبت پزشکی قرار دادند و وضعیتشان

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۹

وخیم است. بیمارستان صلاح الدین ایوبی در شهر بانه، توسط شمار قابل توجهی از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی احاطه شده و اجازه ملاقات و بازدید به مراجعه‌کنندگان داده نمی‌شود.

تداوم پروژه معدن طلای قولقوله در حالی است که چندین بار تجمع اعتراضی علیه آن شکل گرفت و فعالان زیست محیطی و کشاورزان متضرر از آن، طومارهایی را برای متوقف ساختن امضا کردند و به نهادهای حکومتی ارائه دادند.

*دو هزار تن از کارگر معادن زغال سنگ زرنند و کوهبنان در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق مردادماه، دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، با گذشت بیش از نیم ماه از موعد پرداخت حقوق کارگران زغالسنگ در زرنند و کوهبنان، همچنان تأخیر در پرداخت حقوق مردادماه موجب نارضایتی و مشکلات گسترده برای خانواده‌های این کارگران شده است. هم‌زمانی این تأخیر با آغاز سال تحصیلی، فشار مضاعفی بر خانواده‌ها وارد کرده است.

*تجمع کارگران فضای سبز شهرداری ایزده در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق مقابل فرمانداری و شهرداری این شهر. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: هیچ کس صدای ما را نمی‌شنود، سه ماه می‌شود که حقوقی دریافت نکرده ایم. به هر کجا که می‌رویم جواب قانع‌کننده‌ای دریافت نمی‌کنیم. آنها افزودند: مهرماه هم رسید ولی شهرداری ایزده مطالبات ما را پرداخت نمی‌کند. با چه رویی به خانه برویم. چرا شورای شهر، فرماندار و نماینده فکری برای حل مشکل ما نمی‌کنند.

*شهروندان روستای آپچیرک گجساران برای اعتراض به بیکاری و تأثیرات مخرب محیط زیستی صنایع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کینا نیوز، جوانان روستای آپچیرک نسبت به تبعیض و بی‌عدالتی و پارتی بازی در بکارگیری نیرو در پتروشیمی و پروژه خط لوله و همچنین نسبت به اینکه خطوط لوله‌های آب و گاز، پتروشیمی گجساران و پتروشیمی دهدشت و همچنین دکل برق باعث تخریب منابع و زمین‌های کشاورزی این روستا شده است اعتراض کردند.

سه شنبه ۲۵ شهریور

*همزمان با سومین سالگرد جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی در بازداشت، شماری از کسبه و بازاریان در سقز اقدام به اعتصاب کردند. به گزارش کردپا، این شهروندان، از حضور در محل کسب و انجام فعالیت‌های روزانه در واحدهای تجاری خود امتناع کردند. در شهر دیواندره نیز، بازاریان و کسبه از حضور در محل کسب خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند.

*تجمع متقاضیان مسکن ملی کشور در رشب برای اعتراض به افزایش قیمت و عدم تحویل واحدها مقابل استانداری گیلان.

چهارشنبه ۲۶ شهریور

*جمعی از رانندگان تاکسی چابهار، در اعتراض به قطع شدن سهمیه سوخت خودروهایشان مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، رانندگان تاکسی با بیان این‌که قطع شدن سهمیه سوخت موجب اختلال جدی

در فعالیت روزانه آنها شده است، خواستار پیگیری فوری مسئولان و تأمین سهمیه لازم شدند. به گفته معترضان، ادامه این وضعیت مشکلات معیشتی آنان را تشدید کرده و بر خدمات حمل‌ونقل شهری نیز تأثیر منفی گذاشته است.

آدینه ۲۸ شهریور

*بار دیگر شماری از مالباختگان پرونده کثیرالشاکی پروژه مسکونی حکیم مقابل این پروژه در تهران، تجمع و چادر برپا کردند. به گزارش هرانا، معترضان گفتند، سال‌هاست وعده‌های پوچ و جلسات بی‌نتیجه شنیدیم. سال‌هاست نام‌هایی مثل علی نامداری، گلپایگانی و قالیباف در پشت پرده این غارت می‌چرخند و پرونده‌ها به خاطر رانت و زدوبند خاک می‌خورند. در همین مدت، ما آواره شدیم، مستأجر شدیم، بی‌خانمان شدیم.

*مردم شهر علویچه در اعتراض به تخریب کوه‌های این منطقه تجمع کردند.

شنبه ۲۹ شهریور

*جمعی از فعالان صنف تجهیزات پزشکی و بیمارستانی مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دست به تجمع زدند. به گزارش نصر نیوز، تجمع این فعالان صنفی در اعتراض به عدم تسویه حساب یا تأخیر در پرداخت‌های بیمارستان‌ها صورت گرفته است. به گفته این معترضان، تأمین تجهیزات پزشکی در شرایط تحریم و نوسان شدید نرخ ارز کاری دشوار و پرهزینه است. در چنین شرایطی بی‌تهدی بیمارستان‌ها در پرداخت به‌موقع هزینه خریدها، این صنف را با مشکلات جدی اقتصادی روبه‌رو کرده است.

*گروهی از حواله‌داران خودرو شاهین مقابل ساختمان فروش شرکت سایپا در جاده مخصوص کرج، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، تجمع این شهروندان در اعتراض به طولانی شدن تحویل خودروی شاهین توسط این شرکت و عدم پاسخگویی مسئولان مربوطه صورت گرفته است.

*کارگران شرکت فولاد غدیر در شهرستان بهاباد از انجام فعالیت روزانه امتناع کردند و دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق به مدت چهار ماه صورت گرفته است. این کارگران می‌گویند: چهار ماه بدون پرداخت حقوق، یعنی چهار ماه دزدی از زندگی ما.

*جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن شاهرود مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، تجمع این کارگران در اعتراض به نبود امنیت شغلی و پرداخت نشدن چهار ماه حقوق و شش ماه حق بیمه آن‌ها صورت گرفت. به گفته کارگران، این کارخانه در حال حاضر به دلیل مشکلات ناشی از کمبود و قطعی‌های مکرر برق تعطیل شده است.

*تجمع شهروندان محله مآشیه اهواز در اعتراض به وضعیت عمرانی و زیرساخت‌های نامناسب و زمین‌خواری.

*کشاورزان ۱۵ روستای پلدشت مقابل فرمانداری تجمع کردند. در چند قدمی‌شان رود ارس جاری است اما مزارع شان خشکیده. انتقال آب سد کرم‌آباد به شوط، بدون رعایت حقایق تاریخی، معیشت هزاران خانواده را به نابودی کشانده است. کشاورزان هشدار می‌دهند: اگر حق‌آبه قره‌سو بازنگردد، اعتراضات گسترش خواهد یافت و مسئولیت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بر عهده متولیان است.

یکشنبه ۳۰ شهریور

*جمعی از اهالی شهر بیدخت از توابع شهرستان گناباد، در اعتراض به عدم راه اندازی مجدد بیمارستان ۱۵ خرداد این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش تسنیم، مردم شهر بیدخت گناباد چند سال است که به تعطیل شدن بیمارستان ۱۵ خرداد این شهر اعتراض دارند. شهروندان معترض خواستار بازگشایی مجدد این بیمارستان که اکنون به یک خوابگاه دانشجویی تبدیل شده، هستند.

*جمعی از اهالی فاز ۲ خاوران تبریز نسبت به بلاتکلیفی ۳۰ ساله و برخورد شهرداری این کلانشهر مقابل عمارت ساعت، تجمع کردند و خواهان پاسخگویی مسئولان شدند.

دوشنبه ۳۱ شهریور

*شمار کلانی از کارگران گروه صنعتی فولاد اهواز برای دهمین روز متوالی دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران با اشاره به عدم پرداخت حقوق مردادماه و پایین آمدن سطح تولید کارخانه، اظهار کردند: بانک ملی هنوز تصمیمی برای پرداخت حقوق نگرفته و از شرکت خواسته است تا سود سهام خود در برخی شرکت‌ها را دریافت کند، اما هنوز این موضوع محقق نشده است.

کارگران گروه ملی فولاد با نهایت خشم و اعتراض اعلام کردند:

شرایط فعلی شرکت نتیجه سالها سومدیریت، فساد مالی و اخلاقی، و بی‌توجهی کامل مدیران و مسئولان ذی‌ربط است. خطوط تولید عملاً متوقف شده، حقوق حدود دو ماه موقوم مانده، و خانواده‌های ما در آستانه فروپاشی معیشتی قرار دارند. مطالبات ما روشن و غیرقابل مذاکره است:

اول: پرداخت فوری و کامل حقوق‌های موقوم.

دوم: شفاف سازی مالی و برخورد قاطع با عناصر فاسد.

*جمعی از اهالی شهرستان میرجاوه مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش حال وش، دلیل این تجمع بسته بودن گذر مرزی رونک عنوان شده است؛ گذری که نقش مهمی در دادوستد و تأمین معیشت مردم منطقه دارد.

*گروهی از پزشکان خانواده مقابل دانشکده علوم پزشکی ساری دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این پزشکان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی صورت گرفته است.

*تاکسیرانی مشهد همچنان در وضعیت بحرانی قرار دارد. رانندگان تاکسی ون برای چندمین بار، درست چند ساعت مانده به آغاز سال تحصیلی جدید، مقابل ساختمان شورای شهر مشهد تجمع کردند. به گزارش طلپعه، اعتراض آنها به تداوم مشکلات جدی سرویس مدارس است؛ مشکلاتی که سال گذشته نیز باعث نارضایتی گسترده خانواده‌ها و رانندگان شده بود، اما تا امروز هیچ اقدام موثری برای رفع آنها صورت نگرفته است.

*شماری از کارکنان و کارمندان حوزه ستادی وزارت نیرو در ساختمان نیایش، اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش برق نیوز، معترضان با اشاره به پایین بودن سطح دستمزدها و عدم لحاظ بسیاری از آیتم‌های مزایای مزدی توسط کارفرما، نسبت به وضعیت ناعادلانه حقوق و مزایا و تبعیض در پرداخت دستمزدها که ناشی از وجود قراردادهای متعدد و چندگانه است، اعتراض خود را اعلام کردند.

*جمعی از مهندسان ساختمان استان تهران برای اعتراض به فساد و تصمیمات یکجانبه و غیرحرفه‌ای سازمان نظام

جنبش رنگین کمان بیشماران مرضیه؛ خیانگ آزادی غلامی که به جای گلاهِ، سر آورد

بقیه از صفحه ۳۰

مهندسی ساختمان مقابل ساختمان این نهاد در پایتخت تجمع کردند. به گزارش تین نیوز، یکی از مهندسان حاضر در این تجمع گفت: امروز نمایندگان از اعضای حقوقی و همچنین اعضای حقیقی عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان تهران در این تجمع اعتراضی حضور یافته اند تا مطالبه گر، حق و حقوق قانونی خود از مسئولان سازمان باشند.

در باره خصلت شعارهای سرداده شده در کف خیابان

بررسی شعارهای نیروهای کار که در کُنشهای اعتراضی شان در ماه شهریور در کف خیابان سرداده شده، خصوصیت این حرکتها اعتراضی را نشان می دهد که کُنش اعتراضی نیروهای کار به خواسته های صنفی محدود نشده و دارای جهت گیری سیاسی و اجتماعی هم هست. بسیاری از این شعارها از جمله «زندانی سیاسی زندانی آزاد باید گردد»، «نه مجلس نه دولت نیستن به فکرملت»، «دشمن ما همین جاست...» و... جهت گیری ضد رژیم دارد. همچنین شعارهای بسیاری وجود دارد که بیان همبستگی میان نیروهای کار است. برخی از مهمترین شعارها را در زیر می خوانید:

«زندانی سیاسی زندانی آزاد باید گردد/ نه نه نه به اعدام/ مسعود فریخته آزاد باید گردد/ کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد/ معترض زندانی آزاد باید گردد/ بازنشسته زندانی آزاد باید گردد/ معلم کرمان حمایت می کنیم/ معلم کردستان حمایت می کنیم/ فقط کف خیابون به دست میاد حقمون/ اتحاد اتحاد علیه فترت و فساد/ با مکانیزم ماشه سفره خالیتر میشه/ غنی سازی زندگی حق مسلم ماست/ آب برق زندگی حق مسلم ماست/ جنگ افزوری کافیه سفره ما خالیه/ دلار وارز مال شما شلیک ماشه مال ما/ دشمن ما همین جاست دروغ میگرد آمریکاست/ تورم گرانی نه به جنگ و ویرانی/ ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه/ نه مجلس نه دولت نیستن به فکرملت/ مدعی عدالت تا کی دروغ به ملت/ مدعی عدالت خجالت خجالت/ حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون/ هیولای تورم افتاده جان مردم/ زیربارستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم درره آزادی ننگ براین زندگی مرگ براین بندگی/ بازنشسته دادبزن حق تو فریاد بزن/ فریاد فریاد از این همه بیداد/ عدالتی ندیدیم فقط دروغ شنیدیم/ ستاد فرمان امام؛ مخابرات و برده، حق ما هارو خورده/ مسئول بی لیاقت استعفا استعفا/ مخابرات رها شده اسیر قلدرها شده/ دلار ۱۰۰ هزاری، پزشکijan کجایی/ حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته/ آلومینیوم اراک، حمایت می کنیم/ دولت سرسپرده فقر و فساد آورده/ درمان رایگان حق مسلم ماست/ معیشت منزلت حق مسلم ماست/ کشور پردرآمد چه برسر توآمد/ ایران پردرآمد مسئول بی لیاقت چه برسر توآورد/ ننگ ننگ ما صدا و سیما می ما».

بقیه از صفحه ۲۰

او وصیت کرده بود که در گورستان «ظهیر الدوله» دفن شود، اما به وصیتش عمل نشد و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد. در کتاب «صد بزرگ در فرهنگ و ادب و هنر»، (تدوین و گردآوری، حسن خواجگاهی، انتشارات نادریان، سال ۱۴۰۴ صفحات ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹ و ۲۱۰) نقل قولها و جملاتی از استاد بنان آمده است که به طور کامل ذکر می شود:

- استاد بنان: «کلنل وزیر می مرا به موسیقی کشاند؛ اما استعداد مرا روح الله خالق شناخت و تشویق کرد... من از آثاری که ساده بود و سریع به نتیجه می رسید، فراری بودم و دوست داشتم آثاری را بخوانم که هارمونی داشته باشد؛ مشکل باشد؛ و روی آن زحمت کشیده شده باشد... من حتی یک شاهی از هنر استفاده مادی نمی کنم... اگر می خواستم برای پول بخوانم، قطعاً این نمی شدم که هستم... موسیقی ما، زبان ماست؛ ادبیات ماست؛ و این را باید حفظ کنیم... و از حالت حزن و اندوه و یک نواختی خارجش کنیم... اروپاییان کار کرده اند، ولی ما کار نکرده ایم».

- ابوالحسن صبا: «برخی تحریرها را فقط بنان می توانست بخواند».

- روح الله خالق: «صوت بنان لطیف ترین صدایی است که در عمر خود شنیدم. در تصنیفهایش می بینم که شکستن کلمه، نایجا خواندن، درنگ یا شتاب، حتی یک بار هم دیده نمی شود... اینجاست که هنر تبلور پیدا می کند و بنان، در صدر می نشیند».

- علی تجویدی: «ترانه ای - مرا عاشقی شیدا - را، هیچ خواننده ای توان اجرا نداشت، جز بنان...».

- فرامرز پایور: «بنان یگانه، و نقطه عطفی در آواز ایران و در اشعار و تلفیق آن با موسیقی بود؛ حتی استادان همزمان او، مانند طاهرزاده و اقبال آذر، از این هنر او بی بهره بودند».

- محمدرضا شجریان: «روزی استاد بنان به من گفت تأکید ناهجا روی کلمات نداشته باشم و همان گونه که حرف می زرم آواز بخوانم چرا که کشش های بی جا، باعث می شود شعر از فرم درست خود خارج شود».

[۴] احمد شاملو

منصور امان

نزدیک به شش ماه پس از انفجار مهیب بندرعباس، دستگاه قضایی ج.ا یا ارائه یک لیست طولانی، چند وزارتخانه، سازمان دولتی، اداره، یک نهاد و نیز بانک مرکزی را به عنوان گناهکاران اصلی معرفی کرد. در میان عوامل برشمرد شده توسط آخوند غلامحسین اژه ای، نام متهم اصلی یعنی سپاه پاسداران، دیده نمی شود.

پایان داده شدن به سکوت طولانی و هماهنگ مراجع رسمی و رسانه های حکومتی در باره این انفجار، نشانگر تلاش رژیم ولایت فقیه برای بستن این پرونده و بایگانی کردن آن است. در شرایطی که حاکمیت به دلیل تحمیل یک جنگ ناخواسته به جامعه، زیر ضرب آن قرار دارد و با تمام توان می کوشد بحران خودساخته خارجی اش را یک امر «ملی» و بی طرفی یا حمایت از خود در مواجهه با پیامدهای آن را «دفاع از میهن» جلوه دهد، مصلحت خویش را در آن می بیند که بار انفجار بندرعباس را از دوش برداشته و موضوع را فیصله بخشد. این امر به ویژه از آن رو برای رژیم خامنه ای اهمیت دارد که در چشم جامعه متهم ردیف اول، بازوی اصلی جنگ افزوری و تنش آن است و این امر تلاش برای تبدیل مردم به همدست یا پشت جبهه این نیروی مخرب را از آنچه که هست دشوارتر می سازد. بنا به آمار آرایش شده حکومت، انفجار بندرعباس بیش از هفتاد کشته و ۱۳۰۰ زخمی به جا گذاشته است و حال «نظام» کمر بسته تا بر نام قربانیان خط بکشد تا هویت قاتلان آنها نیز که با هر نام آمیخته است، محو شود.

نتیجه این تلاش اما در شکل ناشیانه و در مضمون فضاحت بار از آب درآمده است. آنگونه که برمی آید، شتاب در سفیدشویی سپاه پاسداران تا اندازه ای بوده که تشریفات معمول در تشکیل پرونده نیز به سادگی حذف گردیده. دستگاه قضایی می گوید «گزارش» تهیه کرده، در حالیکه وظیفه آن ارایه «تحقیقات» رسمی است. همزمان، روشن نیست دستگاه آخوند اژه ای در نقش کدام مقام قضایی این «گزارش» را تدوین کرده؛ دادستان، بازرس، هیات تحقیق؟ خرابکاری بزرگتر زمانی رخ داده که دستگاه قضایی به جای آوردن گلاهِ، سر آورده و برای گم کردن نام سپاه پاسداران، ۲۱ «مُقصر» را به گونه فله ای به میانه میدان ریخته که در میان معرفی شدگان به عنوان «مُقصر» انفجاری که حتی رسانه های حکومتی قدرت آن را برابر با ۲۰۰ تا ۸۰۰ تن TNT برآورد کرده اند، از وزارت بهداشت تا اداره محیط زیست هم به چشم می خورد. دلخواهی و تشریفاتی بودن این لیست بلندبالا وقتی آشکارتر می شود که از «مُقصر» خیالی و موهومی به نام «صاحبان کالاها صادراتی» هم نام برده شده است. سپاه پاسداران اما تنها غایب «گزارش» آخوند اطلاعاتی، اژه ای، نیست. در سراسر داستانی که وی روایت می کند، نشانی از منشاء انفجار و مشخصات ماده منفجر شده به چشم نمی خورد. برای «گزارشی» که «مُقصران» را از شرق تا غرب دستگاه اداری و غیر اداری جسته و یافته، بسا عجیب است که از کنار موضوعی به این اهمیت به سادگی گذشته باشد، به ویژه از آن رو که مجموع داستانی که اژه ای و همکاران یافته اند، روی انفجار ماده مزبور ساخته و پرداخته شده.

علت خودداری گماشتگان خامنه ای از پرداختن به این پرسش کلیدی روشن است؛ هرگاه آشکار شود که «کالای» منفجر شده در گمرک بندرعباس چه بوده، به خودی خود هویت صاحب کالا نیز آشکار می شود. پیشتر حاکمیت به گونه ناکامی تلاش کرده بود یک عامل انفجار تراشیده و معرفی کند و در این رابطه گاهی از «مخزن گاز»، زمانی «سم کشاورزی» و در دوره ای از «محصولات پتروشیمی داخلی» نام می برد. سکوت اکنون آن در این باره اعتراف ناخواسته به این واقعیت است که جامعه روایتهای آن را باور نکرده و به مدد امکانات گسترده اطلاع رسانی، روایت دیگری را استنتاج کرده که به سود آن نیست. از این روست که «نظام» به راه حل ساده تری رو آورده است؛ فرو کردن سر خود زیر برف به امید دیده نشدن!

سود دیگر گذشتن از کنار عامل انفجار، داشتن دست باز در تعریف موارد اتهامی است. اینگونه است که در «گزارش»، اتهام «مُقصران» بیست و یک گانه، «سهل انگاری»، «کوتاهی»، «نداشتن برنامه»، «مغلل» و جز آن ذکر می شود که به خوبی در طبقه بندی تخلفات ساده اداری جا می گیرد. بدین وسیله آخوند اژه ای به «مُقصران» اجباری چشمک می زند که زیاد نگران نباشند و موضوع جدی نیست.

«گزارش» دستگاه حاکم فقط یک دهن کجی ساده به قربانیان و بازماندگان آنها، معلول شده ها و خسارت دیده ها نیست، بلکه همچنین تلاش تبهکارانه برای تبرئه و سفیدشویی سیاستی ضد مردمی است که جامعه را سپر انسانی خود قرار داده و زالو وار زندگی، آسایش، شادی و آزادی را از تن آن به سود متورم شدن خویش از قدرت و ثروت می مکد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۰ شهریور

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 494/23 September 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهدای فدایی در مهر ماه



رفیق فاطمه رخ بین

رفقای فدایی: چنگیز قبادی، محمد علی سالمی، حسین سید نوزادی، مهرنوش ابراهیمی، منوچهر بهایی پور، حسن حامدی مقدم، علی دبیری فرد، عبدالحسین براتی، محمد رضا همتی، پرویز داوری، غلام رضا صفری، حسین علی زاده، رحمت شریفی، حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، محمود رضا بابائی، جهانشاه سمعی اصفهانی، محمد رضا فرشاد، ژیا (ژاله) سیاب، پروین فاطمی، فرشاد فرجاد، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری بیگوند، زهرا بیدشهری،

جهانبخش آبیاری، مصطفی رسولی، سید احمد (سعید) لاری، کرامت قبادی، زاهد سجادی گیلانه ای، سیامک بهروزی خواه، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود بربری، علی رضا (حمید) صفری، فریا شفیعی گیلکجائی، علی حسن پور، محمد کس نژادی، غلام حسین زینی ونداندژاد، غلام رضا سالاری، سروش نیکخواه، ماشالله پورطرق، محمد سعید خرامی، سعید بهرامی، احمد اسلامی جوزانی، احمد نادمی، حسن بشیری، محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، مجید رهبری نژاد، فتح الله فرید، طاهره قاسم زاده (قاسمی)، ناصر مرادی، محمد فیروزی، یدالله سالاری، فرشید راجی، محمد علی ابرندی، محمد رضا فرشاد محمدی، محمد جعفر دلیلی (دلیر)، بهرام زمانی، بیژن مهنود، کامران حکیم علوی، امیر صیادی، فرهاد (بیژن) سروشیان، خسرو دانش ایران مبارکه، مهناز نجاری، مریم دانش ایران مبارکه، اسماعیل باقری، حمید باقری، سیدعلی اصغر کاسبانه، اکبر ناصری، حسین احمدی، محسن میرفصیحی، موسی پیشداد، مهوش جوکار، پرویز عندلیبیان، عبدالحمید شبانی، مهدی خانزاده، هوشنگ اژدری مقدم، خیرالله حسونند گندائی، علی محمدنژاد، عباس مکاری، سلیم کهرآزهی، اسماعیل علیان، مریم توسلی، عزت الله معلم، قربان قربی، جهان شاه حدادی مقدم، سید ربیع حسینی، رمضان قربانی، شهسوار شفیعی، بهرام (عارف) بهلوکی (بلوکی)، روح الله الماسی، محمد حیدریه، غلام حسین مجیدی، احمد سلیمانی، عباس گودرزی، حسن سعید، احمد سامان دیجان، حسن جان لنگرودی کیاکالایه، احمد کیانی و... از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید دکتر شهسوار شفیعی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

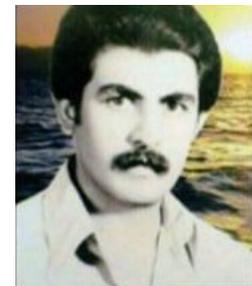
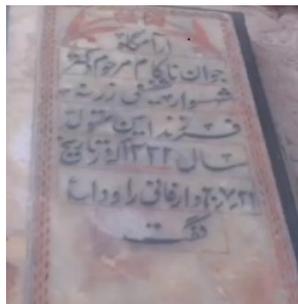
آمده بودند، سرانجام در ۲۲ مهر سال ۱۳۶۰ در شهر ایلام به همراه دو فعال سیاسی دیگر به نامهای هدایت کریم بیگی و غلام شوهانی به جوخه تیرباران سپرده شدند.

هنگام اجرا حکم دکتر شهسوار شفیعی « زمانی که میخواستند چشمان وی را ببندند گفت: «چشمانم را نبندید چون من راهم را چشم بسته انتخاب نکرده‌ام که الان با چشمان بسته با آغوش مرگ بروم، راه من با اراده، آگاهی و چشمان باز بوده و با چشمان باز به آغوش مرگ می‌روم سین‌هی من پذیرای سرب‌های جهل و کینه‌ه شماست. آتش بگشاید ای ظالمان.»

با وجود ایجاد حکومت نظامی در منطقه، به دلیل محبوبیت رفیق شهسوار شفیعی در میان مردم، تشیع جنازه او در ایلام و منطقه کلهر کرمانشاه به صورت باشکوهی انجام شد.

نام و یادش همیشه در دل تمامی آزادیخواهان و مبارزان راستین انسانیت و آزادی جاویدان است.

منبع: تلگرام ندای زاگرس (دیباکو شفیعی)



رفیق شهسوار شفیعی

رفیق شهسوار شفیعی در سال ۱۳۳۲ در زرنه از توابع استان ایلام به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود سپری کرد و برای ادامه تحصیل به کرمانشاه رفت.

بعد از اخذ مدرک دیپلم در کرمانشاه، در سال ۱۳۵۲ با

رتبه ممتاز در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد.

رفیق شهسوار از همان اوایل ورود به دانشگاه به مبارزه علیه رژیم پهلوی و حمایت از قشر فقیر و زحمتکش جامعه پرداخت و چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در بهمن سال ۱۳۵۸ از دانشگاه فارغ تحصیل شد و برای دوره طرحی به عنوان معاون دامپزشکی استان ایلام مشغول به کار شد. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و پی بردن به چهره دیکتاتوری و ظالم حکومت خمینی، به قیام علیه دیکتاتوری بپاخواست و در خرداد سال ۱۳۶۰ دستگیر و روانه زندان ایلام شد و پس از مدتی به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شد. در زندان مرتباً از او خواسته می‌شود که توبه نامه بنویسد تا آزاد شود و حتی قول بست و مقام بالاتر به او می‌دهند، ولی پاسخ رفیق شهسوار این بود که من به هیچ عنوان حاضر به امضاء این ننگین نامه نیستم. دژخیمان که از اراده آهنین این رفیق به ستوه

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم